

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات پژوهش

مقدمه.....	۷
۱-۱- طرح مسئله.....	۷
۱-۲- اهمیت انجام تحقیق.....	۸
۱-۳- ضرورت انجام تحقیق:.....	۸
۱-۴- هدف پژوهش.....	۸
۱-۵- سئوالات پژوهش.....	۸
۱-۶- روش پژوهش.....	۹
۱-۷- خروجی پژوهش و راهنمای طراحی فضای خلوت خانه باغ.....	۹

فصل دوم: مرور ادبیات

مقدمه.....	۱۵
۱-۲- فهم سکونت نفس ساکن.....	۱۵
۱-۱-۲- بررسی نظر اندیشمندان در مورد کیفیت سکونت نفس آدمی.....	۱۶
۲-۱-۲- مدل نظری سکونت نفس.....	۱۹
۲-۲- فهم نقش قوه خیال.....	۱۹
۱-۲-۲- بررسی نقش قوه خیال از نگاه اندیشمندان.....	۲۰
۲-۲-۲- مدل نظری نقش قوه خیال.....	۲۱
۳-۲- ارائه مدل عنوان پژوهش: تبیین نقش قوه خیال در سکونت نفس ساکن.....	۲۲
۴-۲- فهم فضای خلوت مسکن.....	۲۳
۱-۴-۲- چيستی فضای خلوت مسکن و ابزار آن.....	۲۴
۲-۴-۲- مدل فضای خلوت مسکن.....	۲۶
۵-۲- مدل نظری فضای خلوت مسکن با تبیین نقش قوه خیال در سکونت نفس ساکن.....	۲۷

فصل سوم: پژوهش در نمونه‌های موردی

مقدمه.....	۳۰
۱-۳- پژوهش در نمونه ها.....	۳۰

۳-۱-۱-	تبیین نقش قوه خیال در سکونت نفس ساکن در نمونه ها	۳۰
۳-۱-۲-	محاسبات و نتایج پژوهش:	۳۱
۳-۱-۳-	جمع بندی	۳۲
۳-۳-	راهنمای طراحی: احکام، ضوابط و توصیه ها	۳۳
۴-۱-	معرفی مکان طرح	۳۹

فصل چهارم: ارائه طرح خانه باغ

	مقدمه	۳۹
۴-۱-۱-	شناخت خلوت کاربر	۳۹
۴-۱-۲-	نتایج تحلیل سایت	۴۴
۴-۲-	طراحی خانه باغ در یزد	۴۵
۴-۲-۱-	فرآیند طراحی	۴۵
	ضمائم	۶۶
۱-	ضمائم فصل دوم: مرور	۶۷
۱-۱-	ضمائم سکونت نفس ساکن	۶۷
۱-۲-	ضمائم نقش قوه خیال	۳
۱-۳-	ضمائم فضای خلوت در مسکن	۳
۲-	ضمائم فصل سوم: پژوهش	۱۹
۲-۱-	سوالات پرسشنامه برای خانه باغ های شهر یزد	۱۹
۲-۲-	محاسبات پرسشنامه	۲۴
۲-۳-	نمونه‌خانه باغهای شهر یزد(قاجار، پهلوی، جدید):	۳۰
۲-۳-۱-	خانه‌باغ دکتر اولیا	۳۰
۲-۳-۲-	خانه باغ ناجی	۳۲
۳-	ضمائم فصل چهارم: طراحی	۳۸
۳-۱-	شناخت یزد	۳۸
۳-۲-	باغ ایرانی و منظر	۳۸
۳-۳-	نمودارهای مطالعاتی	۳۹
	منابع و مآخذ	۴۰

فهرست اشکال

- شکل ۱-۱- مدل فرآیند پژوهش کردن ۷
- شکل ۱-۲- سلسله مراتب تحقیق در عناوین مداخله و پژوهش ۱۵
- شکل ۲-۲- دیاگرام سطوح زمینه عنوان پژوهش ۱۵
- شکل ۳-۲- نمودار رابطه ایمان با سکونت از دیدگاه غزالی ۱۶
- شکل ۴-۲- مدل سکونت نفس از دیدگاه غزالی ۱۷
- شکل ۵-۲- نمودار مراتب سکونت نفس از دیدگاه غزالی ۱۷
- شکل ۶-۲- مدل نظری فرآیند سکونت نفس برگرفته از نظر علامه طباطبایی ۱۸
- شکل ۷-۲- مدل نظری خرده کارکردهای سکونت نفس از نگاه اندیشمندان معاصر شرق و روایات ۱۸
- شکل ۸-۲- مدل نظری فرآیند سکونت کردن نفس از نگاه علامه طباطبایی و روایات ۱۹
- شکل ۹-۲- سطوح مختلف نقش قوه خیال ۲۰
- شکل ۱۰-۲- فرآیند نقش قوه خیال از دیدگاه ملاصدرا ۲۲
- شکل ۱۱-۲- مدل نظری فرآیند کارکرد قوای باطنی نفس از دیدگاه ملاصدرا ۲۲
- شکل ۱۲-۲- مدل عام تبیین کردن نقش قوه خیال در سکونت نفس ساکن ۲۳
- شکل ۱۳-۲- مراتب فضای خلوت ۲۴
- شکل ۱۴-۲- فهم جایگاه خرده کارکرد خلوت کردن در مسکن ۲۴
- شکل ۱۵-۲- عرصه بندی فضا در مراتب مختلف ۲۵
- شکل ۱۷-۲- مدل فرآیند خلوت کردن (مأخذ: آلتمن، ۱۹۷۵) ۲۶
- شکل ۱۶-۲- مدل پویای فضای خلوت مسکن ۲۷
- ۲۸
- شکل ۲-۱۸- مدل نظری فضای خلوت مسکن با تأکید بر تبیین نقش قوه خیال در سکونت نفس ساکن ۲۸
- شکل ۱-۳- مدل نظری تبیین روابط کارکردی موجود در پژوهش ۳۱
- شکل ۲-۳- مدل جریان رابطه خردهکارکردهای سکونت و خیال ۳۱
- شکل ۱-۴- دیاگرام انواع فضای خلوت خانه‌ها ۴۰
- شکل ۲-۴- موقعیت سایت انتخابی ۴۱
- شکل ۳-۴- همجواریهای سایت ۴۱
- شکل ۴-۴- دسترسی ها و منابع تولید نوفه ۴۲
- شکل ۵-۴- انواع منابع صوتی در سایت ۴۲
- شکل ۶-۴- دید مزاحم به سایت ۴۳
- شکل ۷-۴- حرکت خورشید در فصول مختلف در نیمکره شمالی ۴۴
- شکل ۸-۴- حرکت خورشید در فصول مختلف در نیمکره شمالی ۴۴
- شکل ۹-۴- فرآیند طراحی مرتبه اول ۴۴
- شکل ۱۰-۴- آلترناتیوهای قرارگیری عرصه خصوصی تا عمومی در مرتبه اول ۴۵
- شکل ۱۱-۴- آلترناتیوهای قرارگیری عرصه خصوصی تا عمومی در مرتبه دوم ۴۶

شکل ۴-۱۲- عرصه خصوصی تا عمومی در مرتبه سوم.....	۴۶
شکل ۴-۱۳- روند شکل گیری مدول تناسب.....	۴۷
شکل ۴-۱۴- رسم نسبت‌های طلایی با توجه به ابعاد سایت.....	۴۷
شکل ۴-۱۵- شکلگیری پر و خالی سایت با توجه به آلترناتیو عرصه‌بندی در مرتبه اول.....	۴۸
شکل ۴-۱۶- روند شکل گیری پر و خالی در سایت.....	۴۸
شکل ۴-۱۷- پلان هندسی در سایت.....	۴۸
شکل ۴-۱۸- دیوارهای جدا کننده با بلوکهای LECA (مأخذ: محمد، ۱۳۹۲: ۷۳).....	۴۹
شکل ۴-۱۹- پرده شیشه‌ای.....	۵۰
شکل ۴-۲۰- استفاده از پرده شیشه‌ای برای حفظ گرمای درون خانه.....	۵۰
شکل ۴-۲۱- پلان طبقه همکف.....	۵۱
شکل ۴-۲۱- پلان طبقه اول.....	۵۲
شکل ۴-۲۲- پلان زیرزمین.....	۵۳
شکل ۴-۲۳- مقطع a-a.....	۵۳
شکل ۴-۲۴- مقاطع b-b (سمت چپ) و c-c (سمت راست).....	۵۴
شکل ۴-۲۵- نماهای شمالی (تصویر سمت چپ) و جنوبی (تصویر سمت راست).....	۵۵
شکل ۴-۲۶- نماهای غربی (تصویر بالا) و شرقی (تصویر پایین).....	۵۶
شکل ۴-۲۷- سایت پلان و پلان بام به همراه ترتیب کاشت گیاهان.....	۵۶
اشکال ۴-۲۸ تا ۴-۴۵- تصاویر سه بعدی طرح.....	۵۷
شکل ۱- مدل نظری نفس از دیدگاه ملاصدرا.....	۶۹
شکل ۲- مدل استكمال نفس از نگاه ملاصدرا.....	۷۰
شکل ۳- کارکرد و کیفیات سکونت مستخرج از متون مقدّس.....	۰
شکل ۴- بررسی سطوح استقرار آدمی در زمین.....	۰
شکل ۵- مدل نظری سکونت از نگاه هایدگر.....	۱
شکل ۶- مدل نظری خرده کارکردهای سکونت از نگاه شولتز و هایدگر.....	۲
شکل ۷- مدل نظری اجزای خیال از نگاه صدرالمتهلین.....	۱
شکل ۸- مدل نظری اجزای قوه خیال از دیدگاه ملاصدرا.....	۱
شکل ۹- مدل نظری قوه از نگاه صدرالمتهلین.....	۲
شکل ۱۰- مدل نظری انواع قوه تا حصول فعل از نگاه صدرالمتهلین.....	۳
شکل ۱۲- کارکردهای خلوت و سازوکارهای نظارت بر خلوت (مأخذ: آلتمن).....	۵
شکل ۱۳- خلوت و عملکردهای آن از نگاه وستین و آلتمن (مأخذ: آلتمن).....	۶
شکل ۱۵- دیاگرام عوامل شکل دهنده به معماری خانه در دوره‌ی پیش از ۱۳۰۰ و پس از ۱۳۴۰.....	۱۸
شکل ۱۷- نقشه استان یزد.....	۳۸
شکل ۱۸- انرژی خورشید تابش یافته بر سطوح قائم در ساختمانهای عمود بر شمال و جنوب (کسمایی، ۱۳۸۱: ۱۹۹).....	۳۹

جدول ۱-۱- تفکیک کلیات پژوهش و مداخله.....	۱۲
جدول ۱-۲- کارکردهای قوه خیال از نگاه هر یک از اندیشمندان.....	۲۱
جدول ۱-۳- نتایج آزمون فرض آماری.....	۳۲
جدول ۲-۳- احکام، ضوابط و توصیههای طراحی فضای خلوت خانههاغ.....	۳۳
جدول ۱- وجود مؤلفههای مختلف در هر یک از ابعاد مفهوم سکونت.....	۲
جدول ۲- تعاریف خلوت در علوم رفتاری.....	۴
جدول ۳- عوامل تأثیرگذار بر خلوت ساکنین.....	۷
جدول ۴- تعاریف خلوت از نظر عرفا.....	۹
جدول ۵- معنی لغوی فضا در فرهنگ لغت فارسی و انگلیسی.....	۱۱
جدول ۶- تعاریف مختلف فضا.....	۱۴
جدول ۱۲- میانگین دمای ماهانه یزد طی ۵ سال اخیر (www.irimo.ir).....	۳۹



فصل اول: کلیات پژوهش

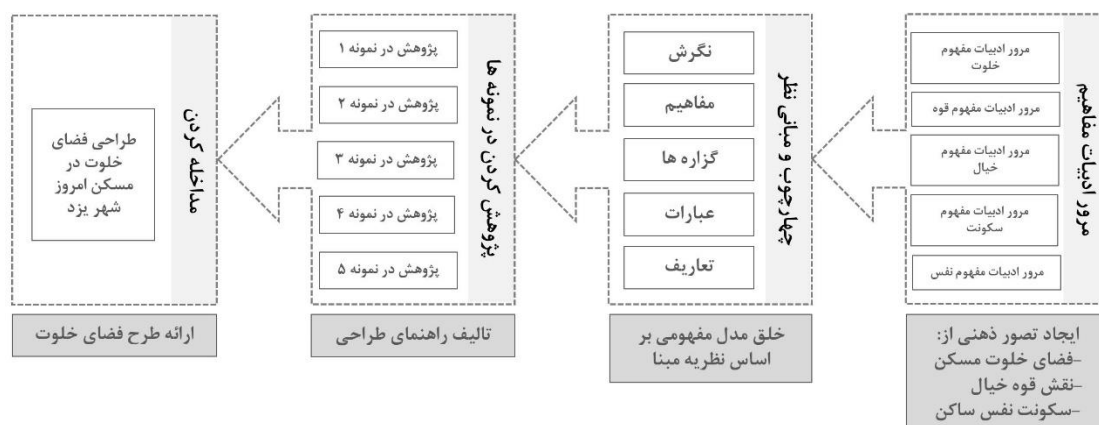
خلاصه فصل:

غفلت انسانها از یکی از نیازهای اساسی خود به نام خلوت کردن، و غفلت طراحان از قوای باطنی انسان به عنوان مدبر امور ذهنی، موجبات حذف سکونت واقعی و آرامش بشر را از مساکن شهری فراهم آورده است. این امر می‌تواند باعث عدم رسیدگی فرد به خویش شدن شود و در نهایت خطراتی همچون ناهنجاری‌های اجتماعی و جرایم اجتماعی را به دنبال داشته باشد؛ از این رو نگارنده در پی برداشتن قدمی هرچند ناچیز، پا در این مسیر نهاده است.

به امید سکونت حقیقی...

در تمام طول زندگی انسان، ایمان به خدا باعث آرامش وی بوده است و آرامش خود موجب افزایش ایمان می‌شود. چنانچه بپذیریم مسکن محل سکونت و آرامش آدمیست، پس چه چیز است که آرامش در مسکن را از یاد برده است؟ کارکردی که در مسکن واقع می‌شود، "سکونت کردن" است. این کارکرد خود به معنای آرامش باطن و خاطر آدمیست (طاهری، ۱۳۹۲: ۶). اما چرا سکونت به معنای واقعی در مسکن اتفاق نمی‌افتد؟ چنانچه به گفته ملاصدرا استناد کنیم، تا نفس ساکن نشود، سکونت بدن محقق نخواهد شد، چراکه نفس مرکب بدن است (ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۳۱۵ ج ۱)؛ به عبارتی زمانی سکونت در مسکن امکان حصول می‌یابد که سکونت کردن نخست متوجه نفس باشد (طاهری، ۱۳۹۲: ۷) و سپس متوجه بدن و محسوس خواهد شد. اما چه چیز باعث می‌شود کارکرد سکونت کردن در مسکن برای نفس واقع نشود؟

عالم نفس، عالم معقولات و عالم جسم، عالم محسوسات است (ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۲۶۱ ج ۱). محیط واسط بین این دو عالم خیال است که انسان از طریق قوه "مصوره" یا "خیال" بدان راه می‌یابد. این قوه عامل برقراری رابطه بین نفس و بدن است؛ لذا فهم نقش قوه خیال در سکونت نفس می‌تواند مدد رسان باشد. اما در مسکن آنچه که زمینه نفس را فراهم می‌کند، "خلوت" است. "خلوت کردن" کارکردیست بسیار مهم و به لحاظ عام بودن در مسکن شهری مغفول مانده است. این فرض وجود دارد که فضای خلوت موجب سکونت نفس شود. امید است بتوان از طریق توجه و فهم کارکردهای مذکور مسأله سکونت را تا حدی حل کرد.



شکل ۱-۱- مدل فرآیند پژوهش کردن

۱-۱- طرح مسئله

آنچه که انسان فطرتاً از ازل تا ابد در پی آن است آرامش است. آدمی این آرامش را از خانه خود متوقع است، آنجا که نامش را مسکن نهادیم! امروزه افزایش تقاضای مسکن و در پی آن کثرت ساخت، طراحان و کاربران را ملزم به توجه، به نیازهای اولیه و غفلت از نیازهای معنوی ساکنین کرده است. یکی از این نیازها "خلوت کردن" است. خلوت یکی از ضروریات هر محیط مناسب برای زیست انسان است که فعل آن غالباً به صورت ناخودآگاه بروز می‌کند؛ لزوم سکونتی که ما در مسکن در پی‌اش هستیم، سکونت نفس ماست. خلوت اولین قدم و زمینه این سکونت را فراهم

^۱ کارکرد عام کارکردیست که متوجه همه خرده کارکردهای سکونت کردن است که در فصل بعد به آن می‌پردازیم.

^۲ متخصصان علوم رفتاری این امر و عدم شناخت این رفتار را دلیل غفلت معماران از این مهم می‌دانند (لنگ، ۱۳۹۱: ۱۶۵).

می‌کند(فتاحی و پازوکی، ۱۳۹۳: ۲۵۹). با تأکید بر دیدگاه‌های اقتصادی و جمعیتی و کم توجهی به نیازهای دیگر انسان مانند خلوت کردن، محیط زندگی از کیفیت لازم کم بهره می‌ماند و ساکنان محیط‌های مسکونی با کم شدن حس تعلق به محیط زندگی، دچار نوعی بی‌هویتی می‌شوند(عینی‌فر و آقا لطیفی، ۱۳۹۰: ۹). ضمن اینکه تأمین فضای شخصی یکی از ساز و کارهای اصلی دست یافتن به خلوت است، اگرچه به حق انتخاب و امکان تعامل اجتماعی هر فرد تا اندازه‌ای کمک می‌کند اما در برطرف‌سازی همه نیازهای خلوت ساکنین ناتوان است.

۱-۲- اهمیت انجام تحقیق

قوة خیال به عنوان یکی از قوای باطنی نفس-که وظیفه حفظ صور- را دارد، کمتر از حواس آدمی مورد توجه قرار می‌گیرد در حالیکه جهت نیل به اهداف غیرمادی مسکن محتاج آنیم! و آدمی همواره به دنبال جایی برای آرام گرفتن با بی توجهی به این مهم در طراحی مسکن آرامش را ربوده و انسان را همواره دچار تشویش می‌سازد؛ این مسئله زمانی تشدید می‌شود که وی خلوتی جهت استقلال فردی، تخفیف هیجان، کمک به خود ارزیابی و محافظت از ارتباطات خود نیز نداشته باشد. علل مذکور، مسکن امروز را محتاج بستری برای خلوت ساکنین و سکونت راستین را محتاج بستری چون خلوت، با توجه به اهمیت نقش قوة خیال در سکونت می‌سازد.

۱-۳- ضرورت انجام تحقیق:

یکی از دلایل ناهنجاری‌های رفتاری و جرایم اجتماعی حذف خلوت افراد و در نهایت آرامش ایشان در مسکن است. آثار منفی روانی روی افراد، نتیجه کمبود امکان تماس غیراجباری بین آنان و یا به عکس زیاد بودن تماس‌های ناخواسته ولی گریزناپذیراند. توجه نداشتن به این نیاز، موجب ایجاد خلل در استقلال فردی، هیجانات، خود ارزیابی و ارتباطات فرد با سایرین می‌شود. لذا این موارد تحقیق حاضر را بر آن داشت تا قدمی هرچند ناچیز در این راستا بردارد. این پژوهش می‌تواند در مطالعات معماری مسکن(به ویژه خانه باغ‌ها)، معماری فضای خلوت، علوم رفتاری و روانشناسی محیط مورد استفاده واقع شود.

۱-۴- هدف پژوهش

این پژوهش بر آنست تا رابطه بین نقش قوة خیال در سکونت نفس را از طریق تبیین کردن، احراز کند. و در ادامه چنانچه از عنوان بر می‌آید، هدف از این تحقیق طراحی فضای خلوت در خانه باغ با تأکید بر نقشی است که قوة خیال در سکونت نفس آدمی-که لازمه سکونت در مسکن است- دارد؛ بدین منظور نگارنده از طریق مرور مفاهیم و شناخت فضای خلوت به عنوان زمینه و بستری برای سکونت سعی در تالیف راهنمای طراحی آن برای خانه باغهای امروزی شهر یزد را دارد. امید است هرچند ناچیز، سکونت حاصل شود.

۱-۵- سئوالات پژوهش

- چه رابطه‌ای بین نقش قوة خیال و سکونت نفس آدمی برقرار است؟
- نقش قوة خیال چگونه با سکونت نفس رابطه برقرار می‌کند؟
- چگونه می‌توان با تأکید بر تبیین نقش قوة خیال در سکونت نفس انسان، فضای خلوت در مسکن امروز شهر یزد را طراحی کرد؟
- فضای خلوت نیازمند چه مختصاتی برای نیل به سکونت نفس است؟

۱-۶-روش پژوهش

در این پژوهش توأمان با توصیف موضوع و با استناد به منابع موجود کتابخانه‌ای، از روش استقرا سعی در تبیین نقش قوه خیال در سکونت نفس شده است؛ و همچنین از طریق علم ریاضیات و مشخصاً معادله کوکران برای تعیین حجم نمونه (مساکن جدید در شهر یزد) استفاده می‌شود. در حوزه مداخله (طراحی) از طریق روش پیمایشی و از فنون مصاحبه، پرسش از طریق پرسشنامه استفاده شده است.

۱-۷-خروجی پژوهش و راهنمای طراحی فضای خلوت خانه باغ

کارکردهای نقش قوه خیال در سکونت نفس با هم رابطه داشته و در فضای خلوت ساکنین فهم شده‌اند. این کارکردها به میزان متوسط تا قوی با هم رابطه دارند و ایمان آوردن و ادراک کردن بیشترین میزان تبادل اطلاعات و لذا قوی‌ترین رابطه را دارند. میزان رضایت افراد از فضای خلوت خود در خانه باغ متوسط، یعنی کمتر از حد مطلوب است. آرامش ساکنین در فضای خلوتشان در خانه باغ زیاد است و تاثیر فضای باغ در خلوت ساکنین قابل ملاحظه. در حالی که طبق محاسبات تحلیل عاملی میزان آرامش ساکنین در فضای خلوتشان با رضایت ایشان تناظر دارد، اما نتایج پژوهش نشان می‌دهد، رضایت ساکنین، تنها تحت تاثیر آرامش آنان نیست. لذا مولفه‌های دیگری نیز موجودند که باید فهم و احراز شوند.

۱. حذف انواع نوفه‌ها در فضای خلوت مسکن ضرورت دارد. همچنین نوفه‌های فضای خلوت گروهی مانند نشیمن نباید موجب ایجاد مزاحمت برای فضاهای خلوت فردی ساکنین شود.

- میانگین تراز صدای خلوت خانه باغ باید ترجیحاً تا ۳۰ dB باشد اما با حضور آب نهایتاً تا ۶۰ dB مناسب است.

- شناخت سرچشمه‌های صوتی صدا (نقطه ای، خطی و صفحه ای) و بلندی صدا می‌تواند بسیار کمک رسان باشد. این مداخله می‌تواند از طریق توجه به شاخص کاهش صدای جداکننده‌ها، استفاده از شیشه‌های دو یا سه جداره ی مقاوم در برابر صوت، استفاده از دیوارها با عایق صوتی، استفاده از تولید نغمه در طبیعت مانند صدای آب پرندگان و حرکت درختان و در صورت لزوم صدای حاصل از قرارگیری نوت‌های موسیقی در کنار هم.

۲. ساختمان نباید در مسیر وزش تندباد عبور کرده از منابع صوت قرار گیرد.

- کاشت درختان بلند (بلندتر از ارتفاع ساختمان) جهت جلوگیری از وزش باد بر صدای حاصله از منبع صوتی کارساز است.

۳. درها و پنجره‌ها باید ضد انتقال صدا و درزبندی کامل باشند.

- حداکثر تراز نوفه زمینه در اطاق خواب ۳۰ تا ۳۵، در نشیمن ۳۰ تا ۴۰ و در آشپزخانه ۵۰ می‌باشد.

- همچنین می‌توان از طریق ایجاد فضای میان دو در و یا فاصله میان آنها از عبور صدا جلوگیری کرد.

۴. در چیدمان فضاها در طراحی پلان نباید فضاهایی از قبیل موتور خانه، راه پله پر تردد، آسانسور، داکت و فضاهای پرسر و صدای دیگر در کنار فضای شخصی و خلوت فردی افراد قرار گیرد و همچنین نباید در کنار معابر قرار گیرد.

- بسته به محیط انتشار نوفه (هوابرد یا پیکره‌ای) می‌توان از ورود آنها به فضا جلوگیری کرد. نوفه‌های هوابرد را می‌توان از طریق توجه به اتصالات دیوار یا پنجره به کف سقف و دیوارهای کناری و پیچ و خم در کانال‌های هوا کنترل کرد. نوفه‌های پیکره‌ای را نیز می‌توان از طریق کف شناور، سقف کاذب و پوشاندن کف با فرش یا مواد لاستیکی کنترل کرد.

۵. اتصال بازشوها به سقف کف و دیوارها باید کاملاً درزبندی شده باشد.
- شاخص کاهش صدا برای هر بازشو باید حداقل ۳۰ دسی بل باشد.
۶. استفاده از حایل های صوتی در طراحی محوطه گریز ناپذیر است.
- حایل ها باید تا حد امکان متخلخل و دارای سطح منعکس کننده صدا باشند. فاصله حایل ها باید تا حد امکان به منبع تولید صدا نزدیک باشند.
- برای کاهش نوفه های حاصل از تردد در معابر، طراحان می توانند (طبق قانون آکوستیک هندسی) از سطوح محدب، مقعر و صاف در دیوارهای خارجی خانه باغ و مصالح مناسب جهت برگشت صدا یا جذب صدا استفاده کنند.
۷. جهت گیری آستانه ورودی در خانه باغ نباید به صورتی باشد که بعد از باز شدن به فضای خانه دید داشته باشد.
- حداکثر عرض در جهت حفظ خلوت باغ برای سواره تا ۳ متر و برای پیاده تا ۱/۳ متر است.
- برای جلوگیری از هرچه بیشتر دید می توان از کاشت بوته های بلند یا درختان پهن و کوتاه استفاده کرد.
۸. خانه باید از محرمیت کافی برخوردار باشد و اشرافیت به همسایگی های خود نداشته باشد.
- میزان میدان دید به فضای خانه کمتر از ۱ متر مربع باید باشد! در جایی که کمترین میزان استفاده از آن می شود.
- کاشت درختان مانند سرو، چنار که بلندتر از ۱۰ متر هستند. بلند می توان با توجه به خط دید همسایه و ارتفاع آن مورد استفاده قرار گیرد.
۹. جداره ها باید حتی الامکان شفاف طراحی شده و دید به باغ را محدود نکرد. درختان بلند در نزدیکی ساختمان نیز نباید دید ساکنین را به فضای باغ مانع شوند.
- پیشنهاد می شود حداقل فاصله درختان با ارتفاع بیش از ۷ متر نصف فاصله دیوار خانه تا حصار باغ باشد.
- بدین منظور مناسب است کاشت درختان از ارتفاع زیاد به کم از دورترین حصار خانه-چنانچه موجب هدایت باد نامطلوب به سمت فضای خانه نشود- کاشت شوند.
۱۰. اشرافیت از طبقات بالا بر هر یک از فضاهای شخصی و فضاهای نیمه باز آنها که برای خلوت کردن افراد مورد استفاده قرار می گیرد ممنوع است.
- محاسبه عمق سایبان میزان تابش دلخواه در فضا ضرورت دارد.
- بدین منظور می توان از پیشآمدگی طبقه پایین یا عقب نشینی تراس طبقه بالا تا حد حذف دید مزاحم استفاده کرد.
۱۱. فضاهای عمومی در هر مرتبه نباید به گونه ای طراحی شوند که به بخش خصوصی یکدیگر اشرافیت داشته باشد. فضاهای عمومی باید از طریق فضاهای واسط - فضاهای نیمه خصوصی - به فضاهای خصوصی دسترسی یابند. رعایت سلسله مراتب در بنا الزامیست.
- استفاده از زاویه دار کردن مسیرها، استفاده از درها و دکورها یا دیوارهای متحرک می توان دید مزاحم بین عرصه های مختلف را حذف کرد.
۱۲. آستانه ی ورودی فضاهای شخصی باید به گونه ای طراحی شود که به یکدیگر دید نداشته باشند لذا نباید روبروی هم و یا در مجاورت هم در راستای یک خط قرار گیرند.

- حداکثر عرض ورودی فضای اتاق‌ها ۱/۱ متر است.
- بدین منظور می‌توان از شکستگی مسیر ورودی یا از طریق ایجاد راهروی دیگر و فضای پیش ورودی از طریق تعبیه در بهره جست.
- ۱۳. در فضاهای داخلی خانه نباید اغتشاش بصری از فقدان تعبیه جا برای هر چیزی وجود داشته باشد. توجه به محل قرارگیری وسایلی از جمله آینه که دید را به فضا هدایت می‌کند ضروریست.
- محاسبات طراحی کمد ها و فضاهای خدماتی با توجه به ارتفاع قد هریک از استفاده کننده‌ها الزامیست.
- دسته بندی کارکردهای مرتبط به هم، اشیاء و لوازم مورد استفاده در خانه و ایجاد فضا برای هر یک مدرسان است.
- ۱۴. تدابیر تاسیساتی جهت عدم ورود بو در یک فضا ضرورت دارد.
- استفاده از درزگیرهای مناسب در محل اتصال به فاضلاب و استفاده از درپوش چاه تا حد زیادی از انتقال بو به فضا می‌کاهد.
- ۱۵. هوای فضاهایی که منشاء تولید بو در خانه هستند مانند محل طبخ غذا و سرویسها باید به بیرون هدایت شوند.
- ۱۶. محل قرارگیری طبخ غذا در ساختمان نسبت به باد غالب نباید به گونه‌ای باشد که بو را به فضای داخل خانه هدایت کند.
- در یزد می‌توان از طریق پوشش جبهه غربی و شمال غربی از خریان باد محافظت کرد.
- ۱۷. سرویسهای بهداشتی که باز شو برای آنها تعبیه نشده‌است الزام به دریچه تهویه هوا و هدایت آن به بیرون از ساختمان دارد.
- برای سرویس های بزرگتر از ۲ مترمربع ابعاد هواکش بزرگتر می‌شود.
- بدین منظور می‌توان از دستگاه‌های تهویه هوا مانند هواکش استفاده کرد؛ همچنین ایجاد بوی خوب-متناسب با ذائقه استفاده کننده- در حذف بوهای مزاحم مفید است. تذکر: نباید صدای تهویه مزاحمتی برای ساکنین داشته‌باشد.
- ۱۸. بوی غالب هر اتاق (شامل بوی عطر، بوی بدن و غیره) نباید به از طریق جریان هوا به فضاهای دیگر وارد شود.
- بدین منظور می‌توان ورودی هر اتاق را در مسیر ورودی اتاق دیگر قرار نداد. همچنین ایجاد ورودی و خروجی هوا (جریان هوا) توسط ساکنین کارساز است.
- ۱۹. فضای پارکینگ و تاسیسات نباید برای خلوت بویای فضاها اطراف مزاحمتی ایجاد کند.
- توصیه می‌شود در اتصال این فضاها با فضاهای دیگر-در صورت عدم مزاحمت شنیداری- از پرده هوایی استفاده شود.
- ۲۰. هرفرد در هر قسمتی از فضا باید بتواند فاصله خود را از افراد دیگر جهت جلوگیری از تداخل حوزه بویایی و حرارتی هم حفظ کند لذا در نظرگیری فضای کافی در سکون و حرکت در مسکن الزامیست.
- حداقل فاصله شخصی برای هرفرد در فضای پذیرایی ۶۵ سانتی‌متر، در نشیمن ۴۵ سانتی‌متر و در فضای خواب ۱۵ سانتی‌متر است.
- تذکر: این فاصله می‌تواند با توجه به فاصله مطلوب هر فرد بیشتر شود، اما کمتر از آن توصیه نمی‌شود.

۲۱. فضای حرکتی هر یک از فضاهای خانه‌باغ باید به حد کفایت باشد و نباید به گونه ای طراحی شود که استفاده کننده مجبور به برخورد به دیوار و اشیاء موجود در فضا و تماس ناخواسته با افراد دیگر شود.

- عرض راهرو حداقل ۱۲۰ و عرض در ورودی حداقل ۹۰ سانتی متر است. هر یک از عرض، طول و ارتفاع باید متناسب با قد افراد محاسبه و سپس طراحی شود.

- مثال: ارتفاع ظرف‌شویی برای یک فرد با قد ۱۶۰ سانتی متر متفاوت است تا فردی با قد ۱۸۰ سانتی متر.

۲۲. رعایت حفظ تناسبات (نسبت h/b) برای هر یک از فضاها الزامیست. این نسبت نباید به گونه‌ای باشد که در فرد باعث احساس کمبود فضا یا رسمیت بیش از حد شود.

- این محاسبات باید با توجه به ارتفاع قد ساکنین و میهمان انجام گیرد.

- بعضی استانداردهای مشخص شده در این جامعه می‌تواند به کارآید اما باید از صحت آنها اطمینان لازم به عمل آید.

۲۳. بافت فضا باید احساسی از سادگی و صمیمیت را به استفاده کننده انتقال دهد.

- توصیه می‌شود حتی‌الامکان از مصالح طبیعی و سنتی مانند چوب، سنگ و آجر استفاده گردد. استفاده از بافتهای ضخمت می‌تواند در جایی استفاده گردد که کمتر توسط ساکنین استفاده می‌شود.

۲۴. هر مسکن باید عایق بندی کامل نسبت به جریان هوا و حافظ آسایش ساکنین باشد. خانه باید در تندبادها کاملاً در برابر گردوغبار محافظت شود. جهتگیری بنا باید به گونه‌ای باشد که بادهای داغ تابستان و سرد زمستان باعث احساس سرما و گرمای ساکنین نشود. تابش آفتاب نباید موجب ایجاد مزاحمت ناشی از انتقال حرارت به فضای سکونت شود.

- استفاده از مصالح با ظرفیت حرارتی بالا در اقلیم گرم و خشک و محاسبات اقلیمی نظیر انتقال حرارت و عمق سایبانها ضرورت دارد.

- توصیه می‌شود بنا کشیدگی شرقی-غربی داشته و حداکثر ۱۵ درجه به سمت شرق چرخش داشته باشد.

۲۵. توجه به اصول تناسب، توازن، پیوستگی و سادگی در عناصر فضا (رنگ، نور، مصالح و ...) الزام دارد.

جدول ۱-۱- تفکیک کلیات پژوهش و مداخله

عناوین		پژوهش	مداخله
سؤال	اصلی	نقش قوه خیال چگونه با سکونت نفس رابطه برقرار می کند؟	چگونه می توان فضای خلوت در مساکن امروز شهر یزد را طراحی کرد؟
		چگونه می توان با تاکید بر تبیین نقش قوه خیال در سکونت نفس آدمی، فضای خلوت در مساکن امروز شهر یزد را طراحی کرد؟	
	فرعی	چه رابطه ای بین نقش قوه خیال و سکونت نفس آدمی برقرار است؟	فضای خلوت نیازمند چه مؤلفه ها و وجوهی برای نیل به سکونت نفس است؟
فرضیه		کارکرد خلوت کردن در مسکن موجب رابطه نقش قوه خیال در سکونت نفس می شود.	
مسئله	اصلی	عدم تبیین نقش قوه خیال در سکونت نفس	بی توجهی به کارکرد خلوت کردن در طراحی مساکن

	فرعی	نادیده گرفتن نقش قوای باطنی و مشخصاً قوه خیال در آرامش ساکنین	حذف سکونت از مسکن امروز
هدف	اصلی	طراحی فضای خلوت خانه‌باغ در یزد جهت نیل به سکونت نفس و آرامش راستین ساکنین	
	فرعی	فهم نقش قوه خیال در سکونت نفس	بازیابی سکونت مسکن به معنای حقیقی آن
روش	روش	استدلال قیاسی منطقی	
	فنون	استناد، مطالعه، مشاهده و پرسش	مطالعه، استناد، پرسش، مصاحبه، محاسبه و مشاهده
اهمیت		رسیدن انسان به آرامش از طریق استقلال فردی، تخفیف هیجان، خود ارزیابی و محافظت از ارتباطات خود	
ضرورت		نجات جامعه از بعضی ناهنجاری‌ها و جرائم اجتماعی که ریشه در محل سکونت انسان دارد	
نتایج (خلاصه)		نقش قوه خیال در سکونت نفس ساکن تبیین شده و میزان رابطه خرده اعمالشان از متوسط تا زیاد می‌باشد.	طرح خانه باغ توجه به عرصه‌های خصوصی تا عمومی در همه مراتب تا مرتبه خیال آدمی
		راهنمای طراحی فضای خلوت خانه‌باغ در شهر یزد شامل احکام، ضوابط، توصیه‌ها و تذکرات.	

هیچ کنجی بی‌دد و بی‌دام نیست جز بخلوتگاه حق آرام نیست

کنج زندان جهان ناگزیر نیست بی‌پامزد و بی‌دق الحصیر

والله ار سوراخ موشی در روی مبتلای گربه چنگالی شوی

آدمی را فربهی هست از خیال گر خیالاتش بود صاحب‌جمال

ور خیالاتش نماید ناخوشی می‌گدازد همچو موم از آتشی

در میان مار و کزدم گر ترا با خیالات خوشان دارد خدا

مار و کزدم مر ترا مونس بود کان خیالت کیمیای مس بود

صبر شیرین از خیال خوش شدست کان خیالات فرج پیش آمدست

آن فرج آید ز ایمان در ضمیر ضعف ایمان ناامیدی و زحیر

صبر از ایمان بیابد سر کله حیث لا صبر فلا ایمان له

گفت پیغامبر خدای ایمان نداد هر که را صبری نباشد در نهاد... (مثنوی معنوی، مولانا)



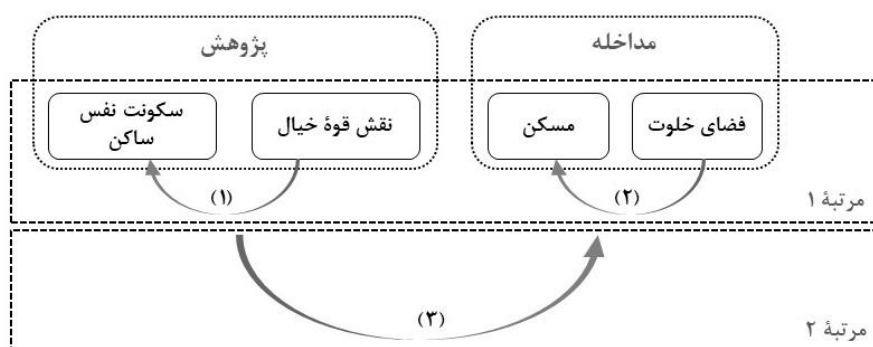
فصل دوم: مرور ادبیات و مفاهیم

خلاصه فصل:

آدمی به طور ناخودآگاه از طریق حواس پنجگانه خود صورتهای را از بیرون دریافت می‌کند و در قوه خیال محفوظ می‌دارد. لذا هر فعلی از افعال نفس از جمله سکونت آن، از طریق قوای نفس امکان می‌پذیرد؛ و انسان که همواره تمام تلاش خود را جهت نیل به سکونت راستین به کار می‌بندد، با غفلت از قوای درونی خود به برخی نیازهای ناخودآگاه خود بی‌توجه می‌شود. یکی از این نیازها «خلوت کردن» است که خود اولین قدم در راستای نیل به سکونت نفس و آرامش ساکنین است.

خلوت‌گزیده را به تماشا چه حاجت است...

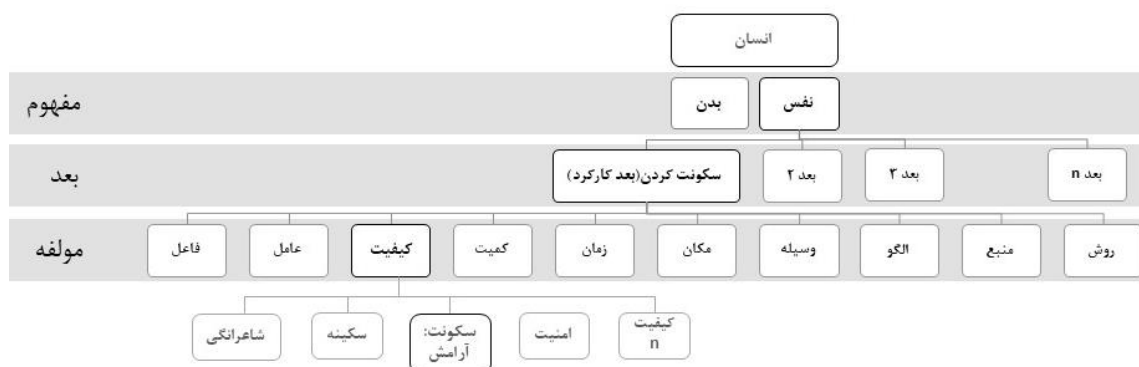
انسان که همیشه در پی مکانی برای سکونت بوده شاید از این مهم غافل بوده است که وی علاوه بر جایی برای اقامت کردن در پی مکانی برای کنترل تعامل خود با دیگران نیز می‌باشد. اگر هدف یک مسکن سکونت به معنای حقیقی کلمه باشد، توجه به خلوت امری ضروری و لازم است. چراکه خلوت کردن یکی از خرده کارکردهای آن است. و اما فضای خلوت مسکن، فضاییست که کارکرد خلوت کردن در آن رخ می‌دهد، لذا هر گوشه‌ای در مسکن می‌تواند فضای خلوت باشد! از طرفی کفایت سکونت مسکن در سکونت نفس ساکنین است، از این رو پیش از سکونت در مفهوم عام سکونت نفس اهمیت می‌یابد؛ لذا در اینجا خیال آدمی می‌تواند به عنوان حلقه واسطه بین نفس و بدن و حافظ صورتهای ادراک شده به کمک فهم رابطه این دو بیاید.



شکل ۲-۱- سلسله مراتب تحقیق در عناوین مداخله و پژوهش

۲-۱- فهم سکونت نفس ساکن

در این بخش از عنوان پژوهش، انسان به دلیل بروز فعلیت (سکونت کردن در مسکن) ساکن خوانده شده که در آراء نظریه پردازان، انسان در مقام کل و نفس یکی از اجزای آن به شمار می‌رود؛ سکونت نفس نیز نتیجه کارکرد سکونت کردن آن است که آرامش و سکینه از پیامدهای اصلی آن است. و حتی خود لفظ سکونت نفس اشاره به کیفیتی دارد که از ایمان آوردن نیز حاصل می‌شود. در ادامه خواهیم دید که کارکردهای مختلف سکونت نفس کدامند و چگونه به سکونت نفس ساکنین کمک می‌شود. در این بخش مشخصا به مولفه کیفیت بُعد کارکرد نفس پرداخته می‌شود (شکل ۲-۲).

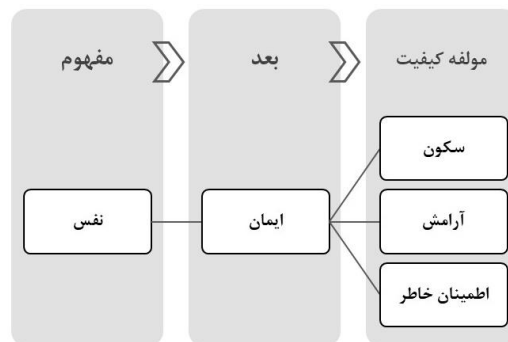


شکل ۲-۲- دیاگرام سطوح زمینه عنوان پژوهش

۲-۱-۱- بررسی نظر اندیشمندان در مورد کیفیت سکونت نفس آدمی

سکونت نفس (آدمی) در آراء اندیشمندان و نظریه پردازان علوم عرفانی، فلسفه و معماری قابل پیگیری می‌باشد.^۳ لفظ سکونت برای نفس به عنوان یک کیفیت و یا یک کارکرد مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ پس در لفظ کارکرد، سکونت برونداد فعل سکونت کردن برای نفس است؛ اما معمولاً در مستندات چنانچه سکونت به عنوان یک کیفیت مد نظر باشد سکونت نفس- به معنی آرامش و سکون نفس- به معنای پیامد و نتیجه یک کارکرد است. لازم به ذکر است که در هر صورت واژه سکونت، خود به معنی آرامش باطن و خاطر است. در این تحقیق نیز کیفیت سکونت نفس به معنای واقعی سکونت از این کارکرد منظور است.

به گفته امام محمد غزالی، مفهوم امنیت به معنای سکون نفس و اطمینان خاطر از ایمان^۴ مستفاد می‌شود؛ لذا وقتی گفته می‌شود کسی ایمان دارد، یعنی آرامش و اطمینانی نیکو بر نفس و روان وی حکمفرماست، زیرا موجبات خوف و ناآرامی و اضطراب خاطر، در او وجود ندارد (شکل ۲-۳). فخر رازی نیز مفهوم سکونت نفس، وثوق و طمأنینه را از ابوزید در معنای ایمان به همین صورت نقل می‌کند (دلخمش، ۱۳۸۹: ۲۸۲).

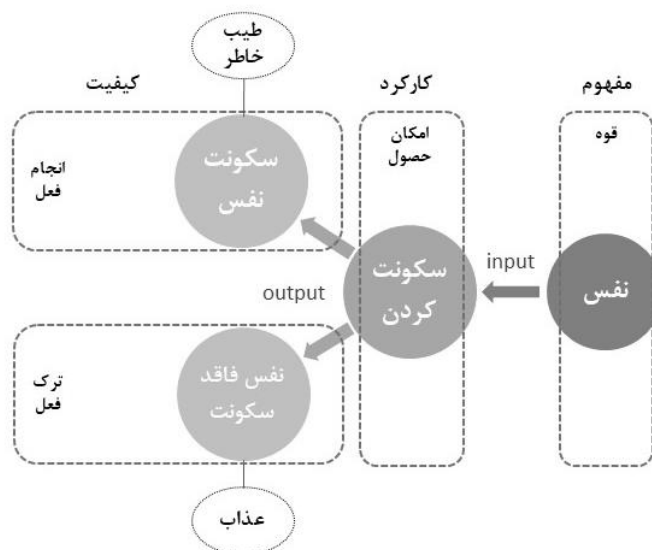


شکل ۲-۳- نمودار رابطه ایمان با سکونت از دیدگاه غزالی

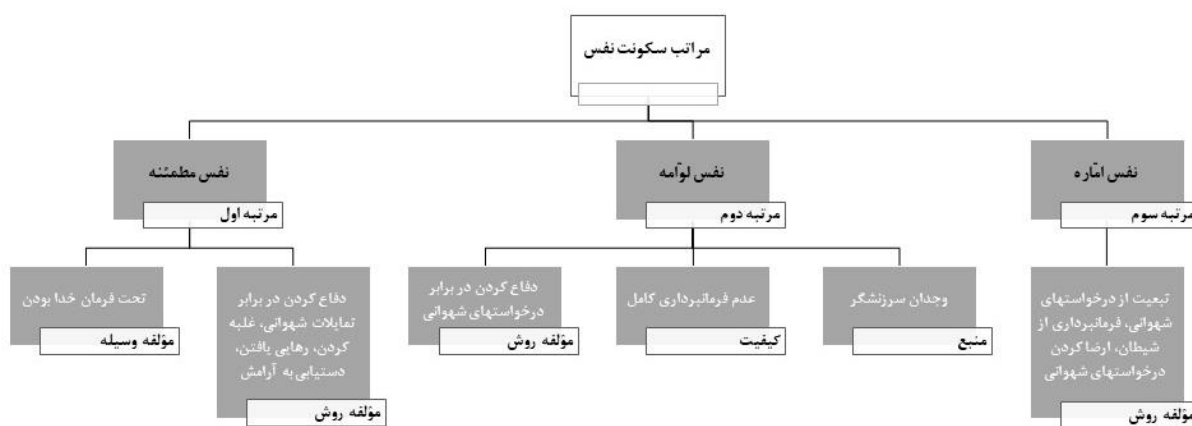
غزالی همچنین به تقسیم‌بندی نفس بر مبنای سه مقوله قرآنی می‌پردازد که بر سکونت دلالت دارد و می‌نویسد: "نفس یا ساکن است یا سکونت آن تمام نیست. در سکونت کامل طیب خاطر و نبود اضطراب از برآمدن شهوات است و اگر ساکن نگردد، به درجات (ناگزیر از جدال با شهوات و تسلیم شدن به شهوات) در عذاب است." وی در ادامه هر یک از نفوس مطمئنه، لواحه و اماره را به عنوان مراتبی از مراتب سکونت نفس انسان می‌خواند (دلخمش، ۱۳۸۹: ۲۸۲).

^۳ هر یک از کلید واژه‌های این بخش، در سطح مفهوم مورد بررسی واقع شده که در ضمیمه موجود است.

^۴ ایمان حاکی از اعتقاد قلبی و علم به اصول و اقرار آن به زبان و عمل به ارکان و اعضاست که به خدا، فرشتگان، کتب، رسولان و... تعلق می‌یابد (وحیدی مهرجردی، ۱۳۸۸: ۵۹).



شکل ۲-۴- مدل سکونت نفس از دیدگاه غزالی



شکل ۲-۵- نمودار مراتب سکونت نفس از دیدگاه غزالی

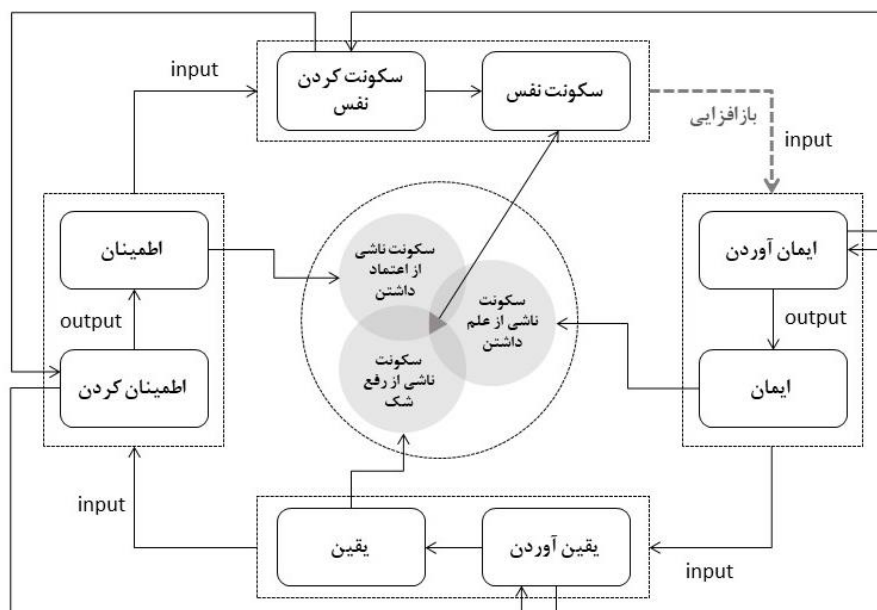
مرحوم علامه طباطبایی نیز یکی از بزرگترین نتایج ایمان دینی را سکونت نفس معرفی می کند و می نویسد آرامش روحی و معنوی مختص مومنان حقیقی و هدیه الهی است که خود به بازآفرینی ایمان می انجامد^۵ مجیدی بیدگلی، ۱۳۸۶: ۹۵). وی مقدمه این آرامش را التزام عملی نسبت به محتوای ایمان می شناسد. وی بر این باور است که اولاً سکینه و آرامش دل همواره از جانب خداوند نازل می شود؛ و ثانیاً فرودگاه سکینه و آرامش قلب مومنان است؛ و سوم، مومنان قبل از فرود آرامش، بهره ای از ایمان داشته اند؛ بنابراین سکینه از پیامدهای مراتب عالی ایمان است. از نگاه علامه ایمان گرایشی قلبی و برخاسته از طمأنینه و سکونت نفس است که این اطمینان، خود برخاسته از یقین است (مجیدی بیدگلی، ۱۳۸۶: ۹۶).

^۵ «خداوند کسی است که آرامش را در دل های مومنان نازل کرد تا بر ایمانشان بیفزایند.» آیه ۴ سوره فتح.

پر از فضا است! فضاهایی که وی "خود"ی را که با احساسی از کالبد و تن سمت و سو گرفته مفروض می‌دارد و از جهت‌مندی سخن می‌گوید. همچنین کوپر می‌نویسد: "خانه بازتابی است از اینکه انسان خود را چگونه می‌بیند" (کوپر، ۱۳۸۸: ۵۴).^۸

۲-۱-۲- مدل نظری سکونت نفس

با تکیه بر نظر علامه طباطبایی و روایات، سکونت کردن برای نفس از خرده‌کارکردها و یا پیش‌امعالمی به وجود می‌آید. آرامش به عنوان یک کیفیت برای نفس انسان، ذاتی آن است. پس انسان زمینه‌ای از سکونت را در خود دارد (آیه ۴، سورة فتح). لذا به همان میزان ایمان افزایش می‌یابد. سکونتی که پیامد ایمان است، سکونت‌یست که ناشی از علم و آگاهی به هر امری^۹ رخ می‌دهد. این نوع از سکونت تنها بخشی از سکونت نفس را در بر می‌گیرد. در این فرآیند یقین آوردن کارکردیست که بسته به میزان ایمان می‌تواند واقع شود. سکونتی که یقین با خود به ارمغان می‌آورد، سکونت‌یست ناشی از رفع شک. اطمینان کردن نیز بسته به یقین و غالباً بلافاصله پس از یقین رخ می‌دهد؛ که حاصلش طمأنینه و سکونتی است که از اعتماد داشتن به کسی (خدا) حاصل می‌شود.



شکل ۲-۸- مدل نظری فرآیند سکونت کردن نفس از نگاه علامه طباطبایی و روایات

۲-۲- فهم نقش قوه خیال

در این پژوهش نقش قوه خیال-موضوع پژوهش- اشاره به کارکرد اصلی قوه خیال دارد که چگونگی برقراری رابطه آن با سکونت نفس ساکنین مدّ نظر است. قوه خیال از آراء متفاوت دارای کارکردهای گوناگونیست که در بعضی از آنها اتفاق نظر و در برخی اختلاف نظر وجود دارد. نگارنده در این بخش پس از مرور این مفهوم با استناد به تعاریف ملاصدرا به تبیین نقش آن خواهد پرداخت.

^۸ در اندیشه غربی نیز از نفس با نام "خود" در محیط (مسکن یا خانه) به کرات سخن رفته است، که در ضمیمه قابل پیگیریست.

^۹ در این تحقیق طبق قرآن و اندیشه اسلامی مشخصاً «ایمان به خدا» مد نظر است.



شکل ۲-۹- سطوح مختلف نقش قوة خیال

۲-۱- بررسی نقش قوة خیال از نگاه اندیشمندان

ارسطو معتقد است خیال نمی تواند بدون احساس به وجود آید، یعنی فقط در موجودات حساس و نسبت به اشیائی که متعلق حس باشند، رخ می دهد و ضرورتاً هویتی مشابه با خود احساس دارد. دارنده تخیل به سبب آن، فاعل بسیاری از امور خواهد بود و از بسیاری چیزها منفعل می شود. تخیل امری مشابه احساس است جز اینکه احساس، همراه با ماده و تخیل، عاری از ماده است (مفتونی، ۱۳۸۸: ۳۳).

فارابی بر خلاف ارسطو چپستی تخیل را به منزله یک مسئله پیش روی خود قرار نمی دهد، به همین دلیل با تحلیل سایر مواضع فارابی می توان دیدگاه وی در چپستی خیال را استنباط کرد؛ وی تفکیکی میان قوة خیال و متخیله قائل نیست و از یک قوه نام می برد که فعالیت های هر دو را انجام می دهد، که آن را غالباً قوة متخیله و گاهی قوة خیالیه می نامد (مفتونی، ۱۳۸۸: ۳۳)؛ لذا وی تخیل کردن را به خیال نسبت می دهد. لازم به ذکر است وی اولین کسی بود که خیال را وارد فرآیند وحی کرد و از نقش آن در نبوت سخن راند (مفتونی، ۱۳۸۷: ۵).

ابن سینا همگام با فارابی، خیال را قوه ای جسمانی می داند؛ از نظر وی خیال قوه ای جسمانی است و مدرک صور جزئی که فعل خود را به کمک آلت جسمانی انجام می دهد (اکبریان، ۱۳۸۸: ۶). از دیدگاه وی قوة خیال هم قادر به انتزاع صورت ماده از ماده است و هم امری تازه که ابن سینا آن را استعداد و ابتکار می نامد و برخلاف فارابی که فرقی بین خیال و متخیله نمی نهد او بین آنها فرق نهاده و استعداد و ابتکار را ناشی از قوة متخیله دانسته و در این بابت به ذکر دو مسئله می پردازد. اول رویاها و دوم نبوت؛ یعنی این قوه قادر به احضار صوری است که از ملائکه سماوی و جواهر ملکی حاصل می شود (بلخاری قهی، ۱۳۹۰: ۲۹۷).

سهروردی خیال را مخزنی برای صور نمی داند (اکبریان، ۱۳۸۸: ۱۱). اما با استناد به عالم خیال به حل بسیاری از مسائل میان دین و فلسفه، مشاهده و برهان و نقل و عقل نائل می شود. وی علی رغم پیروی از شیخ الرئیس در جسمانیت خیال، صور خیالی را مجرد، باقی و موجود در عالم مثال اکبر یا خیال منفصل^{۱۰} می شمارد. سهروردی این

^{۱۰} متخیله قوه ایست که با آن از طریق واهمه تخیل، صورت می گیرد؛ چنانچه قوه عاقله از آن استفاده کند مفکره نامیده می شود (ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۲۰۴).

^{۱۱} ما با دو نوع عالم خیال مواجهیم، که اولی عالم خیال متصل و دومی عالم خیال منفصل است. در عالم خیال متصل، خیال، قائم به فاعل است یعنی وابسته به ذهن شخص است. خیال، داخل ذهن ماست و کاملاً شخصی و درونی است و دیگری نمی تواند آن را بداند. عالم خیال منفصل امری خلاف عرف است؛ یعنی هم خیالی است و هم جدا از وجود آدمی است. مکاشفات عرفا در عالم خیال منفصل شکل می گیرد. در عالمی که موجودات آن در عین اینکه ذهنی هستند، عینی هم هستند، یعنی خیالات عرفا آن ها را درست نکرده و ساخته و پرداخته اوهام آنها نیست، بلکه عالمی است کاملاً مستقل و حقیقی و قائم به ذات خویش (خوش نظر، ۱۳۸۷: ۶۳).

تئوری مشاییان را که ما بین قوه وهمیه (قوه حاکم بر ادراک معانی جزئی) و متخیله (قوه حاکم بر تفصیل و ترکیب) تقسیم قائل می‌شدند را رد می‌کند و قوه وهمیه و قوه خیال را نیز داخل در قوه متخیله می‌داند و هر سه را، سه کارکرد متفاوت یک قوه می‌داند، نه سه قوه: "پس حق این است که این سه امر [خیال، وهم، متخیله] یک چیز و یک قوت بود که به اعتبارات مختلف از آن به عبارت تعبیر می‌شود" (بلخاری قهی، ۱۳۹۰: ۳۰۶).

از نظر ابن عربی، قوه مصوره در انسان تحت حکم عقل و وهم است. عقل و وهم در آن قوه به آمریت تصرف می‌کند و ماده قوه مصوره از محسوسات است (محمودالغراب، ۱۳۹۵: ۷۲). حقیقت خیال آن است که چیزی را که ذاتاً متجسد نیست تجسد ببخشد (چیتیک، ۱۳۸۵: ۸۹). همچنین می‌گوید: کار خیال، ادراکی درونی است که طی آن، مفاهیم در قالب حسی به ادراکی در می‌آیند. از این رو ادراک خیالی می‌تواند شهودی باشد، هرچند نه با چشم مادی. سمعی باشد، ولی نه با گوش مادی، رؤیاها نیز نشان می‌دهند که همه انسانها دارای تجربه حسی غیرمادی هستند. خیال مربوط به عالم صغیر، در دومین معنا، کمابیش با یکی از قوای نفس منطبق است که در انگلیسی نیز به همین خیال خوانده می‌شود. و آن، قوه خاصی است از نفسی که بین امور روحانی و جسمانی، ارتباط برقرار می‌سازد. از یک سو، امور جسمانی را که محسوسی اند، «تجربید» کرده، در حافظه، ذخیره می‌سازد. از سوی دیگر، امور مجرد را که با قلب ادراک می‌شوند، تجسد می‌بخشد و به آن‌ها شکل و صورت عطا می‌کند (چیتیک، ۱۳۸۵: ۱۱۶).

از این میان صدرالمتألهین ضمن اینکه خیال و متخیله را دو قوه مجزا از هم می‌داند، می‌نویسد: «قوه خیال که بدان مصوره گویند عبارت از قوه‌ای است که بدان، صورت موجود در باطن حفظ می‌گردد (ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۲۰۱)». او در حالی که دلایل تمایز حس مشترک و قوه خیال را مطرح می‌کند، اشاره می‌کند که صور گاهی مشاهده شونده و گاهی تخیل شونده‌اند که حس مشترک آنها را مشاهده و خیال تخیلشان می‌کند (ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۲۰۲). وی بر خلاف فلاسفه پیشین، قوه خیال را قوه‌ای مجرد به مجرد مثالی و باقی به بقای نفس و به تعبیر دقیق‌تر، عامل بقای نفس پس از مفارقت از بدن می‌داند. از نظر او صوری را که نفس اختراع می‌نماید و از دعابات وهم و قوه خیال است، نمی‌توان در عالم مثال مطلق دانست (اکبریان، ۱۳۸۸: ۳).

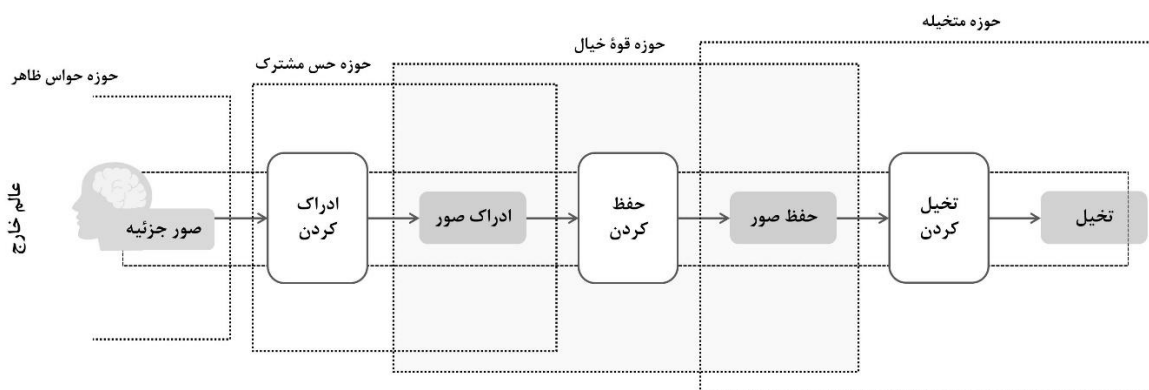
جدول ۲-۱- کارکردهای قوه خیال از نگاه هر یک از اندیشمندان

کارکردهای قوه خیال	اندیشمندان
احساس کردن (عاری از ماده)	ارسطو
تخیل کردن	فارابی
حفظ کردن، انتزاع کردن، استعداد و ابتکار کردن، احضار کردن	ابن سینا
حفظ کردن، تخیل کردن، وهم کردن	سهروردی
تجسد بخشیدن، ادراک درونی کردن، تجرید کردن	ابن عربی
حفظ کردن، تخیل کردن	صدرالمتألهین

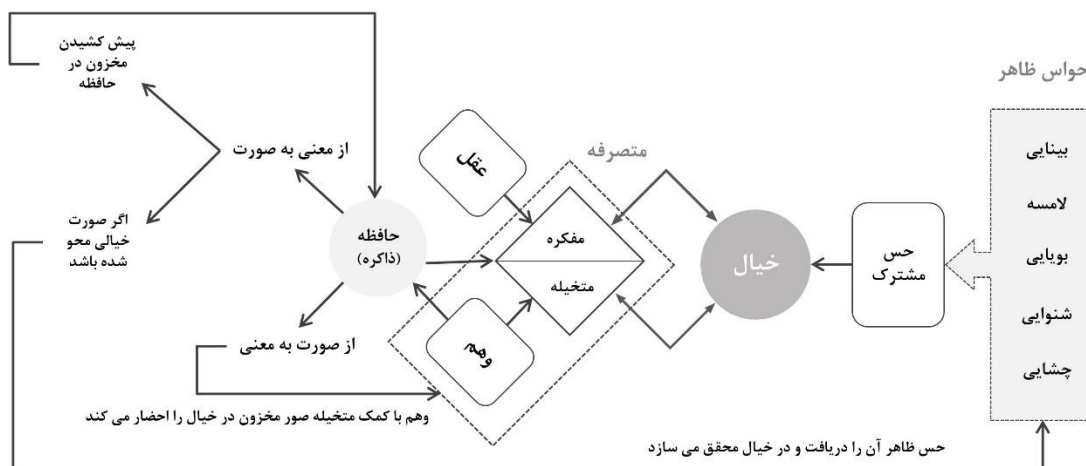
۲-۲-۲- مدل نظری نقش قوه خیال

با توجه به تعاریف ارائه شده از اندیشمندان، علی‌رغم وجود اتفاق نظر در کارکرد "حفظ کردن" قوه خیال، تفاوت‌هایی در آنها مشهود است. این قوه به لحاظ ساختاری، یکی از قوای مدرکه می‌باشد، لذا ادراک کردن (پیروانی، ۱۳۸۱: ۸۸) کارکردیست که به آن نسبت داده می‌شود. ابن‌سینا انتزاع کردن را از قدرت‌های دیگر این قوه می‌داند و

شیخ اشراق که قوای خیال، وهم و متخیله را یک قوه می داند، تخیل و وهم کردن را به آن نسبت می دهد. ابن عربی که کل عالم را برابر با خیال می داند، تجسد بخشیدن را از کارکردهای این قوه می شمارد و همچنین می نویسد: «کار خیال، ادراکی درونی است که طی آن، مفاهیم در قالب حس به ادراکی در می آیند (چیتیک، ۱۳۸۵: ۱۱۳)». ملاصدرا نیز حفظ کردن و تخیل کردن را از کارکردهای قوه خیال می داند. پس خیال محصول خیال کردن کارکرد قوه خیال است. با استناد به نظر ملاصدرا به عنوان نظریه مبنا، زمانی که وی از مشاهده کردن در حس مشترک- به عنوان کارکرد آن- سخن می گوید تخیل کردن را کارکرد قوه خیال می خواند؛ و هر زمان از حس مشترک به عنوان قوه قبول سخن می راند، حفظ کردن را به خیال نسبت می دهد. لذا می توان گفت خرده کارکردهای خیال کردن، ادراک کردن، حفظ کردن و تخیل کردن است. تا ادراکی صورت نگیرد حفظ کردن واقع نمی شود و اگر حفظ نگردد تخیلی نخواهد بود. با توجه به آنچه گفته شد، نگارنده مدل زیر را پیشنهاد می دهد:



شکل ۲-۱۰- فرآیند نقش قوه خیال از دیدگاه ملاصدرا

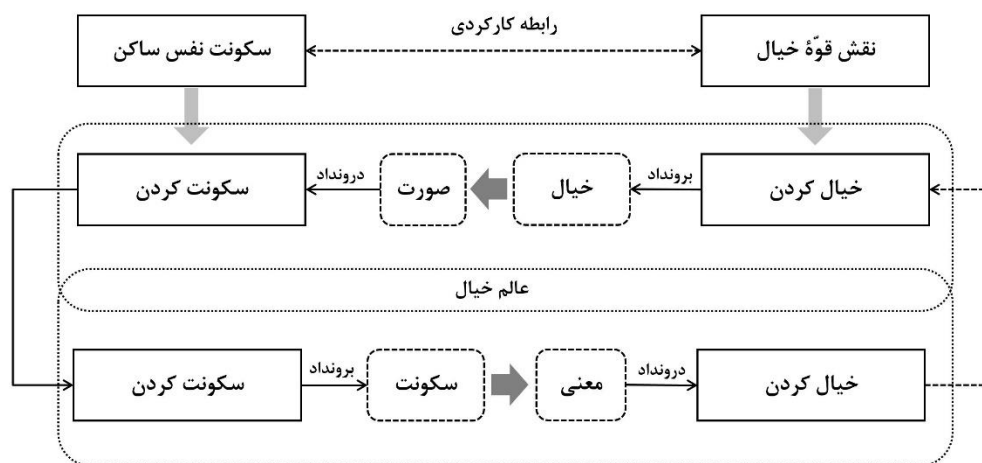


شکل ۲-۱۱- مدل نظری فرآیند کارکرد قوای باطنی نفس از دیدگاه ملاصدرا

۲-۳- ارائه مدل عنوان پژوهش: تبیین نقش قوه خیال در سکونت نفس ساکن

فراسن می نویسد: تبیین مساوی با یک گزاره یا استدلال یا فهرستی از گزاره ها نیست؛ بلکه یک پاسخ است. و سلی سمون می گوید تبیین های علمی عبارت است از نشان دادن این که چگونه رویدادها و نظم های آماری در شبکه علّی عالم جای می گیرند (صادقی علی آبادی، ۱۳۸۴: ۲۶). پیش از اینها نیز همیل ملاحظه کرد که تبیین های علمی اغلب

پاسخ به سؤالاتی هستند که به اصطلاح خود او «چراهای طالب تبیین» اند؛ با این حساب عرضه تبیین علمی یعنی دادن پاسخ درخور به چراهای طالب تبیین که با مشخص کردن ویژگی های اصلی می توان به ماهیت تبیین علمی پی برد (اکاشا، ۱۳۸۷: ۶۰). با توجه به ویژگیهای ماهیت چرایی به دنبال چگونگی ها هستیم، و برقراری رابطه بین دو چیز به عنوان پدیده منظور می شود یعنی اینکه چگونه الف با ب رابطه برقرار می کند. که برای رسیدن به آن ناگزیر از احراز رابطه های موجود و داده های موجود در روابط هستیم. بدین منظور این تحقیق در عنوان پژوهش به دنبال چگونگی برقراری رابطه بین نقش قوه خیال و سکونت نفس ساکن است. نگارنده با برگزینی نظر ملاصدرا در مورد کارکرد غالب قوه خیال و احراز روابط، مدل نظری زیر را پیشنهاد می کند:



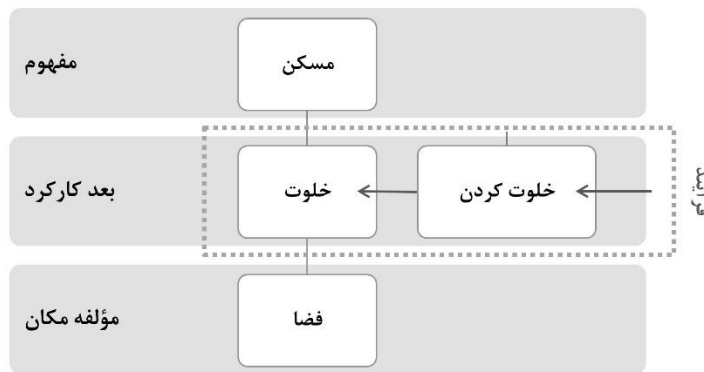
شکل ۲-۱۲- مدل عام تبیین کردن نقش قوه خیال در سکونت نفس ساکن

۲-۴- فهم فضای خلوت مسکن

از فضای خلوت می توان تعابیر مختلفی بیان کرد. خلوت پیش از آنکه در قالب فضا و معماری به آن پرداخته شود، یک رفتار و یک نیاز است (لنگ، ۱۳۹۱: ۱۶۵). این مفهوم غالباً در علوم رفتاری و علوم عرفانی مورد بررسی قرار می گیرد. آنچه که به عنوان فضای خلوت مشخصاً در علوم عرفان مورد بحث قرار می گیرد فضایی است که صرفاً جهت خلوت کردن به معنای سنتی آن - یعنی عزلت^{۱۲} کردن - است. اما در حوزه معماری مسکن مفهوم خانه، خلوت کردن به عنوان یک کارکرد مورد بحث واقع می شود که از خرده کارکردهای سکونت کردن است. لذا مسکن شهری به عنوان مفهوم، خلوت به عنوان برونداد کارکرد خلوت کردن و فضا به عنوان مؤلفه مکان بعد کارکرد مد نظر است. لازم به ذکر است در این بخش نظریه آلتمن از خلوت مبنای کار قرار خواهد گرفت.

روی در دیوار کن تنها نشین
وز وجود خویش هم خلوت گزین
(مثنوی معنوی)

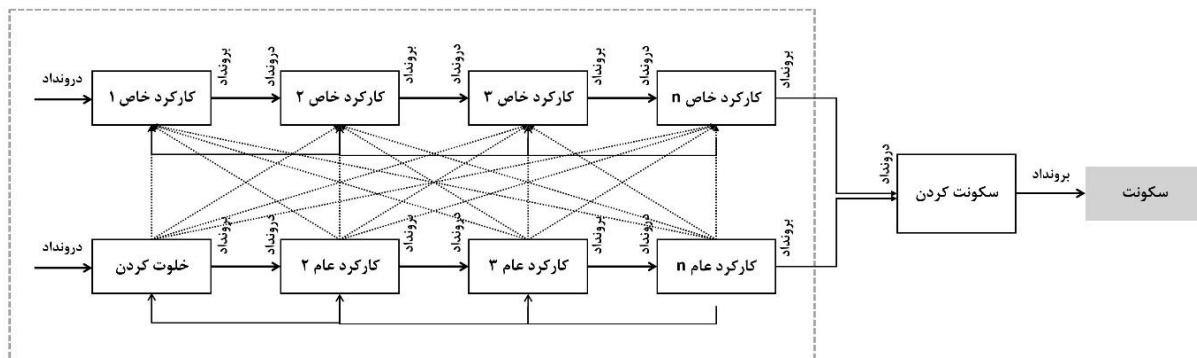
^{۱۲} به معنی عزلت: قطع کردن رابطه خود با دیگران (آلتمن، ۱۳۸۲: ۱۴).



شکل ۲-۱۳- مراتب فضای خلوت

۲-۴-۱- چپستی فضای خلوت مسکن و ابزار آن

هر کارکرد دارای خرده کارکردهاییست که تا هریک از آنها محقق نشوند، کارکرد مذکور رخ نخواهد داد. خلوت کردن یکی از خرده کارکردهای سکونت کردن است، لذا برای تحقق سکونت، خلوت کردن ضرورت دارد. اگر کارکردی است فضایی نیز باید باشد. اما چرا در مسکن فضایی با نام فضای خلوت مانند فضای نشیمن یا خواب وجود ندارد؟ فقدان فضایی با نام خلوت به این معنی نیست که نمی‌تواند موجود باشد، اما تفاوت کارکرد خلوت کردن و کارکردهایی مانند خوردن، خوابیدن که برای هریک فضایی با این نام وجود دارد، در «نوع» است. کارکردهایی وجود دارند که از همبستگی آنها طی فرآیندی یک کارکرد رخ می‌دهد؛ این کارکردها "خاص" هستند. کارکردهای دیگری وجود دارند که هم‌ارز با این کارکردها هستند که مختص یک کارکرد نمی‌شوند. این کارکردها "عام" هستند بدین معنی که در همه کارکردها مطرحند؛ خلوت کردن از این نوع است. یعنی در فضای خواب، سرویس بهداشتی، حیاط، حمام و هرفضای دیگری این کارکرد وجود دارد (شکل ۲-۱۴).



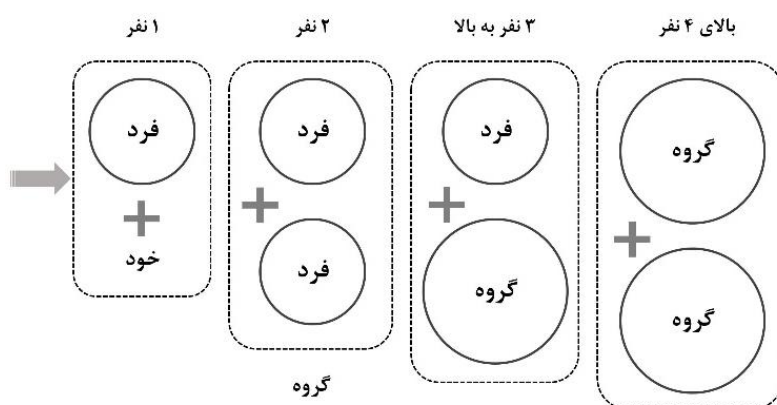
شکل ۲-۱۴- فهم جایگاه خرده کارکرد خلوت کردن در مسکن

در فضا، خلوت کردن نیز طی فرآیندی رخ می‌دهد. منظور از فضای خلوت، فضا و محیطی است که در آن مکانیزم خلوت جویی رخ می‌دهد و لذا فضای خلوت می‌تواند مجموعه‌ای باشد از فضاهای عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی که فرد این امکان را می‌یابد تا -با توجه به خلوت مطلوبش- به کمک هر یک از آنها تعاملات خود را کنترل کند؛ میدان وقوع کارکرد در خانه عرصه‌ها را شکل می‌دهد. پس خانه طیفی از فضاهای خصوصی-عمومی را با توجه به کارکردها به ما ارزانی می‌دارد. چنانچه در خانه‌های قدیم شهر یزد نیز دو بخش اندرونی و بیرونی خلوت خانه را مهیا می‌ساختند؛ اهل خانه در بخش اندرونی، و مهمان‌ها به ویژه جنسیت مذکر (جهت حفظ حریم در تفکر اسلامی) در بخش بیرونی وارد می‌شوند (نورمحمدزاد، صالحی و حجازی، ۱۳۹۷: ۵). پس عرصه‌بندی خصوصی-عمومی خانه در مراتب مختلف

می‌تواند خلوت مورد نیاز ساکنین را تأمین کند (شکل ۲-۱۵). عرصه‌بندی محیط‌های مسکونی نیازمند سلسله‌مراتب فضایی، عملکردی و ... است (عینی‌فر و آقا لطیفی، ۱۳۹۰: ۱۸). الکساندر و چرمایف در یک تقسیم‌بندی، سلسله‌مراتب فضاهای عمومی شهری، فضاهای نیمه عمومی شهری، فضاهای عمومی یک گروه، فضاهای خصوصی یک خانواده و فضاهای خصوصی افراد را معرفی کرده‌اند. چنین تقسیم‌بندی را می‌توان به صورتی کلی‌تر، یعنی فضاهای عمومی، نیمه عمومی، خصوصی و نیمه خصوصی (بحرینی، ۱۳۸۷: ۲۱) معرفی نمود. این نکته را نباید از یاد برد که خلوت هر فرد به دو دسته فردی و گروهی تقسیم می‌شود. هر فرد با خودش، با دیگری یا دیگران. گاه نیز دو گروه برای تعامل با هم به فضای خلوت احتیاج دارند. که در قالب فضاهایی مانند پذیرایی می‌تواند واقع شود (شکل ۲-۱۶).

مرتبه ۱	عمومی			نیمه عمومی			نیمه خصوصی			خصوصی		
مرتبه ۲	عمومی			نیمه عمومی			نیمه خصوصی			خصوصی		
مرتبه ۳	عمومی			نیمه عمومی			نیمه خصوصی			خصوصی		
مرتبه ۴	عمومی			نیمه عمومی			نیمه خصوصی			خصوصی		
⋮												

شکل ۲-۱۵- عرصه بندی فضا در مراتب مختلف



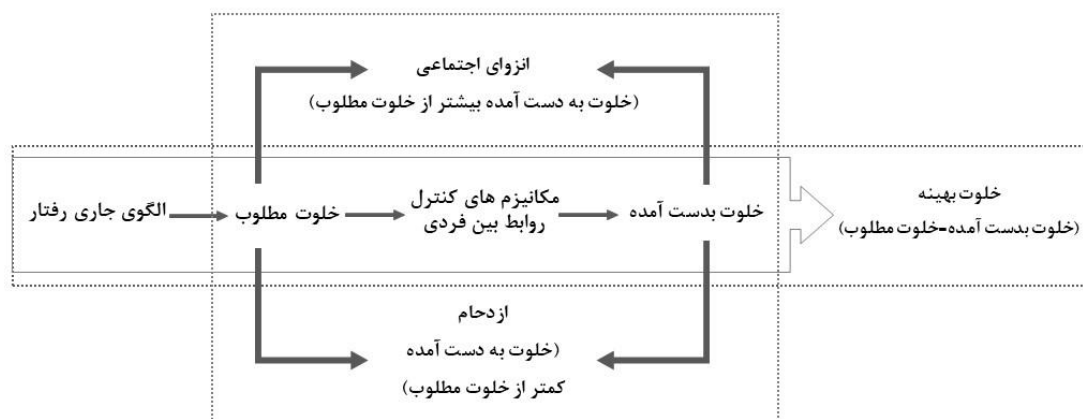
شکل ۲-۱۶- درجات خلوت فرد و گروه از نگاه آلتمن

در این نمودار-با توجه به اینکه دو نفر به بالا گروه محسوب می‌شود- دو گروه خلوت کننده وجود دارد، فرد و گروه. برای شناخت تنوع فضای خلوت مسکن می‌توان این دو گروه را در عرصه‌ها قرار داد. هر فرد در طیف خصوصی-عمومی احتیاج به فضای خلوت دارد، هر گروه نیز به همین ترتیب. لذا می‌توان دسته‌بندی زیر را برای طراحی در نظر گرفت:

- (۱) خلوت فردی- خصوصی
- (۲) خلوت فردی- عمومی
- (۳) خلوت گروهی- خصوصی
- (۴) خلوت گروهی- عمومی

البته باید توان یک فضا را نسبت به تشکیل گروه‌های مختلف سنجید. برای مثال یک اتاق خواب ظرفیت دو گروه ۵ نفره را ندارد. در این دسته‌بندی درجه خلوت با توجه به هر مرتبه متفاوت است. برای مثال خلوت فردی-عمومی در مرتبه اول دارای ازدحام بیشتری نسبت به همان دسته در مرتبه دوم است. همچنین خلوت گروهی-خصوصی، در مرتبه سوم به شرط گنجایش فضا_ درجه خلوت بیشتری نسبت به مرتبه اول دارد.

آلتمن در حوزه علوم رفتاری برای رفتار خلوت‌جویی هر فرد، خلوت را به دو "خلوت مطلوب" و "خلوت کسب شده" در نظر گرفته و با توجه به آن مدلی را پیشنهاد می‌دهد. در این مدل هر فرد در پی خلوت مورد نظر خود مکانیزم‌های مختلف را به کار می‌بندد تا به خلوت بهینه برسد.



شکل ۲-۱۷- مدل فرآیند خلوت کردن (مأخذ: آلتمن، ۱۹۷۵)

آنچه که تا به اینجا سخن رفت در حوزه عینیت بود. در علوم رفتاری، خلوت با توجه به تعامل و تماس با محیط تعریف می‌شود. اما خلوت کردن تنها در کنترل تعاملات بیرونی نیست، خلوت می‌تواند امری ذهنی باشد؛ پس کارکردی که پیشتر نیز به آن پرداختیم در خلوت مجدداً مطرح می‌شود: خیال کردن. این کارکرد نیز مانند خلوت کردن کارکردی عام است و در خود خلوت نیز مطرح است. بدین معنی که در حوزه ذهن خلوت در خیال آدمی رخ می‌دهد. پس می‌توان خیال را در مرتبه‌ای جداگانه (در شکل ۲-۱۵) در نظر گرفت. خیال در این سطح (محسوسات) نه تنها یک مرتبه جداگانه برای خلوت است بلکه در همه مراتب مطرح می‌گردد. در سطحی بالاتر انسان به عالم خیال و در سطح بعد از آن به عالم عقل می‌رسد. نگارنده علاقه‌مند است به این نکته اشاره کند که "لا تراحم فی المجردات!" بدین معنی که انسان پس از ورود به عالم خیال و بالاتر از آن که باز هم از طریق خیال ممکن می‌شود، دیگر مزاحمتی از نیروهای خارجی از طریق حواس نخواهد داشت، لذا به قول مولانا:

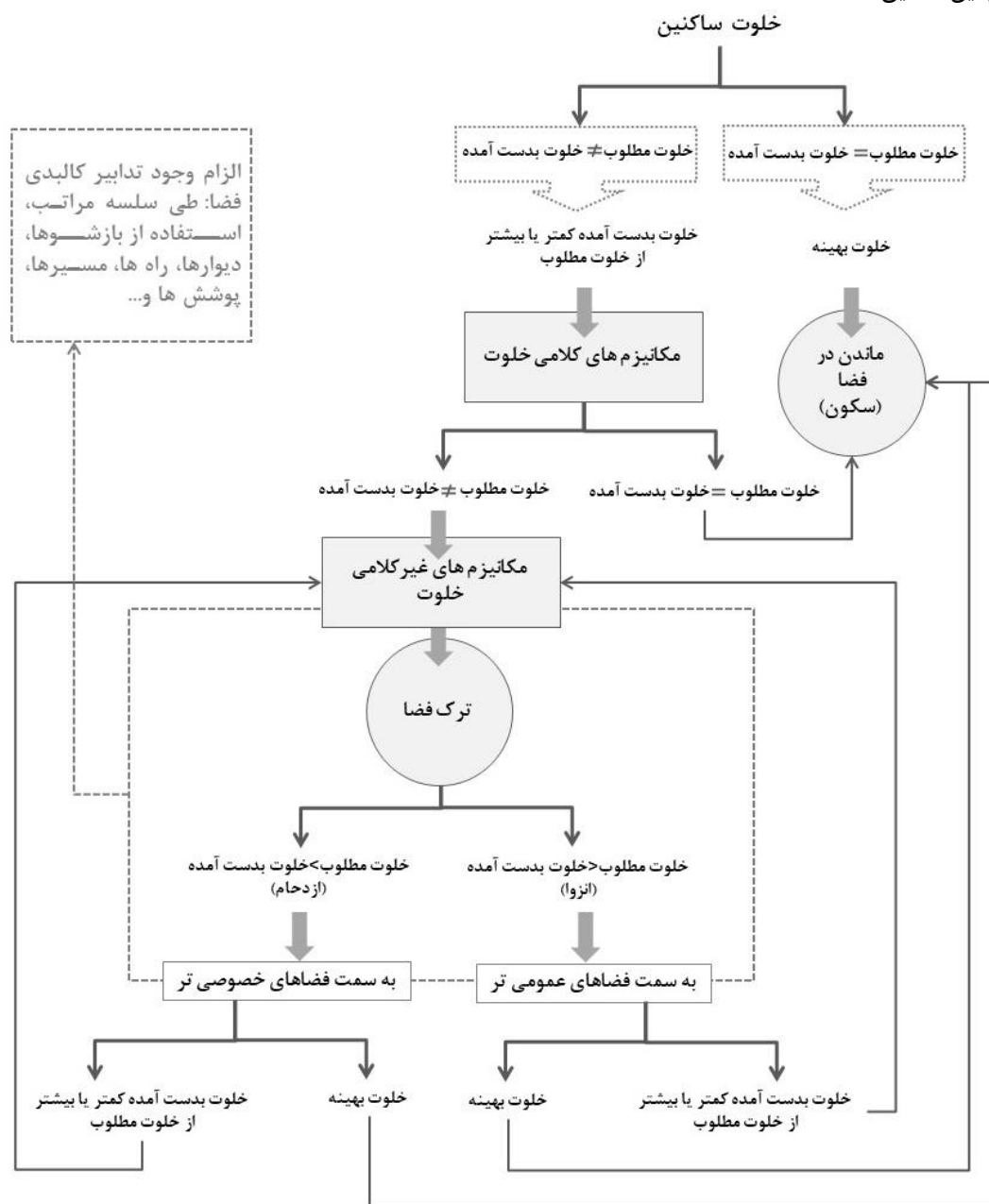
تو مکانی اصل تو در لامکان این دکان بر بند و بگشا آن دکان

۲-۴-۲- مدل فضای خلوت مسکن

با توجه به مدل ارائه شده آلتمن (شکل ۲-۱۷)، دو خلوت تحت عنوان خلوت مطلوب (خلوت مورد نظر ساکنین) و خلوت بدست آمده (خلوت حاصل شده پس از گذر از مکانیزم خلوت‌جویی) وجود دارد. هر فرد در محیط تحت تأثیر دو حالت قرار می‌گیرد:

- حالت اول: خلوت بدست آمده برابر با خلوت مطلوب است. این خلوت بهینه است به این معنی که فرد به مطلوب خود رسیده و چنانچه در فضایی (از فضاهای خانه) باشد ضرورتی بر ترک فضا ندارد.

- حالت دوم: خلوت بدست آمده کمتر یا بیشتر از خلوت مطلوب است. در این حالت برای فرد ضرورت ترک فضا وجود دارد که با توجه به نزدیکی به انزوا یا ازدحام، به سمت فضاهای خصوصی تر یا عمومی تر حرکت می‌کند. بدیهیست این امکان زمانی وجود دارد که فضاهایی با خلوت کمتر یا بیشتر در خانه موجود باشد و عدم وجود آن، یکی از مسائل اصلی این تحقیق است!



شکل ۲-۱۶- مدل پویای فضای خلوت مسکن

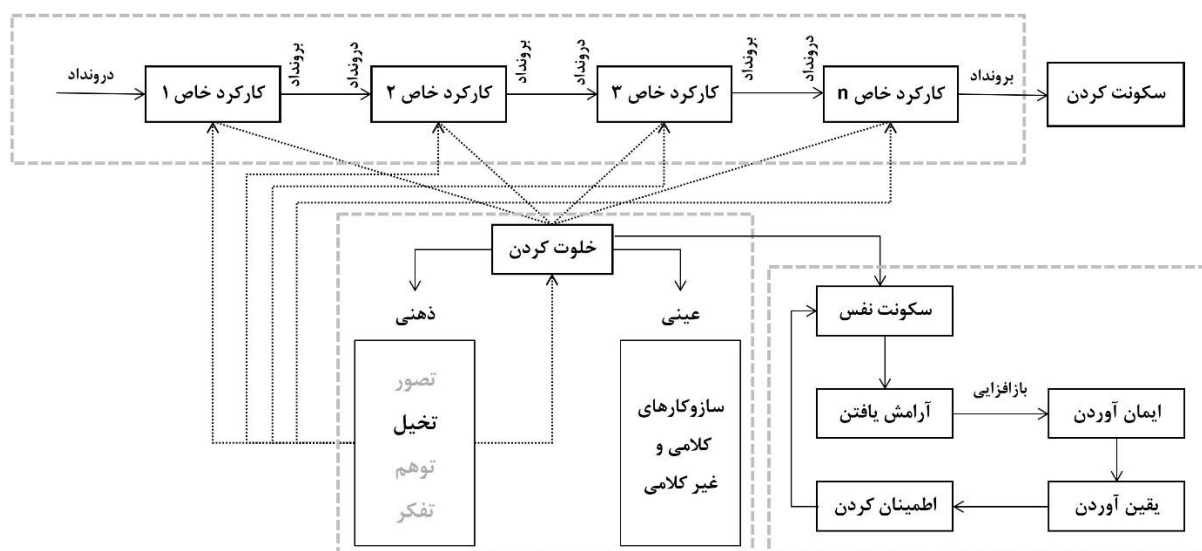
۲-۵- مدل نظری فضای خلوت مسکن با تبیین نقش قوه خیال در سکونت نفس ساکن

انسان همواره با حرکت کردن در فضاهای مسکن در معرض دریافت‌های گوناگون و مخا‌بره به قوه خیال وی می‌باشد. به گفته هال انسان به این دریافت‌ها وابسته است و بدون چنین پس خوردن بدنی بسیاری از افراد تماس خود را با واقعیت از دست داده و دچار توهم می‌شوند (هال، ۱۳۸۷: ۸۶). احساس بشر از فضا ارتباط نزدیکی با دریافت و ادراک او از خویش دارد، که آن هم در عکس‌العمل بسیار نزدیک با محیط اطراف او می‌باشد. بشر می‌تواند به عنوان

موجودی در نظر گرفته شود که دارای جنبه‌های بصری، حرکتی، دمایی و ملموسی از نفس خویش باشد که ممکن است توسط محیط اطرافش مهار شده و یا تقویت گردد (هال، ۱۳۸۷: ۸۴). بشر عملاً هر چه هست و هرکاری انجام می‌دهد با درک او از فضا همبستگی دارد. درک بشر از فضا حاصل ترکیبی از چندین داده حسی است، مانند: بینایی، شنوایی، حرکتی، بویایی و حرارتی (هال، ۱۳۸۷: ۲۱۵). فرق نمی‌کند انسان چقدر درگیر تلاش‌های روزانه باشد در هر حالت برای او غیر ممکن است که از فرهنگ خودش محروم گردد. زیرا فرهنگ در اعماق سیستم عصبی او نفوذ کرده و تعیین‌کننده نحوه ادراک او از جهان است (هال، ۱۳۸۷: ۲۲۲).

بو نسبت به بینایی و صدا محفوظات عمیق‌تری را انتقال می‌دهد (هال، ۱۳۸۷: ۵۴) و یکی از ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین روش‌های ارتباطی است. هنگامی که محیط ارتباط رقیق باشد مانند آسمان، بویایی جای خود را به بینایی می‌دهد (هال، ۱۳۸۷: ۵۶). دریافت‌های فضایی مربوط به حواس بینایی و لامسه چنان با هم گره خورده‌اند که نمی‌توان آن دو را از هم سوا کرد (هال، ۱۳۸۷: ۸۱). از آنجا که عصب بینایی در حدود هجده برابر نرون بیشتری نسبت به عصب کوئکلر (شنوایی) دارد؛ می‌توانیم تصور کنیم که حداقل، قدرت انتقال اطلاعات خیلی بیشتری را نیز دارد. ملاصدرا نیز در این باره می‌نویسد: "اگرچه چشم ادراکش به واسطه یاری کردن عقل می‌باشد اما از هر قوای دیگر قوی‌تر است (ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۱۹۱ ج ۱). در واقع، در حالت هوشیاری و عادی، احتمال می‌رود که چشم‌ها در جمع‌آوری اطلاعات تقریباً صد برابر کارایی بیشتری نسبت به گوش‌ها داشته باشند (هال، ۱۳۸۷: ۵۰). فضای بصری ویژگی کاملاً متفاوتی نسبت به فضای شنیداری دارد. اطلاعات تصویری نسبت به اطلاعات شنیداری ابهام کمتری ایجاد کرده و وضوح بیشتری دارند (هال، ۱۳۸۷: ۵۲). فضای حرکتی نیز عامل مهمی در زندگی روزمره در ساختمان‌هایی است که معماران و طراحان خلق می‌کنند (هال، ۱۳۸۷: ۵۰). آثار منفی روانی روی افراد، نتیجه کمبود تماس غیراجباری بین آنان و یا به عکس زیاد بودن تماس‌های ناخواسته ولی گریزناپذیراند. این نقصی است که بیشتر نتیجه مستقیم اشتباهات طراحان ساختمانها است (گروتز، ۱۳۹۰: ۱۳۲)، پس باید به آنها توجه کرد.

مکن از خواب بیدارم خدا را که دارم خلوتی خوش با خیالش...



شکل ۱۸-۲- مدل نظری فضای خلوت مسکن با تأکید بر تبیین نقش قوه خیال در سکونت نفس ساکن



فصل سوم: نمونه‌های موردی

خانه‌باغ به عنوان یکی از انواع مسکن است که در شهر یزد قدمتی دیرینه دارد. در این فصل با توجه به مدل تبیین نقش قوه خیال در سکونت نفس ساکن ۱۸ خانه باغ مورد پژوهش قرار گرفته‌اند که با فنون مطالعه، استناد، مشاهده، پرسش و مصاحبه انجام گرفته است.

ناید به هیچ معنی، زین خوبتر مثالی...

از عوامل موثر بر وجود فضای خلوت در فضای خانه متراژ زمین و بعد خانوار است. هرنوع مسکن با توجه به این دو عامل می‌تواند شکل متفاوتی به خود گیرد. اما خانه‌باغ به عنوان نوعی از مسکن شهری در یزد باید بیش از ۵۰۰ متر مربع باشد (طرح تفصیلی شهر یزد). مدارکی که از خانه‌باغ‌های شهر یزد به جا مانده (طبق آمار میراث فرهنگی) به قدمت دوره قاجار است. باغ‌های ماقبل دوره صفوی در طول سالهای پرماجرا از بین رفته اند (متدین، ۱۳۸۹: ۵۲).

طبق آخرین گزارشات مربوط به خانه‌باغ‌ها در شهرداری شهر یزد در سال ۸۶ در حال حاضر حدود ۳۲۰ سند خانه باغ موجود است که حدود ۸۲ عدد از این اسناد بالای ۲۰۰۰ متر می‌باشند (مرکز GRS شهرداری یزد). تعدادی از این خانه‌باغ‌ها مربوط به طرح تفصیلی شهر یزد و لذا وجود خارجی ندارند. نگارنده پس از تحقیقات میدانی درمی‌یابد اسنادی که با نام خانه‌باغ تا سال مذکور به ثبت رسیده‌اند نیز قابل استناد نیستند. تعداد کثیری از آنها هنوز ساخته نشده و به شکل زمین بایر در گوشه از شهر در انتظار ساخت نشسته‌اند. تعدادی از آنها که معمولاً بالای ۲۰۰۰ متر بوده‌اند سکونتی در آنها وجود ندارد و تنها به باغ رسیدگی و از محصولاتش برداشت می‌شود. در این میان موارد دیگری از جمله دیوارکشی بین باغ و خانه به دلایل مختلف از جمله امنیت و وراثت وجود دارد. به هرحال این نوع از مسکن در یزد محتاج بررسی دقیق می‌باشد.

۳-۱- پژوهش در نمونه‌ها

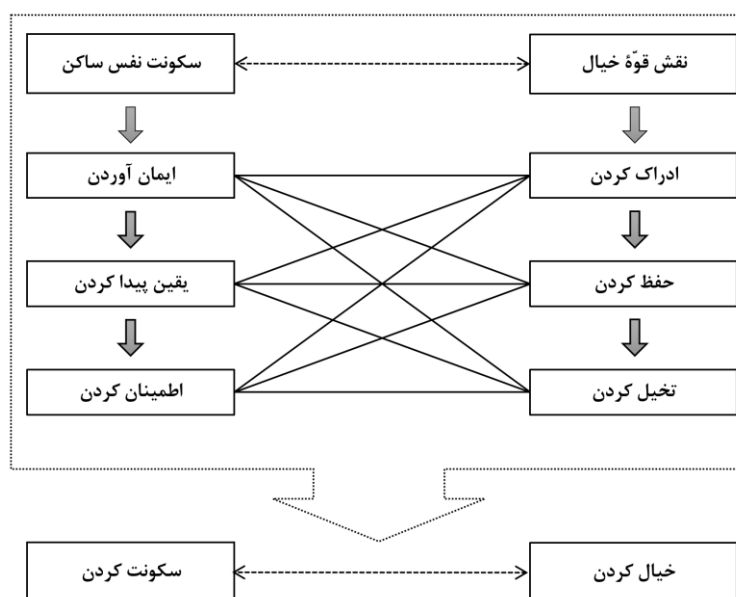
چنانچه در ابتدا به آن اشاره شد این پژوهش از طریق پرسش و توزیع پرسشنامه در خانه‌باغ‌های مسکن که دارای سکونتند. توزیع پرسشنامه به همراه توضیحات لازم، و جلب اعتماد ساکنین از مصائب این پژوهش بود! ساکنین تعداد زیادی از خانه‌ها مسن بودند و پاسخ به سوالات برایشان دشوار؛ تعداد دیگری نیز وجود داشتند که به دلیل ترس از به خطر افتادن امنیت باغ قبول زحمت نمی‌کردند؛ در نهایت پژوهشگر موفق به توزیع پرسشنامه به افراد ساکن در ۱۸ خانه‌باغ (معادل ۳۲ پرسشنامه) در نقاط مختلف شهر از جمله خیابان کاشانی، خیابان جمهوری، محله نعیم‌آباد و مهدی‌آباد می‌شود.

۳-۱-۱- تبیین نقش قوه خیال در سکونت نفس ساکن در نمونه‌ها

با توجه به عمل تبیین کردن، ابتدا باید احراز شود چه روابطی بین موضوع و زمینه برقرار است. بدین منظور با توجه به خرده کارکردهای نقش قوه خیال و سکونت نفس ساکنین، و روابط دو به دوی آنها ۹ رابطه وجود دارد که با توجه به ماهیت پژوهش (چرایی) اشاره به روابط علت و معلولی دارد (شکل ۳-۱). پس در این پرسشنامه‌ها ۹ سوال کلیدی حاصل از ۶ خرده کارکرد با فرض رابطه علی وجود دارد.^{۱۳} لازم به ذکر است این پرسشنامه در ابتدا استفاده کنندگان از فضا را به دو دسته دارای فضای خلوت و فاقد فضای خلوت تقسیم می‌کند. لذا پژوهش نهایتاً متوجه دسته‌ایست که درکی از فضای خلوت خود در خانه‌باغ دارند.

^{۱۳} نقشه شهر با مکان‌یابی خانه‌باغ‌ها در ضمیمه موجود است.

^{۱۴} نمونه پرسشنامه در ضمیمه این فصل وجود دارد.



شکل ۳-۱- مدل نظری تبیین روابط کارکردی موجود در پژوهش

در هر رابطه جریانی از اطلاعات در حال حرکت است. قوه خیال توان دریافت «صورت» اشکال را در محسوسات دارد؛ اما سکونت کردن شکل ندارد، لذا صورت نیز ندارد و در حوزه معقولات یعنی «معانی» است.



شکل ۳-۲- مدل جریان رابطه خرده کارکردهای سکونت و خیال

۳-۱-۲- محاسبات و نتایج پژوهش:

فرض پژوهش بر این است که نقش قوه خیال با سکونت نفس ساکن در فضای خلوت خانه‌باغ رابطه دارد. لذا برای هر رابطه می‌توان یک فرض اتخاذ کرد؛ پس ۹ فرض مبنی بر رابطه خرده کارکردها موجود است:

- (۱) در فضای خلوت ایمان آوردن موجب ادراک ساکنین می‌شود.
- (۲) در فضای خلوت کارکرد ایمان آوردن موجب حفظ محسوسات در ساکنین می‌شود.
- (۳) ایمان آوردن موجب تخیل کردن در فضای خلوت ساکنین می‌شود.
- (۴) در فضای خلوت کارکرد یقین پیدا کردن موجب ادراک ساکنین می‌شود.
- (۵) در فضای خلوت یقین پیدا کردن موجب حفظ صورتهای محسوس می‌شود.
- (۶) در فضای خلوت کارکرد یقین پیدا کردن موجب تخیل ساکنین می‌شود.
- (۷) کارکرد اطمینان کردن موجب ادراک ساکنین در فضای خلوت می‌شود.
- (۸) کارکرد اطمینان کردن موجب حفظ کردن صورت محسوسات ساکنین در فضای خلوت می‌شود.
- (۹) در فضای خلوت کارکرد اطمینان کردن موجب تخیل ساکنین می‌شود.

جدول ۳-۱- نتایج آزمون فرض آماری^{۱۵}

سوالات	نتایج پژوهش	Mean(5)
Q2	میزان آرامش ساکنین در خانه‌های مورد پژوهش زیاد است.	3.0435
Q3	به نظر ساکنین میزان تاثیر فضای باغ روی آرامش ایشان زیاد است.	2.7083
Q7	میزان جریان اطلاعات از ایمان آوردن به درک کردن در فضای خلوت زیاد است لذا رابطه بین این دو کارکرد قوی است.	2.5417
Q8	میزان جریان داده‌ها از یقین آوردن به درک کردن در فضای خلوت زیاد است، لذا رابطه قوی است.	2.5833
Q9	میزان جریان داده‌ها از اطمینان داشتن به درک کردن در فضای خلوت زیاد است، لذا رابطه قوی است.	2.2727
Q10	میزان جریان داده‌ها از ایمان آوردن به حفظ کردن در فضای خلوت متوسط است، لذا میزان رابطه متوسط است.	2.1364
Q11	میزان جریان داده‌ها از یقین داشتن به حفظ کردن در فضای خلوت متوسط است، لذا میزان رابطه متوسط است.	2.4091
Q12	میزان جریان داده‌ها از اطمینان داشتن به حفظ کردن در فضای خلوت متوسط است، لذا میزان رابطه متوسط است.	2.4545
Q13	میزان جریان اطلاعات از ایمان آوردن به تخلیل کردن در فضای خلوت متوسط است، لذا میزان رابطه متوسط است.	2.4545
Q14	میزان جریان داده‌ها از یقین داشتن به تخلیل کردن در فضای خلوت متوسط است، لذا میزان رابطه متوسط است.	2.4091
Q15	میزان جریان داده‌ها از اطمینان داشتن به تخلیل کردن در فضای خلوت متوسط است، لذا میزان رابطه متوسط است.	2.2609
Q17	ساکنان به میزان متوسط از فضای خلوت خود راضی هستند.	2.5217

۳-۱-۳- جمع بندی

این پژوهش نشان می‌دهد که کارکردهای نقش قوه خیال در سکونت نفس با هم رابطه داشته و در فضای خلوت ساکنین فهم شده‌اند. این کارکردها به میزان متوسط تا قوی با هم رابطه دارند و ایمان آوردن و ادراک کردن بیشترین میزان تبادل اطلاعات و لذا قوی‌ترین رابطه را دارند. میزان رضایت افراد از فضای خلوت خود در خانه‌های متوسط، یعنی کمتر از حد مطلوب است. آرامش ساکنین در فضای خلوتشان در خانه باغ زیاد است و تاثیر فضای باغ در خلوت ساکنین قابل ملاحظه. در حالی که طبق محاسبات تحلیل عاملی میزان آرامش ساکنین در فضای خلوتشان با رضایت ایشان تناظر دارد، اما نتایج پژوهش نشان می‌دهد، رضایت ساکنین، تنها تحت تاثیر آرامش آنان نیست. لذا مولفه‌های دیگری نیز موجودند که باید فهم و احراز شوند.

^{۱۵} با توجه به درجه بندی پاسخها که شامل: اصلا، کمی، متوسط، زیاد و کاملا بوده است، مقادیر از ۰ تا ۴ ارزش‌گذاری شده‌اند. پس عدد ۲ مقدار متوسط را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است مقادیر با توجه به میزان سطح معناداری (*sig*)، بررسی و نگارش شده است که در ضمیمه موجود است.

۳-۳- راهنمای طراحی: احکام، ضوابط و توصیه ها

ارتباط ساکنین با محیط خانه تابعی است از مجموعه سیستم حواس چندگانه اش، این حواس نزد ملاصدرا مانند جاسوس‌هایی هستند که اخبار را به وزیر شاه (حس مشترک) مخابره می‌کنند. اطلاعات دریافتی که جنس آنها صورت است، خزانه خیال را پر می‌کند. ورود اطلاعات ناخواسته و ازدیاد آنها می‌تواند موجب پریشانی افراد گردد. لذا کنترل این اطلاعات از طریق هر یک از حواس بویایی، شنوایی، بینایی و لامسه در فضا جهت حفظ خلوت ساکنین ضرورت دارد؛ پس این احکام با توجه به این حواس دسته بندی و در قالب، حکم، ضابطه و توصیه ارائه خواهند شد.^{۱۶}

جدول ۳-۲- احکام، ضوابط و توصیه‌های طراحی فضای خلوت خانه‌باغ

حواس	احکام	ضوابط	توصیه‌ها
سمع	۱. حذف انواع نوفه ها در فضای خلوت مسکن ضرورت دارد. همچنین نوفه های فضای خلوت گروهی مانند نشیمن نباید موجب ایجاد مزاحمت برای فضاهای خلوت فردی ساکنین شود.	- میانگین تراز صدای خلوت خانه باغ باید ترجیحا تا ۳۰ dB باشد اما با حضور آب نهایتا تا ۶۰dB مناسب است.	- شناخت سرچشمه های صوتی صدا (نقطه ای، خطی و صفحه ای) و بلندی صدا می تواند بسیار کمک ر سان باشد. این مداخله می تواند از طریق توجه به شاخص کاهش صدای جداکننده ها، استفاده از شیشه های دو یا سه جداره ی مقاوم در برابر صوت، استفاده از دیوارها با عایق صوتی، استفاده از تولید نغمه در طبیعت مانند صدای آب پرندگان و حرکت درختان و در صورت لزوم صدای حاصل از قرارگیری نوت های موسیقی در کنار هم.
	۲. ساختمان نباید در مسیر ورزش تندباد عبور کرده از منابع صوت قرار گیرد.		- کاشت درختان بلند(بلندتر از ارتفاع ساختمان) جهت جلوگیری از وزش باد بر صدای حاصله از منبع صوتی کارساز است.
	۳. درها و پنجره‌ها باید ضد انتقال صدا و درزبندی کامل باشند.	- حداکثر تراز نوفه زمینه در اطاق- خواب ۳۰ تا ۳۵، در نشیمن ۳۰ تا ۴۰ و در آشپزخانه ۵۰ می‌باشد.	- همچنین می توان از طریق ایجاد فضای میان دو در و یا فاصله میان آنها از عبور صدا جلوگیری کرد.
	۴. در چیدمان فضاها در طراحی پلان نباید فضاهایی از قبیل موتور خانه، راه پله پر تردد، آسانسور، داکت و فضاهای پرسر و صدای دیگر در کنار فضای شخصی و خلوت فردی افراد قرار گیرد		- بسته به محیط انتشار نوفه (هوابرد یا پیکره‌ای) می‌توان از ورود آنها به فضا جلوگیری کرد. نوفه‌های هوابرد را می‌توان از طریق توجه به اتصالات دیوار یا پنجره به کف سقف و دیوارهای کناری و پیچ و خم در کانال‌های هوا کنترل کرد. نوفه‌های پیکره‌ای را نیز می‌توان از طریق کف شناور، سقف کاذب و پوشاندن کف با فرش یا مواد لاستیکی کنترل کرد.

^{۱۶} در این بخش تقسیم‌بندی هال از فضا، تحت فضایی شنیداری دیداری، بویایی و لامسه-شامل فضای حرارتی و حرکتی (هال، ۱۳۸۷: ۴۹) مبنای طبقه‌بندی احکام طراحی قرار گرفته است.

	و همچنین نباید در کنار معابر قرار گیرد.	
	۵. اتصال بازشوها به سقف کف و دیوارها باید کاملاً درزبندی شده باشد.	- شاخص کاهش صدا برای هر بازشو باید حداقل ۳۰ دسی بل باشد.
	۶. استفاده از حایل های صوتی در طراحی محوطه گریز ناپذیر است.	- حایل ها باید تا حد امکان متخلخل و دارای سطح منعکس- کننده صدا باشند. فاصله حایل ها باید تا حد امکان به منبع تولید صدا نزدیک باشند.
	۷. جهت گیری آستانه ورودی در خانه نباید به صورتی باشد که بعد از باز شدن به فضای خانه دید داشته باشد.	- حداکثر عرض در جهت حفظ خلوت باغ برای سواره تا ۳ متر و برای پیاده تا ۱/۳ متر است.
	۸. خانه باید از حریمیت کافی برخوردار باشد و اشرافیت به همسایگی های خود نداشته باشد.	- میزان میدان دید به فضای خانه کمتر از ۱ متر مربع باید باشد! در جایی که کمترین میزان استفاده از آن می شود.
بصر	۹. جداره ها باید حتی الامکان شفاف طراحی شده و دید به باغ را محدود نکرد. درختان بلند در نزدیکی ساختمان نیز نباید دید ساکنین را به فضای باغ مانع شوند.	- بدین منظور مناسب است کاشت درختان از ارتفاع زیاد به کم از دورترین حصار خانه- چنانچه موجب هدایت باد نامطلوب به سمت فضای خانه نشود- کاشت شوند.
	۱۰. اشرافیت از طبقات بالا بر هر یک از فضاهای شخصی و فضاهای نیمه باز آنها که برای خلوت کردن افراد مورد استفاده قرار می گیرد ممنوع است.	- محاسبه عمق سایبان میزان تابش دلوخواه در فضا ضرورت دارد.
		- بدین منظور می توان از پیشاً مدگی طبقه پایین یا عقب نشینی تراس طبقه بالا تا حد حذف دید مزاحم استفاده کرد.

- استفاده از زاویه دار کردن مسیرها، استفاده از درها و دکورها یا دیوارهای متحرک می‌توان دید مزاحم بین عرصه‌های مختلف را حذف کرد.		۱۱. فضاهای عمومی در هر مرتبه نباید به گونه ای طراحی شوند که به بخش خصوصی یکدیگر اشرافیت داشته باشد. فضاهای عمومی باید از طریق فضاهای واسطه - فضاهای نیمه خصوصی - دسترسی یابند. رعایت سلسله مراتب در بنا الزامیست.	
- بدین منظور می‌توان از شکستگی مسیر ورودی یا از طریق ایجاد راهروی دیگر و فضای پیش ورودی از طریق تعبیه در بهره جست.	- حداکثر عرض ورودی فضای اتاق‌ها ۱/۱ متر است.	۱۲. آستانه ی ورودی فضاهای شخصی باید به گونه ای طراحی شود که به یکدیگر دید نداشته باشند لذا نباید روبروی هم و یا در مجاورت هم در راستای یک خط قرار گیرند.	
- دسته بندی کارکردهای مرتبط به هم، اشیا و لوازم مورد استفاده در خانه و ایجاد فضا برای هر یک مدرسان است.	- محاسبات طراحی کمد ها و فضاهای خدماتی با توجه به ارتفاع قد هریک از استفاده کننده‌ها الزامیست.	۱۳. در فضاهای داخلی خانه نباید اغتشاش بصری از فقدان تعبیه جا برای هر چیزی وجود داشته باشد. توجه به محل قرارگیری و سالی از جمله آینه که دید را به فضا هدایت می‌کند ضروریست.	
- استفاده از درزگیرهای مناسب در محل اتصال به فاضلاب و استفاده از درپوش چاه تا حد زیادی از انتقال بو به فضا می‌کاهد.		۱۴. تدابیر تاسیساتی جهت عدم ورود بو در یک فضا ضرورت دارد.	
		۱۵. هوای فضاهایی که منشاء تولید بو در خانه هستند مانند محل طبخ غذا و سرویس‌ها باید به بیرون هدایت شوند.	فضای بوایی
- در یزد می‌توان از طریق پوشش جبهه غربی و شمال غربی از خریان باد محافظت کرد.		۱۶. محل قرارگیری طبخ غذا در ساختمان نسبت به باد غالب نباید به گونه‌ای باشد که بو را به فضای داخل خانه هدایت کند.	

	۱۷. سرویسهای بهداشتی که بازشو برای آنها تعبیه نشده است الزام به دریچه تهویه هوا و هدایت آن به بیرون از ساختمان دارد.	- برای سرویس های بزرگتر از ۲ متر مربع ابعاد هواکش بزرگتر می شود.	بدین منظور می توان از دستگاه های تهویه هوا مانند هواکش استفاده کرد؛ همچنین ایجاد بوی خوب-متناسب با ذائقه استفاده کننده- در حذف بوهای مزاحم مفید است. تذکر: نباید صدای تهویه مزاحمتی برای ساکنین داشته باشد.
	۱۸. بوی غالب هر اتاق (شامل بوی عطر، بوی بدن و غیره) نباید به از طریق جریان هوا به فضاهای دیگر وارد شود.		- بدین منظور می توان ورودی هر اتاق را در مسیر ورودی اتاق دیگر قرار نداد. همچنین ایجاد ورودی و خروجی هوا (جریان هوا) توسط ساکنین کارساز است.
	۱۹. فضای پارکینگ و تاسیسات نباید برای خلوت بویای فضاها اطراف مزاحمتی ایجاد کند.		- توصیه می شود در اتصال این فضاها با فضاهای دیگر- در صورت عدم مزاحمت شنیداری- از پرده هوایی استفاده شود.
	۲۰. هر فرد در هر قسمتی از فضا باید بتواند فاصله خود را از افراد دیگر جهت جلوگیری از تداخل حوزه بویایی و حرارتی هم حفظ کند لذا در نظرگیری فضای کافی در سکون و حرکت در مسکن الزامیست.	- حداقل فاصله شخصی برای هر فرد در فضای پذیرایی ۶۵ سانتی متر، در نشیمن ۴۵ سانتی متر و در فضای خواب ۱۵ سانتی متر است.	- تذکر: این فاصله می تواند با توجه به فاصله مطلوب هر فرد بیشتر شود، اما کمتر از آن توصیه نمی شود.
لامسه (حرکتی) و حرارتی)	۲۱. فضای حرکتی هر یک از فضاهای خانه باغ باید به حد کفایت باشد و نباید به گونه ای طراحی شود که استفاده کننده مجبور به برخورد به دیوار و اشیاء موجود در فضا و تماس ناخواسته با افراد دیگر شود.	- عرض راهرو حداقل ۱۲۰ و عرض در ورودی حداقل ۹۰ سانتی متر است. هر یک از عرض، طول و ارتفاع باید متناسب با قد افراد محاسبه و سپس طراحی شود.	- مثال: ارتفاع ظرفشویی برای یک فرد با قد ۱۶۰ سانتی متر متفاوت است تا فردی با قد ۱۸۰ سانتی متر.
	۲۲. رعایت حفظ تناسبات (نسبت h/b) برای هر یک از فضاها الزامیست. این نسبت نباید به گونه ای باشد که در فرد باعث احساس کمبود فضا یا رسمیت بیش از حد شود.	- این محاسبات باید با توجه به ارتفاع ساکنین و میهمان انجام گیرد.	- بعضی استانداردهای مشخص شده در این جامعه می تواند به کار آید اما باید از صحت آنها اطمینان لازم به عمل آید.

۲۳. بافت فضا باید احساسی از سادگی و صمیمیت را به استفاده‌کننده انتقال دهد.		- توصیه می‌شود حتی‌الامکان از مصالح طبیعی و سنتی مانند چوب، سنگ و آجر استفاده گردد. استفاده از بافتهای ضخمت می‌تواند در جایی استفاده گردد که کمتر توسط ساکنین استفاده می‌شود.
۲۴. هر مسکن باید عایق بندی کامل نسبت به جریان هوا و حافظ آسایش ساکنین باشد. خانه باید در تندبادها کاملاً در برابر گردوغبار محافظت شود. جهتگیری بنا باید به گونه‌ای باشد که بادهای داغ تابستان و سرد زمستان باعث احساس سرما و گرمای ساکنین نشود. تابش آفتاب نباید موجب ایجاد مزاحمت ناشی از انتقال حرارت به فضای سکونت شود.	- استفاده از مصالح با ظرفیت حرارتی بالا در اقلیم گرم و خشک و محاسبات اقلیمی نظیر انتقال حرارت و عمق سایبانها ضرورت دارد.	- توصیه می‌شود بنا کشیدگی شرقی-غربی داشته و حداکثر ۱۵ درجه به سمت شرق چرخش داشته باشد.
۲۵. توجه به اصول تناسب، توازن، پیوستگی و سادگی در عناصر فضا (رنگ، نور، مصالح و ...) الزام دارد.		

اهمیت این راهنما در تامین آرامش از دست رفته مسکن شهرست. وجود فضای خلوت برای ساکنین موجبات سکونت را فراهم می‌آورد و در پی آن ایمان، یقین و اطمینان را افزایش می‌دهد. این چرخه تا جایی ادامه می‌یابد تا نفس به کمال خود برسد و انسان از خدا لبریز شود. ساکن باید بتواند در تنهایی، بدون مزاحمت دیگران به تخیل و تفکر خود بپردازد، والدین در یک مسکن باید بتوانند بدون مزاحمت معاشقه کنند. فرزندان نباید دائم زیر نظر والدین قرار گیرند. مهمان نباید احساس غربی یا ازدحام به او دست دهد. فضای خلوت حق هر مسکن و سکونت حق هر ساکن است. زیرپا گذاشتن حقوق از وظایف یک معمار نیست. یک معمار وظیفه دارد حق را بشناسد و مجری آن باشد. یک معمار باید یک روانشناس باشد؛ یک رفتارشناس باشد؛ او باید از استفاده‌کننده، مکان و فضا به شناخت کامل برسد تا بتواند به مثاب خالقش خلق کند و محصولی ارائه دهد به نام معماری.

فصل چهارم: ارائه طرح



گرد آن خانه بگردم که در او خلوت تست
سگ طالع شومش کیست که همصحبت تست

چشم ما را نرسد بیشتر از بام و دری
ای خوشا دولت آن دیده که برطلعت تست

وه چه بامست که جاروب کشش دیده ُ من
جان من بنده ُ آن پای که در خدمت تست

همه بر باده ُ رشکیست که در جام منست
قهقه شیشه که در انجمن عشرت تست

رخصت مجلس و بر وصل تغافل ای شوخ
این زیاد از تو و از حوصله طاقت تست

هجر بگزیدن از وصل دلا وضع تو نیست
اختراعیست که خود کرده و این بدعت تست

وحشی از تست که ما نیز به بیرون داریم
مانعی نیست، اگر هست همین دهشت تست

وحشی بافقی

۴-۱- معرفی مکان طرح

مقدمه

معماری و کاربرد آگاهانه یکی از مشخصه‌های سنجیدن حضور وجدان در جامعه است. در خانه‌های معاصر بی‌توجهی به فضا، فعالیت، شیوه زندگی و مصرف معقول انرژی‌های تجدیدناپذیر با حذف یا به حداقل رساندن فضای ورودی و ورود به خانه شروع می‌شود و قبل از آن با به حداقل رسانیدن مشایعت، راه‌پله، پاگردها و تا درون خانه و بی‌توجهی به چشم‌انداز و نور و هوا ادامه می‌یابد. این بی‌توجهی نشان از بحرانی عمیق دارد و در تمامی ساحت‌های فضایی خصوصی- عمومی گسترده شده است (حائری، ۱۳۸۸: ۲۵). طراحی، کوششی برای ابداع راه حل‌ها، قبل از اجرای آنهاست (لنگ، ۱۳۹۲: ۶۶). طراحی بناها اعم از مسکونی و غیرمسکونی هنگامی معتبریت و معقولیت خود را تثبیت می‌کنند که از معیارهایی برخاسته از توان مهندسی و نیاز جامعه شکل گیرد و باگذشت زمان، همچنان پاسخگویی خود را حفظ کنند (حائری، ۱۳۸۸: ۱۱۸).

فرآیند سازمان‌دهی فضای خانه با در نظر گرفتن یک شبکه فضایی بیرون از خواست معمار و صاحب‌کار آغاز می‌شود و حاصل جهات و محورها در سه مقیاس کلان، میانی (عوامل بیرون بلافاصله) و مقیاس خود (محورها و جهات درون سازمان فضایی) است (حائری، ۱۳۸۸: ۱۹۴).

ارزیابی یک مسکن تنها وابسته به فرم ظاهری، مصالح، رنگ و عوامل مانند آن نیست؛ کسی که می‌خواهد در مکانی سکونت نماید، بایستی بتواند به راحتی محیط اطراف خود را تجربه کند. یعنی محیط بایستی با هویت او هماهنگ باشد. برای رسیدن به این هدف بایستی از یک سو تنوع فضاها را در نظر داشت تا از این طریق گوناگونی تجربیات امکان‌پذیر گردد و از سوی دیگر لازم است در نسبت بین فضاهای خصوصی، نیمه‌عمومی و عمومی دقت فراوانی داشت (گروتر، ۱۳۹۰: ۱۳۲). باشلار (۱۹۹۴) معتقد است خانه پناهگاه و پشتیبانی برای رویاپردازی و خیال پردازی انسان در آرامش است (طاهری، ۱۳۹۲: ۷).

۴-۱-۱- شناخت خلوت کاربر

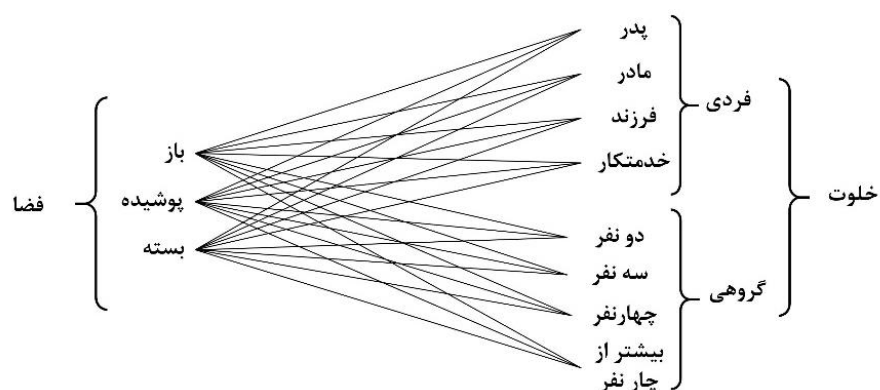
در طراحی، شناخت کاربر اگر مهمترین مرحله نباشد، یکی از حائز اهمیت‌ترین آنها و متأسفانه عدم شناخت کاربر یکی از مسائل امروز طراحی مسکن است. شاید مشخصاً نتوان این قصور را متوجه کسی دانست، چراکه رشد جمعیت و نیاز به سرپناه، جامعه را ناگزیر از ورود به خانه‌های از پیش ساخته شده کرده است و تلاشی کشنده برای همسوکردن نفس با تن و تن با پیکره بنا! نقد زیادی به برنامه‌ریزی مسکن شهری و توسعه آن وارد است که از حوصله این تحقیق خارج است. اما یکی از مهمترین آنها برآورده نساختن نیاز خلوت‌جویی ساکنین است. خلوت کردن پیش از هرچیز یک رفتار است؛ لذا وراثت، تربیت و محیط^{۱۷} تفکر، سلیقه، انتظارات، تمایلات و استعدادهای فرد تاثیر گذاشته و در نهایت رفتار (خلوت‌جویی) افراد را شکل می‌دهد. لذا شناخت هریک از این موارد در همه ابعاد- اگرچه مستلزم زمان قابل توجهیست- در فرآیند طراحی ضرورت دارد. هر فرد در محیط با خود و با دیگران می‌تواند تعامل کند و گروه‌های مختلفی را تشکیل دهد.

۴-۱-۱-۱- توصیف اجمالی استفاده‌کننده‌های مفروض طرح

در این طرح مفروض است یک خانواده جوان سه نفره با یک خدمتکار ساکنین این خانه باغ هستند. این خانواده دور از اقوام در یزد زندگی می‌کنند که همین امر باعث می‌شود گاه‌گاه مهمان‌ها به مدت چند روز موقتاً در منزل ایشان سکونت کنند. این خانواده برون‌گراست و لذا علاقه به بودن با دیگران منجر به مهمانی‌های کوچک و بزرگ در طول

^{۱۷} رجوع شود به جدول ۲-۲- عوامل تاثیرگذار بر خلوت افراد.

سال می‌شود. این خانواده تاکید روی پوشش ظاهری خود ندارند اما برای فضاها و حرائم شخصی خود ارزش قائلند. ضمن اینکه در داخل خانه فضاهایی فارغ از دیوارهای صلب می‌خواهند دیدن منظره باغ برایشان بسیار اهمیت دارد. خدمتکار خانواده نیز زنی میانسال و مهربان است که وظیفه طبخ غذا و سایر خدمات را به عهده دارد. رابطه او با صاحبخانه مانند عضوی از خانوادشان است. رسیدگی به درختان و هرس آنها از وظایف باغبان آن محله است که منزلش در آن نزدیکیست. پدر خانواده مدیر کسب و کار و ورزشکار است. فضای نشیمن و کارکردن با لپتاب در حین لم دادم روی مبل برایش حائز اهمیت است. اما برای مادر خانواده میزکار، کتابخانه و جای وسایل تحریرش بسیار مهم است. وی زنی محقق و محصل است. او به نظم و انضباط اهمیت زیادی می‌دهد و از شلوغی بیزار است؛ علاقه چندانی به آشپزی‌های معمول ندارد اما هر از گاهی تفریحانه دست به آشپزیهای خلاقانه می‌زند! فرزند خانواده دختر ۱۵ ساله که به دلیل نداشتن خواهر و برادر بیش از سایر دوستانش، مهمانپذیر است. او در اطاق خوابش فقط یک تخت خواب نمی‌خواهد! فضایی برای نشستن با دوست یا دوستانش در فضای اطاق و فضای باز می‌خواهد. با توجه به ساکنین و سناریوی ارائه شده، ۲۴ نوع خلوت با تاکید بر نوع فضا و تعداد افراد حاصل می‌شود.



شکل ۴-۱- دیاگرام انواع فضای خلوت خانه باغ

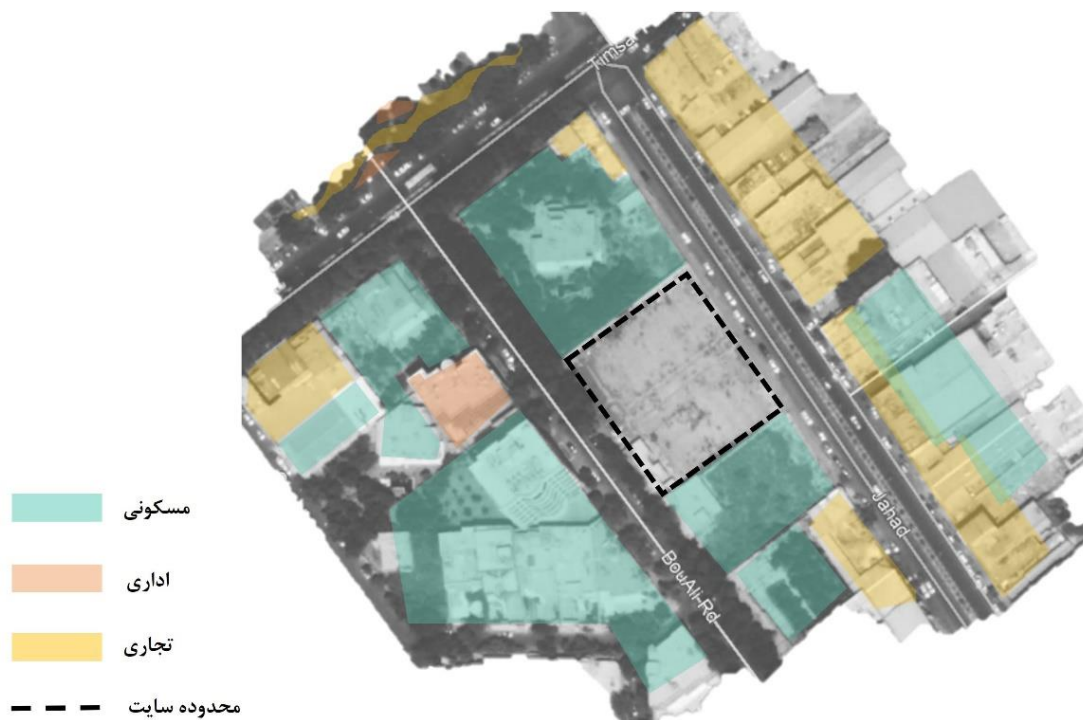
۴-۱-۲- مکان طراحی

۴-۱-۲-۱- موقعیت سایت

سایت انتخابی زمینی است با مساحت ۲۹۲۲/۴ متر مربع واقع در بلوار تیمسار فلاحی بین خیابان جهاد و خیابان بوعلی (شکل ۴-۲). از نقاط قوت این سایت می‌توان به وجود همسایگی‌های شمال شرق و جنوب غرب که خود ترکیبی از باغ و خانه هستند اشاره کرد. همچنین دسترسی مناسب به خیابان و موقعیت مکانی به لحاظ قرارگیری در نزدیکی پارک آزادگان از دیگر نقاط قوت آن است.



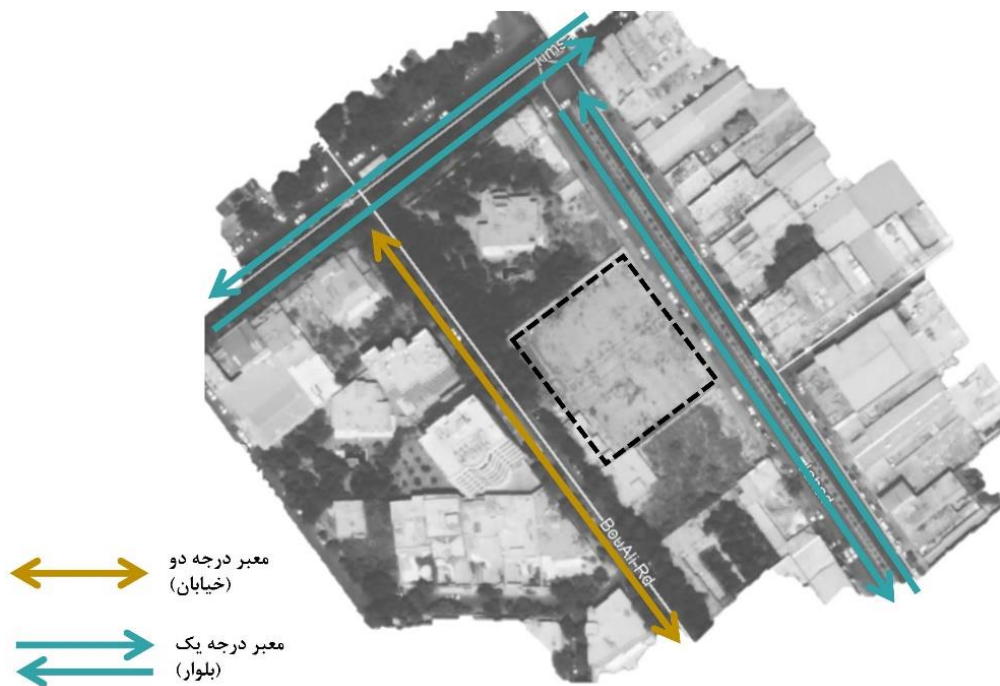
شکل ۴-۲- موقعیت سایت انتخابی



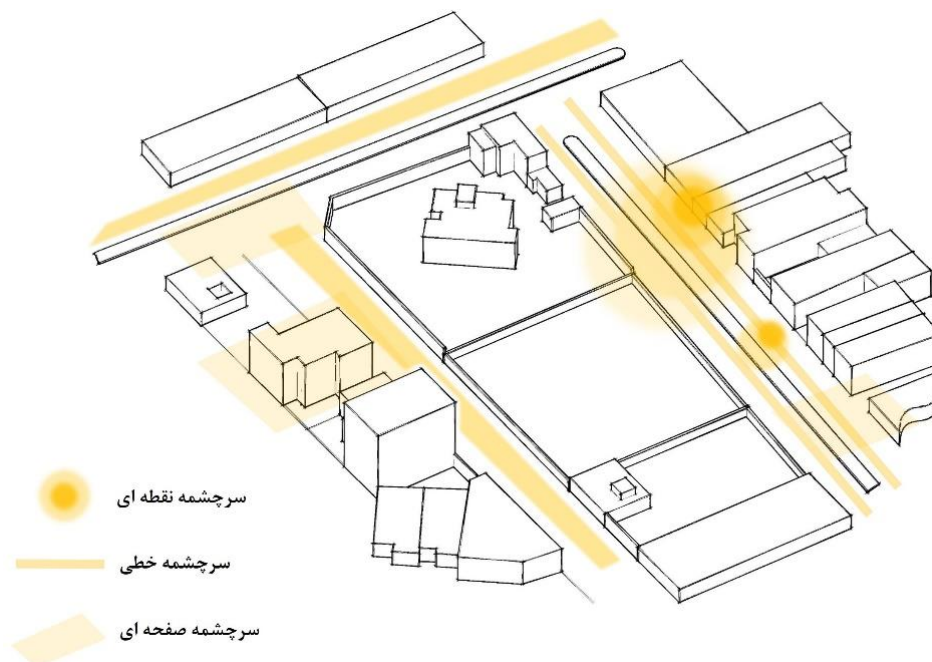
شکل ۴-۳- همجواری های سایت

۴-۱-۲-۲- تحلیل سایت

وجود دو معبر در دو طرف سایت باعث تولید نوفه در سایت می شود. عواملی مانند ترافیک خودرو، تردد آنها، بوق زدن و امثالهم؛ وجود کاربری های غیر مسکونی اعم از تجاری یا اداری باعث ایجاد نیروی تزاخم در سایت می شود. مکان تعمیراتی مانند صافکاری خودرو در شمال سایت از این نمونه اند! دسترسی ها به این سایت از دو جبهه شمال شرق و جنوب غرب سایت امکان پذیر است (شکل ۴-۵ و ۴-۴).



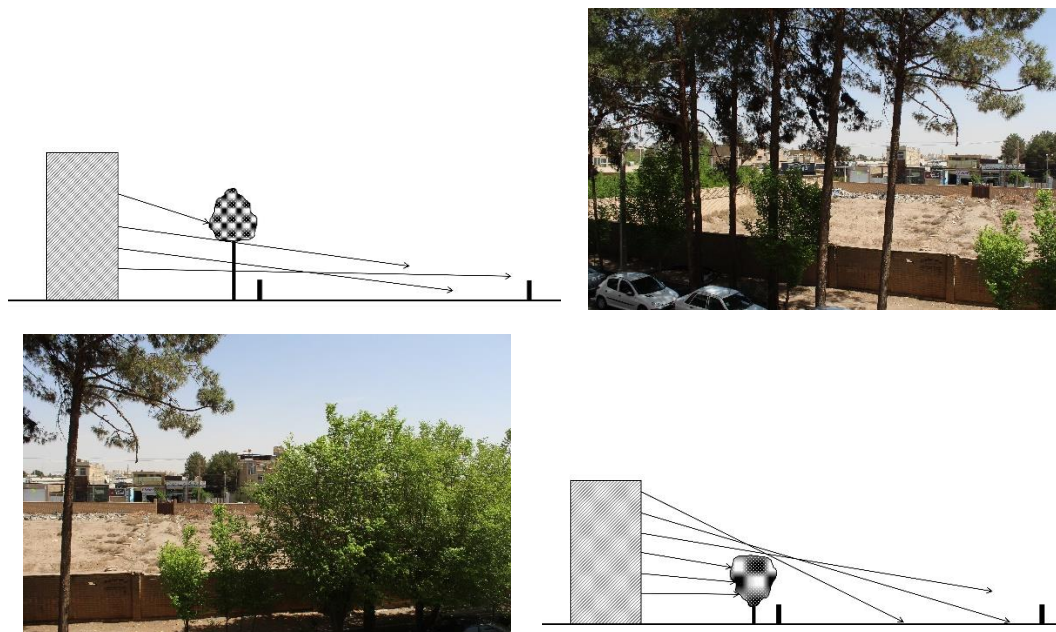
شکل ۴-۴- دسترسی ها و منابع تولید نوفه



شکل ۴-۵- انواع منابع صوتی در سایت

یکی از چالشهای اصلی وجود آپارتمان شش طبقه در وسط جبهه جنوب غربی سایت است. هرچه به سمت شمال غرب حرکت کنیم پوشش گیاهی به حد کفایت مانع از دید (در طبقات دوم به بالا) و نیروی حاصله از آن می شود. اما در حرکت به سمت جنوب شرق ارتفاع پوشش گیاهی کاهش یافته و از طبقات امکان دید در سایت وجود دارد. لازم به ذکر است درختان سرو بلند دید را از طبقه پنجم و تا حدی ششم در سایت مانع می شود اما طبقات پایینتر کاملاً از بین آنها اشرافیت دارند (شکل ۴-۶). از جبهه شمال شرقی نیز دید مزاحم وجود دارد اما ساختمانهای جبهه مذکور

نهایتاً دارای یک طبقه بیشتر از همکف می‌باشند که نه تنها باید از همان هم ممانعت کرد بلکه پیشبینی بلند مرتبه سازی و مجهز بودن به حفاظت در برابر دید، آرامش بیشتری را برای ساکنین به همراه دارد.

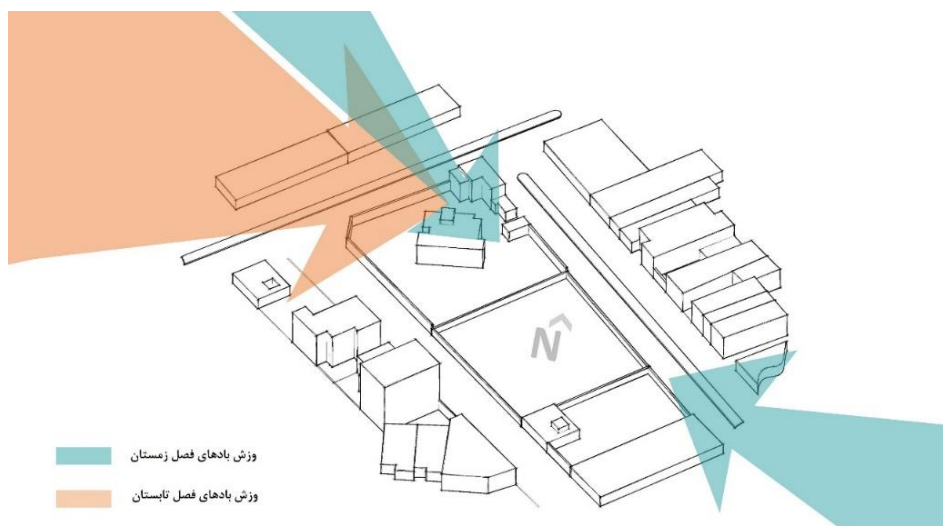


شکل ۴-۶- دید مزاحم به سایت

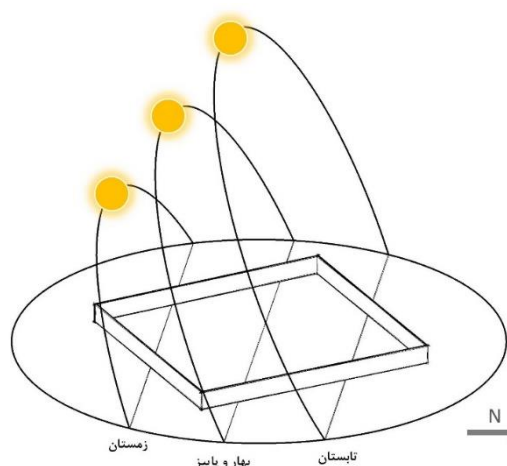
اهمیت تاثیر عناصر اقلیمی در طراحی بنا بر کسی پوشیده نیست. اقلیم تا آنجا که به آسایش انسان مربوط می‌شود، نتیجه تاثیر متقابل عناصری چون تابش آفتاب، دما و رطوبت هوا، وزش باد و میزان بارندگی است (کسمایی، ۱۳۸۱: ۳). از جمله خصوصیات بارز شهر یزد فقدان رطوبت، خشکی هوا - به دلیل وزش بادهای مهاجر- و تابش شدید آفتاب است. بارش باران اندک و معمولاً آسمان بدون ابر می‌باشد. اختلاف دمای تابستان و زمستان و همچنین شب و روز تابستان در این شهر بسیار زیاد است. در فصل بهار تندبادهای همراه با گرد و غبار زیاد به سمت شهر سرازیر می‌شوند. این طوفانهای شن از ناحیه غرب و شمال غرب و معمولاً بعد از ظهرها - در اثر گرم شدن لایه های هوای نزدیک به زمین - می‌وزند (شکل ۷-۴).

بررسی دمای شهر یزد در ۵ سال اخیر^{۱۸} نشان از تابستانهای بلندتر از یک فصل و زمستانهای کوتاه می‌دهد. در اواخر سال بهار نمایان می‌شود که عمری معمولاً دوماهه دارد. از اواسط اردیبهشت هوا شروع به گرم شدن می‌کند و نهایتاً در خردادماه سیستم‌های سرمایشی مسکن روشن می‌شوند. این بدان معناست که تابش آفتاب از این تاریخ باید مهار شود. تابستان شهر یزد حدود ۵ ماه به طول می‌انجامد. برای مثال، در سال ۱۳۹۷ (امسال) تا اواخر مهرماه کولرهای آبی مشغول خنک سازی بعضی از خانه‌ها بودند که البته طراحی مناسب تا حد زیادی کارساز است. عمر پاییز نیز کوتاه است و تقریباً از اوایل تا اواسط آبان ماه گرمای آفتاب بسیار دلچسب می‌شود. لذا توجه به این موارد در محاسبات مختلف ساختمان ضرورت دارد تا آسایش ساکنین مهیا گردد (شکل ۸-۴).

^{۱۸} نمودارهای این فصل در ضمیمه قابل پیگیریست.

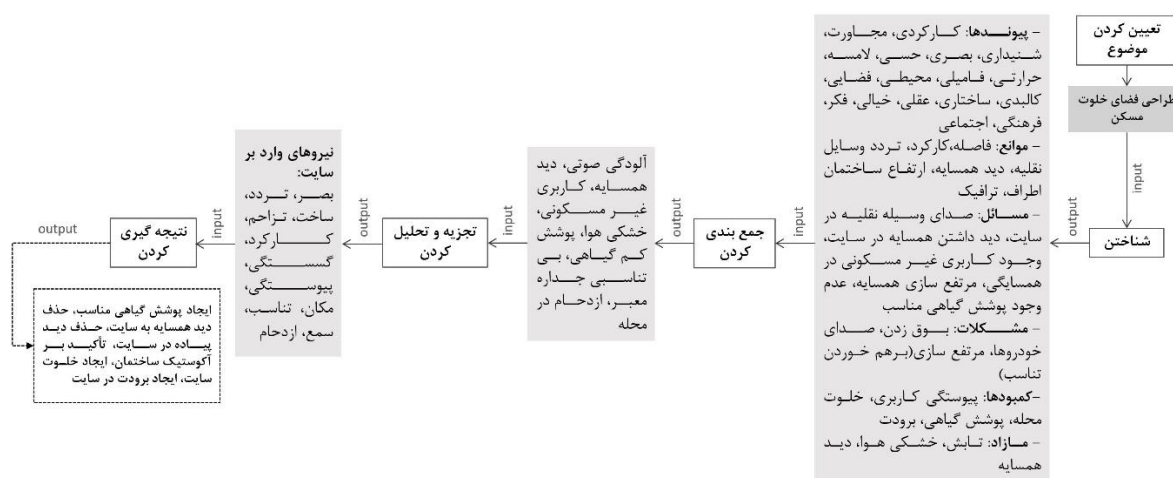


شکل ۴-۷- حرکت خورشید در فصول مختلف در نیمکره شمالی



شکل ۴-۸- حرکت خورشید در فصول مختلف در نیمکره شمالی

۴-۱-۲- نتایج تحلیل سایت



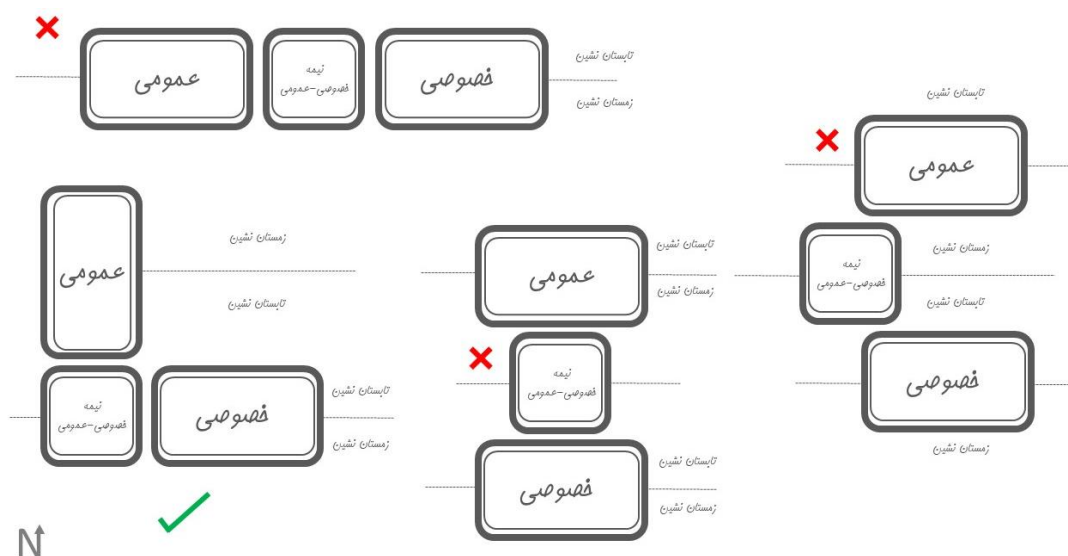
شکل ۴-۹- فرآیند طراحی مرتبه اول

۴-۲- طراحی خانه باغ در یزد

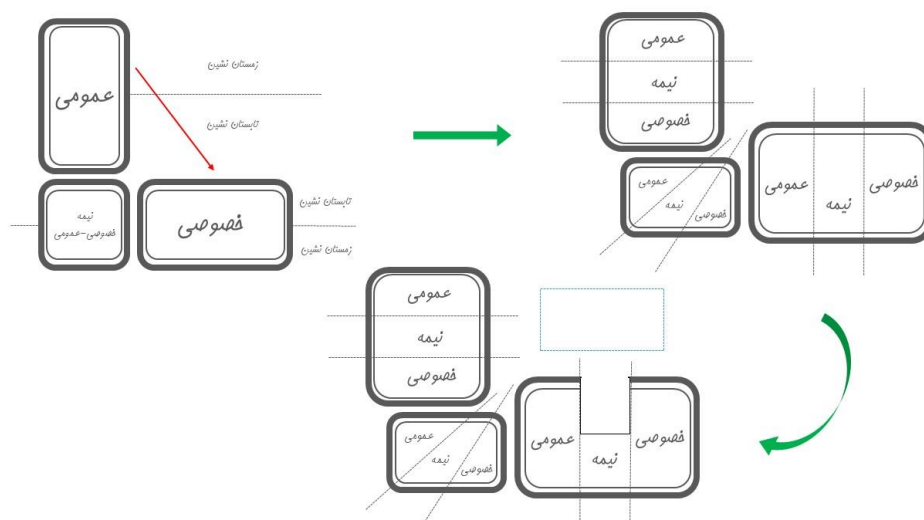
در بناهای مناطق گرم و خشک، به عنوان نمونه ای خرد از باغ سازی ایرانی برای مقابله با گرمای طاقت فرسا و گزند شدید آفتاب سوزان، منظرسازی به مثابه چاره‌ای برای برقراری شرایط مناسب زیست محیطی کارایی دارد. بدیهی است چنین راهکاری از دیرباز در ایران مرسوم بوده است (بقایی و دیگران، ۱۳۸۷: ۸۲). در باغسازی امروز شهر یزد، افزایش نیروهای تراحم از جمله افزایش تردد خودروها، بلند مرتبه سازی و امثال آن چهره باغ را نه تنها کمی متفاوت از گذشته بلکه مستلزم محاسبات دقیق‌تری می‌کند.

۴-۲-۱- فرآیند طراحی

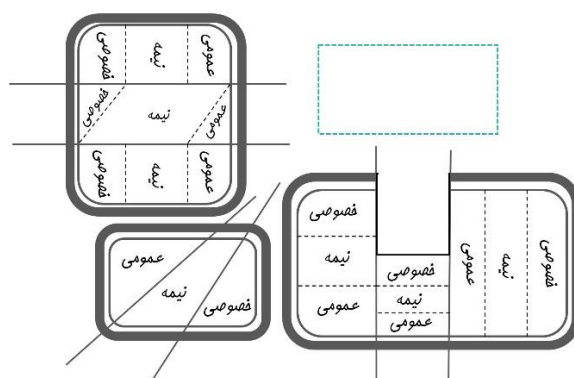
طراحی کارکردیست که نتیجه خرده اعمال در یک فرآیند است و مانند هر کارکردی محتاج وقوع تک تک خرده کارکردها می‌باشد. این فرآیند در مراتب مختلف الزام به پیگیری دارد تا بتوان به یک طرح مطلوب دست یافت. پس از بررسی‌های لازم روی سایت و عوامل تأثیرگذار بر آن به نقطه آغازین عملی خط کشیدن (با در نظر گرفتن همه نیروها) می‌رسیم. نگارنده هم‌زمان با شناخت و بررسی برنامه فیزیکی خانه‌باغ و در مسیر طراحی پس از فهم عرصه بندی مراتب مختلف فضای خلوت خانه‌باغ، و بررسی آلترناتیوهای مختلف عرصه بندی در مراتب، به طراحی چند پلان مسکونی بدون در نظر گرفتن طراحی سایت می‌پردازد. این طرح‌ها کالبدی برای دیاگرام عرصه‌ها در خانه بود. اما پس از طی فرآیند رفت و برگشت در خرده کارکردها اتدهای طراحی سایت و همخوانی کالبد خانه با باغ شروع شد. و طرحی متفاوت از طرح‌های پیشین شکل گرفت. لازم به ذکر است هر یک از مراحل با در نظر گرفتن چالشهای طراحی این مکان و خروجی تحلیل، سایت انجام گرفته است.



شکل ۴-۱۰- آلترناتیوهای قرارگیری عرصه خصوصی تا عمومی در مرتبه اول



شکل ۴-۱۱- آلترناتیوهای فرارگیری عرصه خصوصی تا عمومی در مرتبه دوم

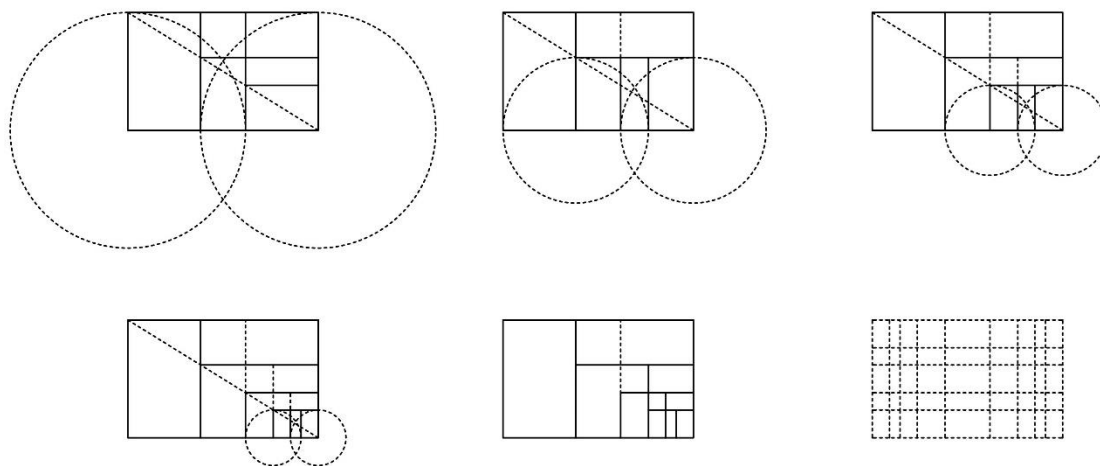


شکل ۴-۱۲- عرصه خصوصی تا عمومی در مرتبه سوم

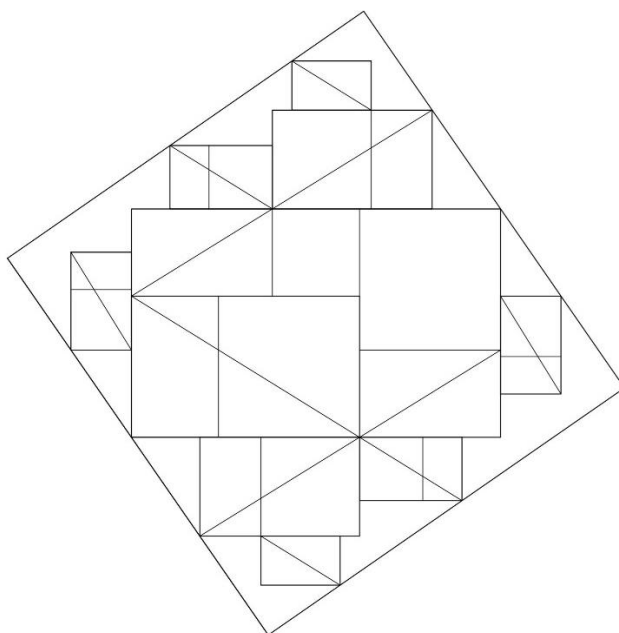
۴-۲-۱-۱- هندسه طرح

سال ۲۰۰۹ دانشمندان دریافتند که مکان کعبه از تناسبات طلایی در مکه برخوردار است. کعبه نقطه طلایی مکه، و مکه نقطه طلایی جهان است. یعنی نسبت فاصله کعبه از شمال و جنوب مکه برابر با نسبت فاصله کعبه از شرق و غرب مکه و برابر با ۱,۶۱۸ می‌باشد. بخش عظیمی از طبیعت بر پایه این نظم طبیعی شکل گرفته است، از جمله صدفها، کهکشانها، درختان و از همه مهمتر اجزای بدن انسان. بنا بر حدیثی از امام باقر، آدم در زمین از تنهایی و وحشت پدیدآمده در خود به خدا شکوه کرد. خداوند هم خیمه یا چادری از خیمه های بهشتی را برایش فروفرستاد. جبرئیل هم این خیمه را در همان مکان و منطبق با ابعاد ستونهای خانه کعبه [در آینده] برافراشت (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۲/باب ۱۵۹). در روایتی نیز از توبه نامه آدم خطاب به خداوند آمده است: آیا مرا در جنت خویش سکنی ندادی؟ آیا اگر توبه کنم بازگشتم به جنت است؟ و خداوند فرمود: آری (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۴/۶۸). شاید این نوشتار نشان می‌دهد سکونت بهشتی برای آدمی در زمین ممکن است، به شرط توبه! و چه بسا که این توبه در بازاندیشی مفهوم مسکن و سکونت باشد.

این نوشتار نگارنده را علاقه‌مند به استفاده از این نسبت در طراحی فضاهای خانه‌باغ کرد، که به نظر وی موجبات ایجاد تفاوت چشمگیری در طرح شد. در زمان رنسانس معماران از این قانون بهره گرفتند. همچنین در دوره مدرن لوکوربوزیه، سیستم مدولار خود را بر مبنای تناسبات طلایی تنظیم نمود و کاربرد آن تا به امروز در معماری ادامه دارد (بمانیان و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳۶). نسبت لاهوتی، نسبت زرین و نسبت خدایی، اسامی مختلفی هستند که به نسبت طلایی اطلاق شده‌اند.

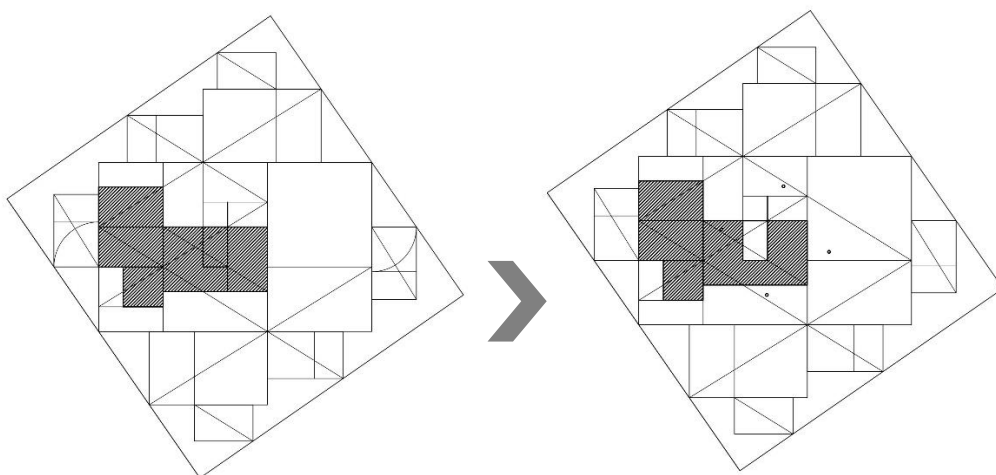


شکل ۴-۱۳- روند شکل‌گیری مدول تناسب

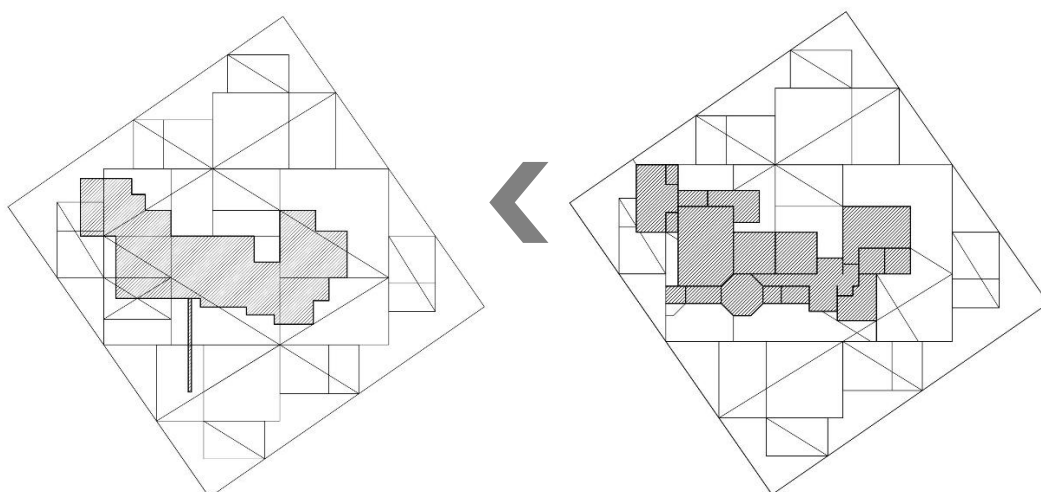


شکل ۴-۱۴- رسم نسبت‌های طلایی با توجه به ابعاد سایت

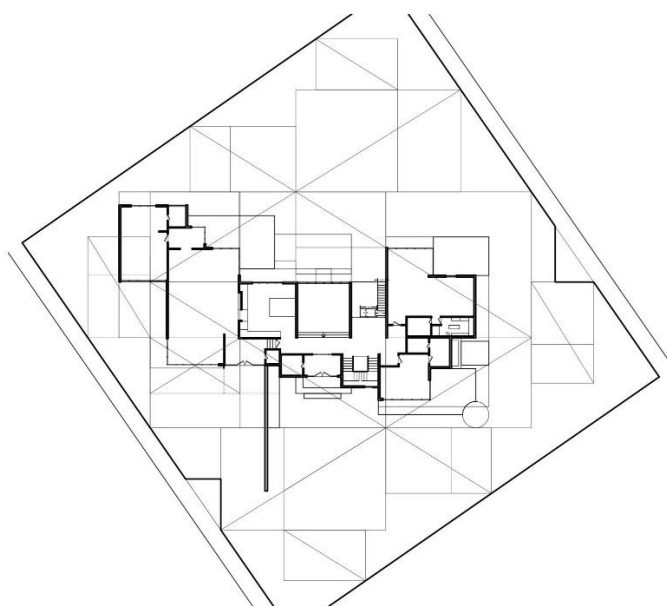
^{۱۹} قانون نسبت طلایی در قرن سوم قبل از میلاد، توسط اقلیدس فیلسوف و ریاضیدان کشف شد. پس از مدتی یونانی‌ها به نقش غالبی که تناسب طلایی در تناسبات بدن انسان بازی می‌کرد پی بردند، با اعتقاد به اینکه هم انسان و هم پرستشگاه‌های او می‌بایست به یک نظم برتری از جهان، تعلق داشته باشد، همین تناسبات را در ساختمان پرستشگاه‌هایشان نیز منعکس ساختند.



شکل ۴-۱۵- شکل گیری پر و خالی سایت با توجه به آلترناتیو عرصه بندی در مرتبه اول



شکل ۴-۱۶- روند شکل گیری پر و خالی در سایت

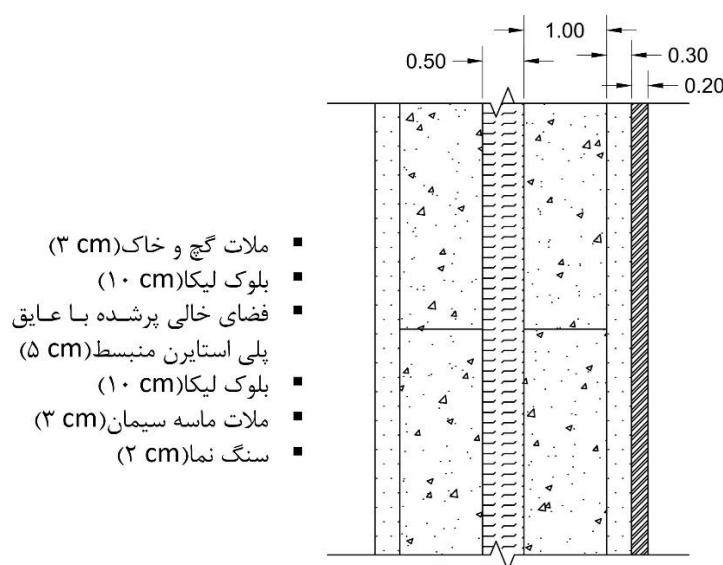


شکل ۴-۱۷- پلان هندسی در سایت

۴-۲-۱-۲- سازه طرح و جزئیات حرارتی

یکی از ویژگی‌های ساخت بنا در اقلیم گرم و خشک ظرفیت حرارتی مصالح می‌باشد. در گذشته از طریق استفاده از خشت و قطور سازی دیوار به این مهم توجه می‌شده است. رفته رفته با کثرت جمعیت و افزایش تقاضا و البته پیشرفت تکنولوژی ساختمان سازی را ملزم به استفاده از مصالح کم حجمتر کرد. طی تحقیقات انجام شده، از میان مصالح موجود و رایج در دیوار سازی استفاده از بلوک‌های LECA بهترین رفتار حرارتی را از نظر تعدیل شرایط آب و هوایی و تأمین آسایش برای ساکنان دارد (مأخذ: محمد، ۱۳۹۲: ۷۷). از طرفی این طرح به دلیل دید به منظر بیرون از بنا و همچنین ایجاد هرچه بیشتر حضور باغ در خانه جهت افزایش آرامش ساکنین ناگزیر از سطح شیشه نسبتاً زیاد برخوردار است که می‌تواند موجب هدررفت انرژی شود. با توجه به اینکه سیستم گرمایشی خانه، گرمایش از کف پیش‌بینی شده است، می‌توان با ایجاد فضایی پشت پنجره از طریق پرده شیشه‌ای و دوبله کردن ریشه‌های گرمایشی در این فضا یک پرده هوای معتدل بین دو فضای گرم و سرد ایجاد کرد. برای تسریع در امر گرمایش نیاز است کف این فضا مشبک (ریز) باشد. هوای گرم در حال بالا رفتن از کف از طریق جابجایی^{۲۰} موجب گرم شدن ملکولهای سرد هوا می‌شود. این روند تا هم دما شدن هرد دما با یکدیگر ادامه می‌یابد. در جبهه‌های نورگیر این سیستم می‌تواند مانند اثر گلخانه‌ای نیز عمل کند. لازم به ذکر است پرده ضخیم پارچه‌ای نیز می‌تواند کارایی افزایش دهد در صورتی که حذف دید به منظر برای ساکنین اهمیت نداشته باشد.

در این طرح سازه مورد استفاده برای صفحات بتنی وسیع میلگرد تنیده با بتن می‌باشد. به دلیل پایین بودن خورشید در جبهه‌های شرقی و غربی عمق سایبان محاسباتی افزایش و لذا افزایش نیروهای ساخت در بتن به خصوص نیروی کشش ضروریست که بتن پیش‌تنیده بسیار مناسب می‌نماید.



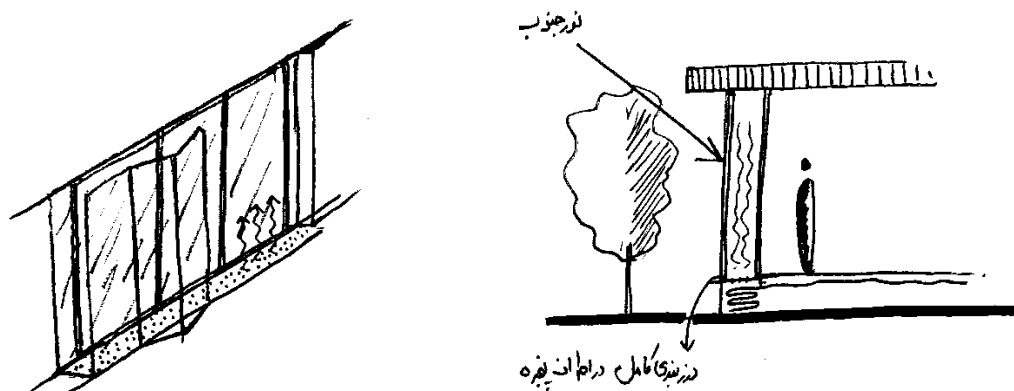
شکل ۴-۱۸- دیوارهای جدا کننده با بلوکهای LECA (مأخذ: محمد، ۱۳۹۲: ۷۳)

^{۲۰} Glass curtain

^{۲۱} این نوع از انتقال حرارت از دو مکانیزم حاصل می‌شود. یکی انتقال انرژی ناشی از حرکت تصادفی ملکولها و دیگری در اثر حرکت توده سیال صورت می‌گیرد.



شکل ۴-۱۹- پرده شیشه‌ای



شکل ۴-۲۰- استفاده از پرده شیشه‌ای برای حفظ گرمای درون خانه

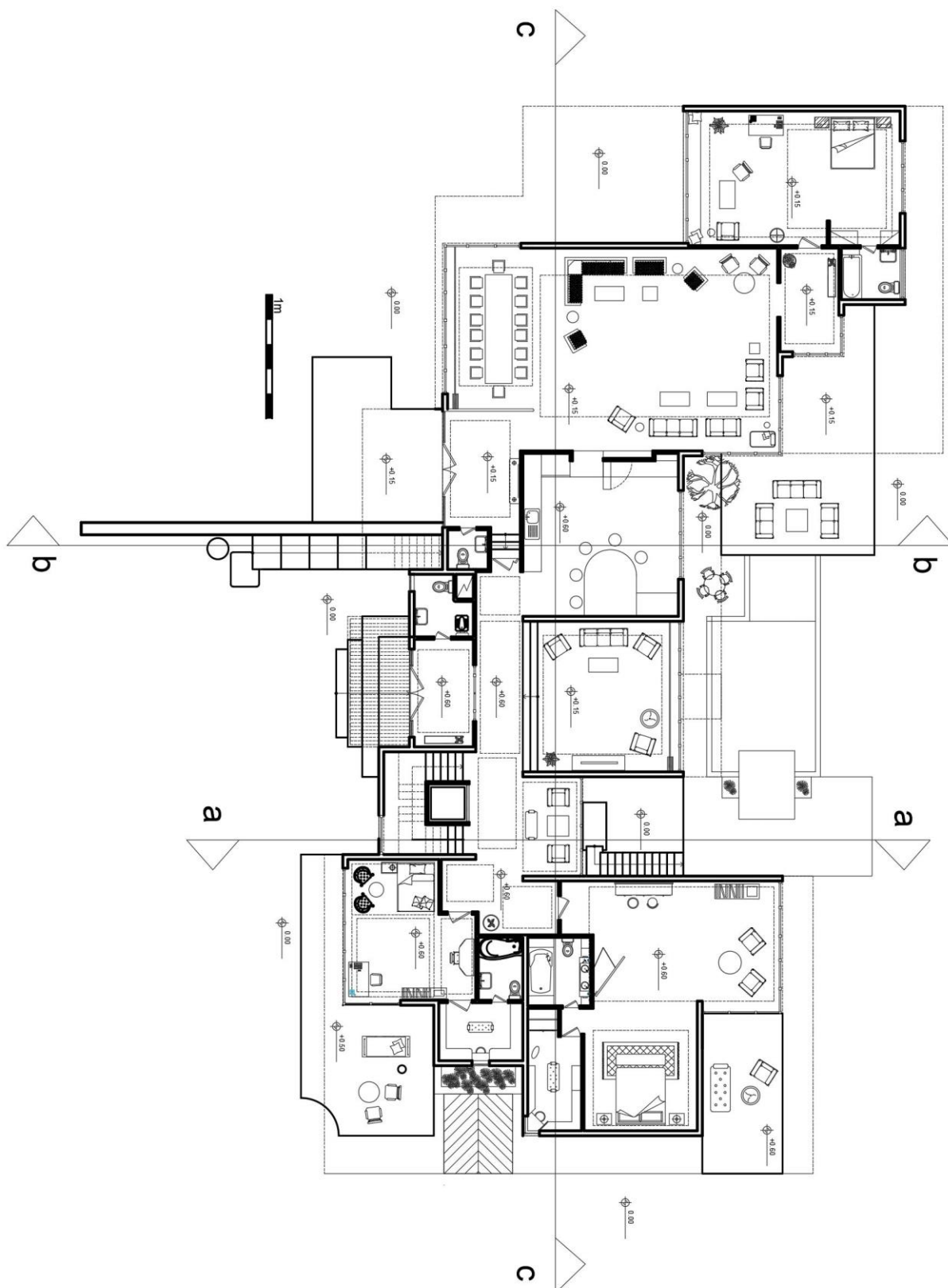
۴-۲-۲- ارائه طرح

در این بخش تمامی نقشه‌ها شامل پلان‌ها، نماها، سایت پلان و مقاطع ارائه خواهد شد. در ادامه طرح سه بعدی خانه باغ از دیدهای مختلف نیز ارائه می‌شود. این طرح دارای یک طرح داخلی از فضای نشیمن در زیرزمین می‌باشد، بقیه تصاویر ارائه شده از فضای داخلی با ذکر منبع از اینترنت به دلیل نزدیکی به ایده ذهنی نگارنده از این فضاها در این بخش ارائه خواهند شد.

کرم نما و فرود آ که خانه خانه توست

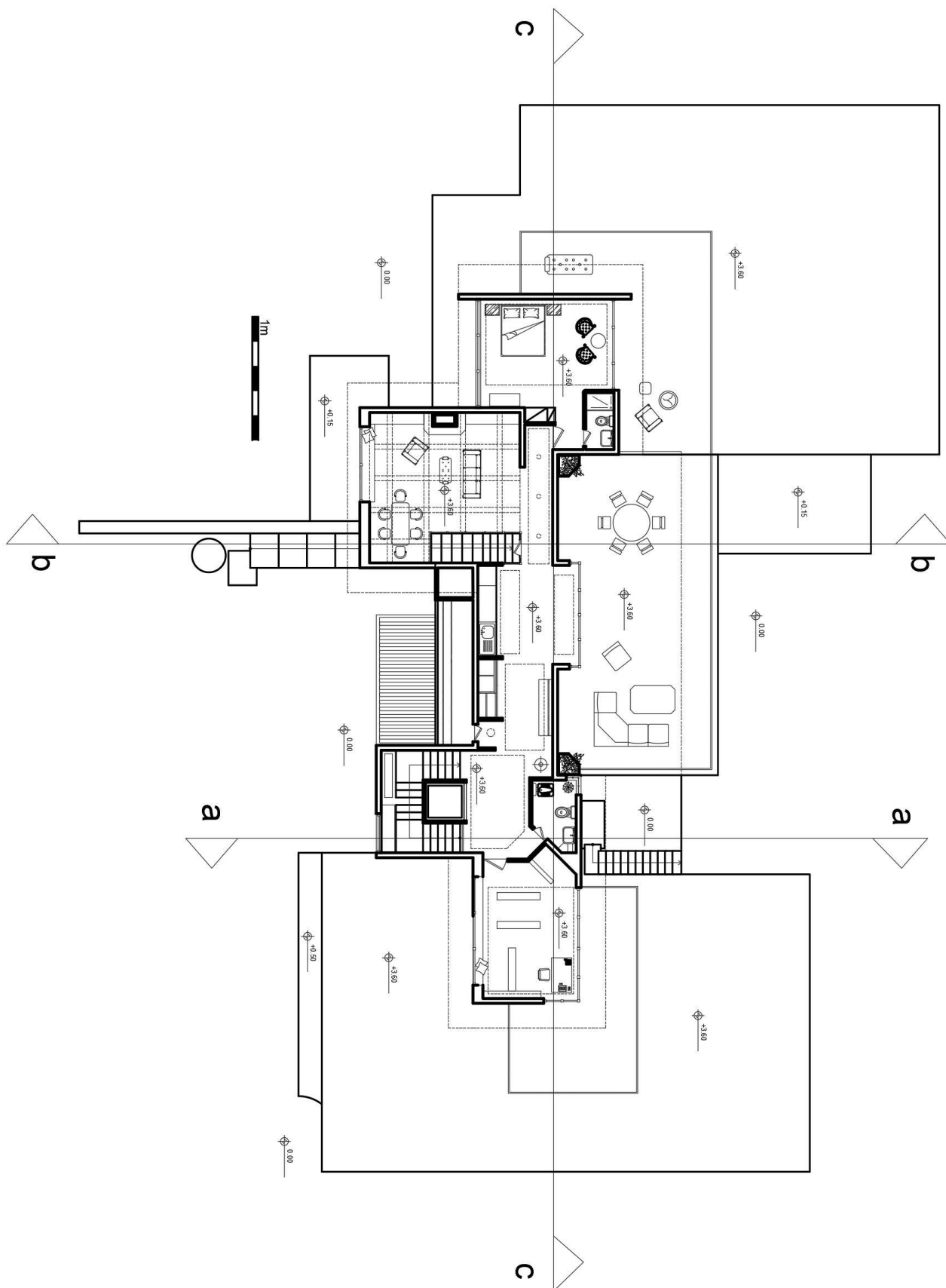
رواق منظر چشم من آشیانه توست

(حافظ)

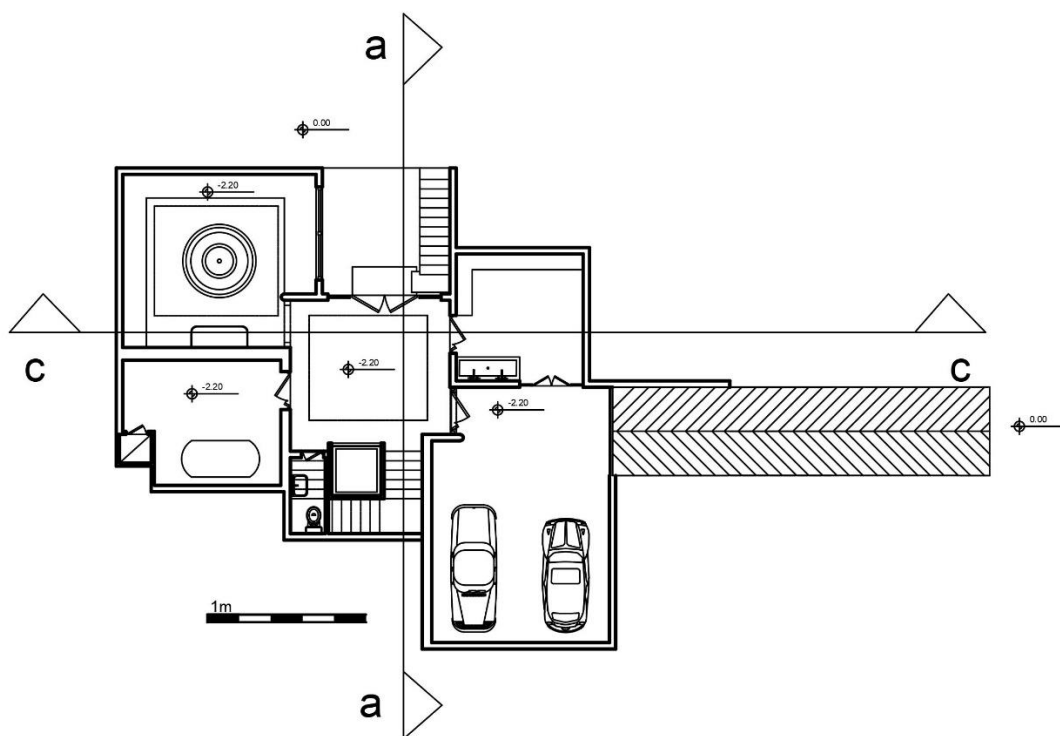


شکل ۴-۲۱- پلان طبقه همکف^{۲۲}

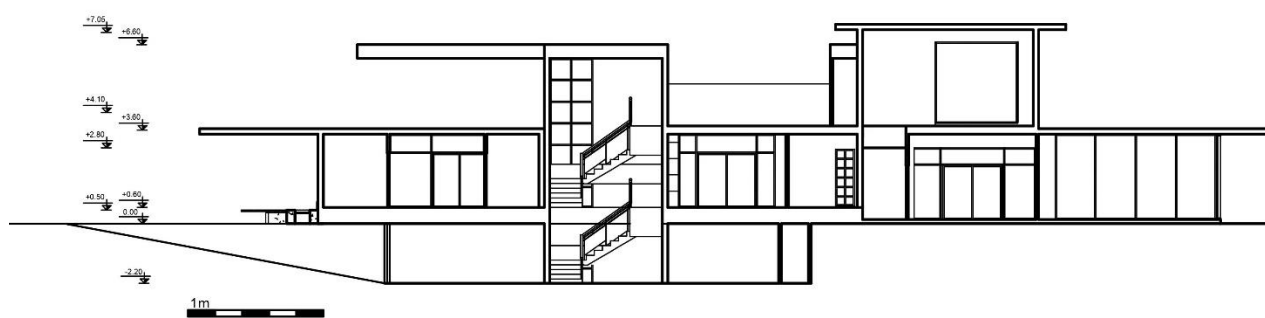
^{۲۲} شمال طرح، سمت چپ صفحه می باشد.



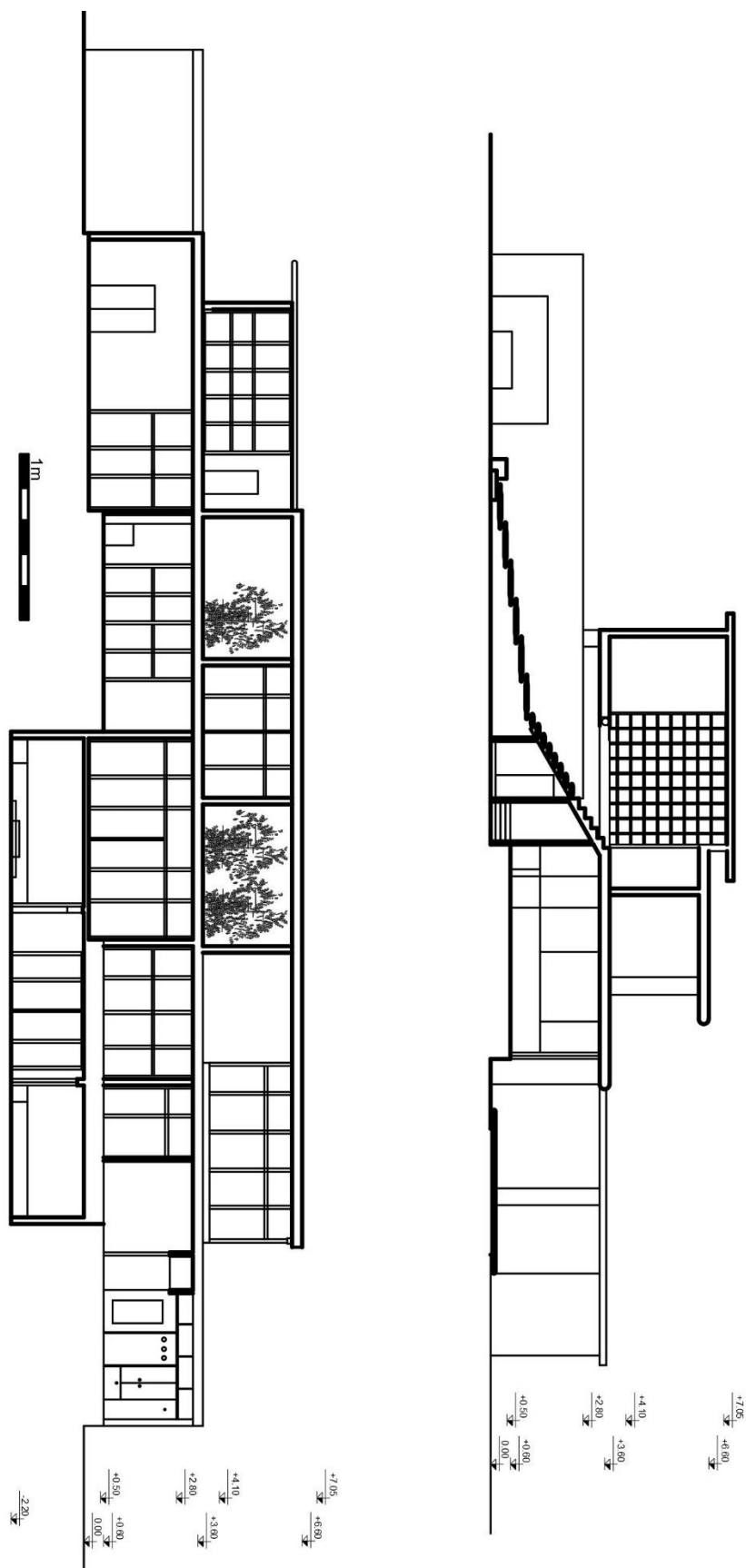
شکل ۴-۲۱- پلان طبقه اول



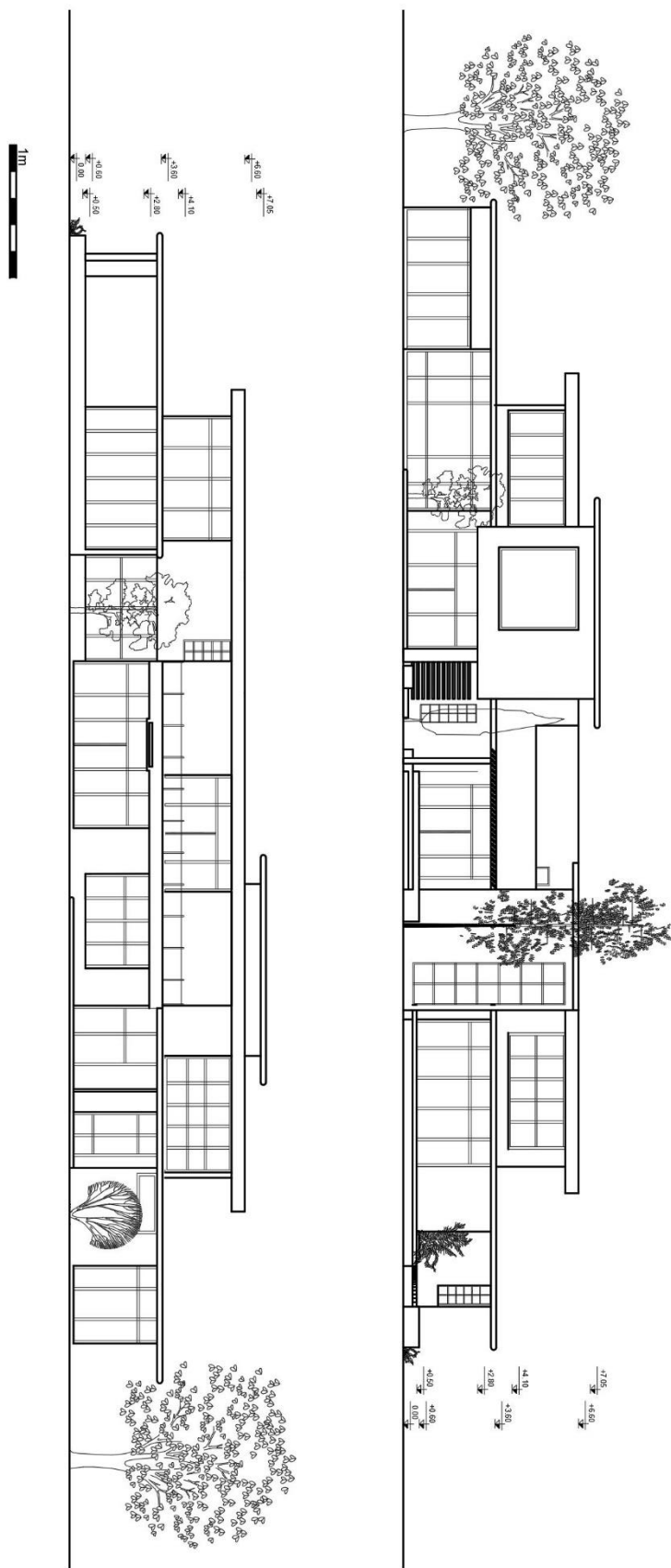
شکل ۴-۲۲- پلان زیرزمین



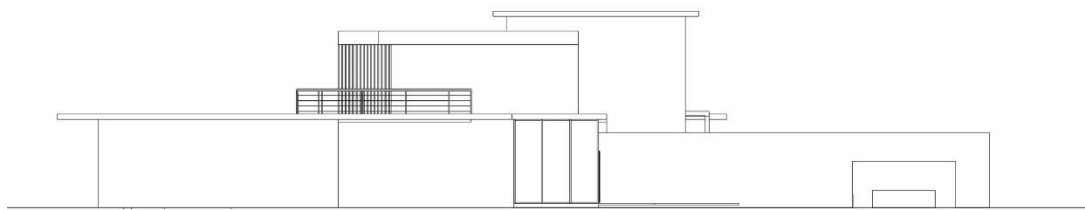
شکل ۴-۲۳- مقطع a-a



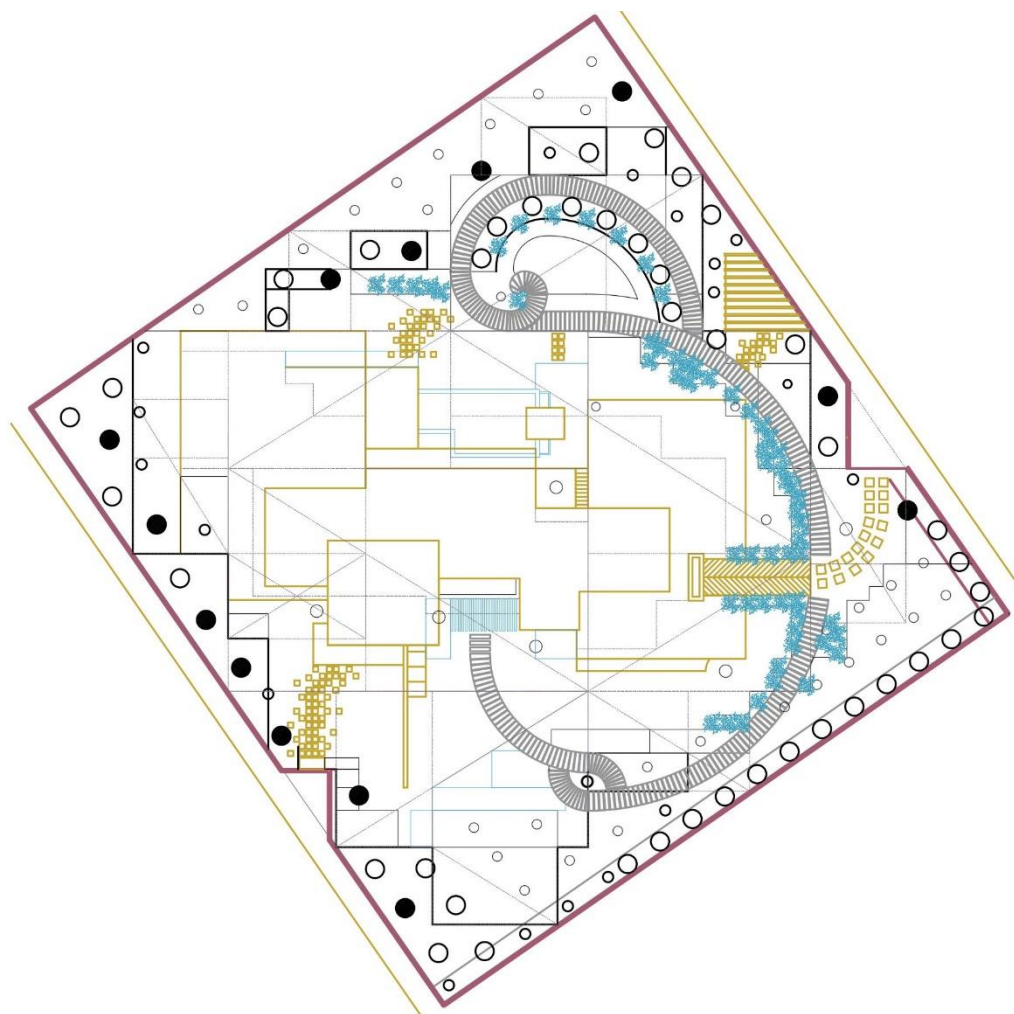
شکل ۴-۲۴- مقاطع b-b (سمت چپ) و c-c (سمت راست)



شکل ۴-۲۵- نماهای شمالی (تصویر سمت چپ) و جنوبی (تصویر سمت راست)



شکل ۴-۲۶- نماهای غربی (تصویر بالا) و شرقی (تصویر پایین)



شکل ۴-۲۷- سایت پلان و پلان بام به همراه ترتیب کاشت گیاهان

اشکال ۴-۲۸ تا ۴-۴۵- تصاویر سه بعدی طرح





















ضمائم

۱- ضمائى فصل دوم: مرور

۱-۱- ضمائى سکونت نفس ساکن

۱-۱-۱- نفس

لغت نفس که در لاتین معادل self است، معانی متعددی دارد که جان، روان، خون، تن، شخص انسان و حقیقت شی از آن جمله است. این واژه در فلسفه معنای اصطلاحی به خود گرفته و از آن تعبیر مختلفی ارائه شده است (طاهری، ۱۳۹۳: ۴۴). در لغتنامه دهخدا نفس معادل جان، روح و روان است که در ادامه توضیح آن نفس را قوه ای می خواند که بدان جسم زنده، زنده است. در فرهنگ فارسی معین: تن، جسم؛ شخص، ذات؛ جان، خون؛ روح، روان و حقیقت هر چیز ذیل معنی واژه نفس آمده، و در فرهنگ فارسی عمید نیز به همین معانی اشاره شده است.

هومر نخستین فیلسوف دوره یونان بود که در قصاید خود افکاری را درباره انسان پیش کشید و او را مرکب از نفس و جسم دانست. نفس از نظر او هوای لطیف است (طاهری، ۱۳۹۳: ۱۵). تالس در تعریف نفس، تعبیر «محرک» را به کار گرفت و همه ی اشیا را دارای نفس دانست (طاهری، ۱۳۹۳: ۱۵). آناکسیمنس نیز عنصر «هوا» را در این باره به کار برد و از این میان، دیدگاه هایی را نیز به فیثاغوریان نسبت داده اند که بر آن اساس، نفس پرزهای هوا یا عامل حرکت آن پرزها یا نوعی هماهنگی و تألیف تلقی شده است (طاهری، ۱۳۹۳: ۱۵). سقراط انسان را مرکب از عقل و روح دانست. از نظر او، روح تدبیرکننده حس و حاکم بر آن است. افلاطون نیز اصل و حقیقت نفس را از موجودات عالم مُثُل دانست و ارسطو هم با تعبیری متعارض، گاهی آن را صورت بدن و گاهی جوهر مجرد خواند (طاهری، ۱۳۹۳: ۱۶). ارسطو مفاهیمی از جمله: جوهر، کمال، مایه‌ی حیاط، مایه‌ی ادراک، اصل قوا و علت و سبب، بر نفس اطلاق کرده است (طاهری، ۱۳۹۳: ۴۵).

نزد ارسطو، تمام آثار حیاط در موجود زنده، برخاسته از نفس است. او از میان موجودات، نبات، حیوان و انسان را دارای نفس می داند و از این رو سه قسم یا سه مرتبه ی متفاوت برای نفس قائل است: نفس نباتی، نفس حیوانی و نفس انسانی. با این بیان معلوم می شود که ارسطو نفس را مشترک لفظی^{۲۵} می داند (طاهری، ۱۳۹۳: ۴۵). وی آنگاه ماهیت نفس را این گونه تعریف می کند: نفس بالضروره، جوهر^{۲۶} است؛ به این معنا که صورت برای جسمی طبیعی است که دارای حیات بالقوه است. اما جوهر صوری، کمال است؛ بنابراین، نفس کمال اول^{۲۷} است برای جسمی که دارای چنین طبیعتی است (طاهری، ۱۳۹۳: ۵۵). ارسطو تعبیر دیگری از نفس، مبتنی بر قوای آن، بدست می دهد؛ به این صورت که نفس، اصل قواست و باید با همان قوا، یعنی قوای حرکت، احساس و عقل تعریف شود. آنچه در حدود منطقی

^{۲۳} در قصاید هومر، انسان ترکیبی از نفس و جسم تلقی گردیده است؛ جسم برآمده از آب و خاک دانسته شده که پس از مرگ، به اصل خود باز می گردد. اما از این منظر، نفس هوایی لطیف است که با جسم پیوند یافته و پس از مرگ، از بدن رهایی یافته و به جوف زمین یا سرزمین مردگان روانه می گردد (طاهری، ۱۳۹۳: ۱۷).

^{۲۴} از خود تالس اثری در دست نیست، ولی پاره ای از افکار او را در آثار فیلسوفان بعد، چون ارسطو (۳۲۲-۳۸۴ ق.م) می توان یافت (طاهری، ۱۳۹۳: ۱۸). از گزارش ارسطو چنین برمی آید که تالس به وجود نیروهای غیر محسوس در همه اشیا باور داشته و باطن آنها را سرچشمه جنبش و حیات دانسته است (طاهری، ۱۳۹۳: ۱۹).

^{۲۵} در مشترک لفظی، برای هر معنا وضع جداگانه ای وجود دارد؛ ولی در مشترک معنوی یک وضع بیش تر نیست (کرجی، ۱۳۹۲: ۳۹).

^{۲۶} یکی از اجناس وجود، نزد ارسطو، جوهر است که خود سه قسم می باشد. جوهر به معنای اول، ماده و به معنای دوم، صورت و به معنای سوم، شی مرکب از آن دو است (طاهری، ۱۳۹۳: ۵۵).

^{۲۷} کمال بر دو قسم است: کمال اولی و کمال ثانوی. فرق بین این دو کمال آن است که کمال اولی مربوط به اصل و بنای وجودی اشیا است؛ ولی کمال ثانوی امور دیگری است که در مرتبت بعدند (فرهنگ علوم عقلی، ص ۴۹۵). کمال اولی متعلق خلق است؛ ولی کمال ثانوی متعلق هدایت است (کرجی، ۱۳۹۲: ۲۳۷).

دیده می شود که قوای نمو، احساس، حرکت و عقل، به ترتیب فصل های نبات، حیوان و انسان را تشکیل می دهند، برخاسته از این تحلیل ارسطوست (طاهری، ۱۳۹۳: ۵۶).

ابن سینا به پیروی از ارسطو نفس را این گونه تعریف می کند: «نفس کمال اول است برای جسم طبیعی آلی». او اعتبارهای مختلف نفس را به میان کشیده و به هر اعتبار، آن را عنوانی خاص می دهد. او نفس را نسبت به افعالی که از آن صادر می شود، قوه، یعنی مبدأ فعل، و به اعتبار اینکه صورت های محسوس و معقول را می پذیرد، قوه به معنای مبدأ قبول، و به قیاس ماده ای که در آن حلول می کند، صورت و به لحاظ اینکه جنس را کامل می کند، نوع محصل می نامد (ابن سینا، النفس: ص ۱۵-۲۲) (طاهری، ۱۳۹۳: ۵۷). وی در تعریف نفس، «کمال» را بر «قوه» و «صورت» ترجیح می دهد و سبب ترجیح کمال بر صورت را این گونه بیان می کند: «هر صورتی کمال است و هر کمالی صورت نیست؛ کمالاتی که ذات جداگانه دارند در حقیقت، صورت ماده نیستند و خود آنها نیز در ماده قرار ندارند، زیرا صورتی که در ماده است، منطبق در آن و قائم به آن می باشد» (طاهری، ۱۳۹۳: ۵۷). امام فخر رازی نیز نفس را این گونه تعریف می کند: نفس کمال اول طبیعی است برای جسم آلی که بالقوه قبول حیات کند. (فخرالدین رازی، المباحث المشرقیه، ج ۲، ص ۲۲۳). (طاهری، ۱۳۹۳: ۵۹).

وی نفس را جوهری مستقل می داند که تنها در مقام فعل به بدن محتاج است، لذا نزد وی فساد بدن مانند شکستن کشتی است که هیچ ضرری به ناخدا (نفس) وارد نمی سازد (عامری، ۱۳۸۴: ۱۴۷). پس از مفارقت نفس از بدن، قوه خیال (که مجرد است) قوت یافته و بدن مثالی را به وجود می آورد و این امر عینیت بدن دنیوی و اخروی را مخدوش نمی سازد، چراکه بدن برای انسان در حکم ماده است و ماده نیز به نحو جنسیت و ابهام مد نظر است و لذا بر بدن مثالی نیز عنوان بدن صدق می کند (عامری، ۱۳۸۴: ۱۴۹). ابن سینا با لحاظ استقلالی نفس، راه را بر فیلسوفانی چون دکارت و کانت هموار کرد. در قرن سیزدهم آلبرت کبیر پس از یک تحقیق دامنه دار، از ابن سینا تبعیت کرد و گفت نفس را از دو دیدگاه می توان تعریف کرد: یکی اینکه به طور مستقل لحاظ شود، که در این صورت جوهری مجرد خواهد بود؛ دیگر اینکه در ارتباط با بدن و صورت آن تلقی خواهد شد (اتین ژیلسون، مبانی فلسفه مسیحیت، ترجمه محمد محمدرضایی، سید محمود موسوی، ص ۳۳۳). (طاهری، ۱۳۹۳: ۶۳).

ملاصدرا نیز نخست دیدگاه های مختلف حکمای یونان باستان را از نظر می گذراند. وی نکته دقیقی را مورد توجه قرار می دهد که ناظر بر حرکت جوهری و استکمال حقیقت نفسانی انسانی است. او می گوید تعریف نفس به کمال، تنها حکایت صوری و ظاهری نیست، نفسیت نفس، نحوه وجود خاص آن است و نفس، وجود دیگری غیر از آن ندارد که بر آن اساس نفس نباشد، جز اینکه پس از استکمالات و تحولات ذاتی، بعد از آنکه عقل بالقوه، به صورت عقل فعال درآید (طاهری، ۱۳۹۳: ۶۴). ملاصدرا نفس را جوهری شریف دانسته که با اجسام پستی چون آتش، هوا و خاک تفاوت دارد و از باب نسب و اضافات هم نیست (طاهری، ۱۳۹۳: ۶۶). صدرا المتأهلین می نویسد:

«نفس کمال برای جسم است، ولی نوعی از کمال آن اولی است، و اینکه بدان، نوع بالفعل می گردد، مانند شکل برای شمشیر و صندلی؛ و نوعی از کمال آن دومی است، و آن اینکه نوعیت شی از افعال و انفعالات آن پیروی می کند، مانند بریدن برای شمشیر، و امتیاز دادن و اندیشیدن و احساس و حرکت ارادی برای انسان، و برای اینکه این ها کمال

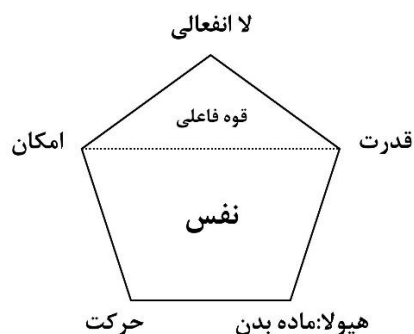
^{۲۸} ارسطو برای توضیح تعریف نفس، مثال «تبر» را ذکر نمود و گفت نفس کمال بدن است؛ همانگونه که «تبر بودن» و «برندگی»، کمال تبر است. روشن است که برندگی یک حالت و هیئت خاصی است که جدای از تبر نیست و این امر بر یگانگی نفس و بدن، یا حداکثر بر عرض بودن آن نسبت به بدن دلالت دارد (طاهری، ۱۳۹۳: ۶۰).

^{۲۹} علامه حلی نیز سخن ابن سینا در ترجیح کمال بر صورت را اینگونه تعلیل می کند: نفس را کمال تعریف کرده اند، نه صورت، بدین سبب که نفس انسان در بدن حلول نکرده و از این رو صورت آن نیست و کمال آن می باشد (علامه حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۱۸۲).

^{۳۰} سبب اینکه فخر رازی، قید آلی را در تعریف لازم می داند، آنست که حیات، بدون آلت در کالبد حیوان و نبات حاصل نمی گردد.

ثانوی(دومین) هستند و نوع، در اینکه نوع بالفعلی باشد نیاز به حصول این امور ندارد، بلکه وقتی برایش مبدأ این اشیا- بالفعل- حاصل شد، این اشیا به قوه قریب- پس از آنکه به قوه بعید بود- برایش هست، بنابراین حیوان، بالفعل حیوان است، اگرچه بالفعل به اراده حرکت نکرده باشد و به چیزی بالفعل احساس برایش واقع نشده باشد، و مهندس، بالفعل مهندس است، اگرچه عمل مساحت و غیر از آن را انجام نداده باشد، و پزشک، بالفعل پزشک است، اگرچه هیچکس را تابحال درمان نکرده باشد؛ پس نفس، کمال اول بودن چیزی برای چیزی، منافی کمال دوم آن بودن برای چیزی دیگر نمی باشد(ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۴/۱ ص ۱۱)».

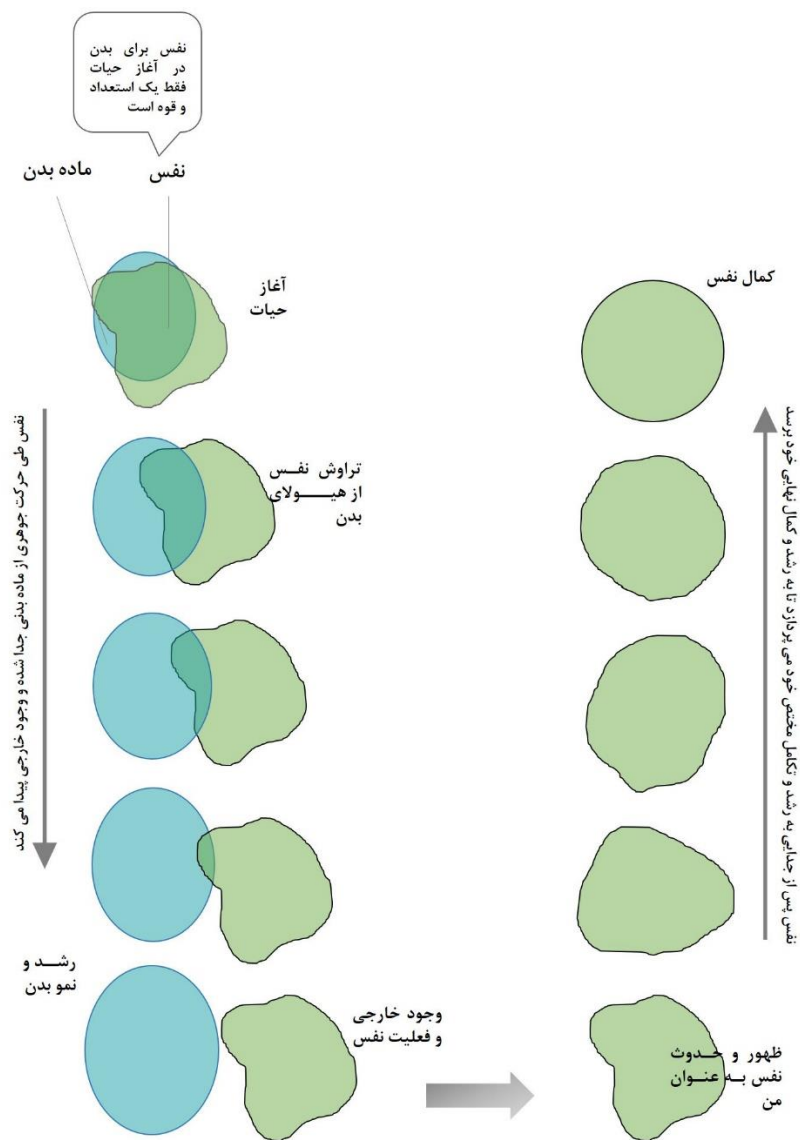
او در تعریف نفس نکته قابل توجهی را را پیش کشیده تا بتواند به تعریف واحدی نائل گردد. او هر قوه ی فاعلی را که منشأ آثار متنوع باشد، «نفس» نامیده و می گوید این لفظ با توجه به حیثیت ذات بسیط چنین قوه ای بر آن نهاده نشده است، بلکه تنها از حیثیتی است که آن قوه، منشأ فعل واقع می شود(ملاصدرا: ۶/۸). لذا ملاصدرا همانند بو علی، نفس را «کمال اول جسم طبیعی آلی» تعریف می کند، اما مفهوم «آلی» را به گونه ای تفسیر می کند که تعریف مورد نظرش، نفوس سه گانه ی نباتی، حیوانی و فلکی را شامل گردد و اشکالات تعریف ابن سینا بر آن وارد نباشد. او «آلت» را برابر با «قوه» گرفته است و قوه ای را که در جسم طبیعی از طریق استخدام قوه ای دیگر، شأنیت انجام فعلی را دارا باشد، «نفس» می خواند. با این بیان نفس فلکی نیز در تعریف مذکور شریک است، زیرا نزد ملاصدرا، نفس فلکی دارای ادراک است. پس نفس فلکی، از قوه ادراک و همینطور از قوه حرکت برخوردار و مشمول این تعریف است(طاهری، ۱۳۹۳: ۶۵). افضل الدین کاشانی درباره نفس می گوید: «نفس صورت جسم طبیعی است که به قوت زنده است و حیات دارد»(افضل الدین مرق کاشانی، مصنفات، ص ۴۰۳) (طاهری، ۱۳۹۳: ۵۹). پس نفس خود قوه ای از نوع فاعلی می باشد، که دارای مبدا و لازمیت، که در ذات خود حرکت دارد.



شکل ۱- مدل نظری نفس از دیدگاه ملاصدرا

پس روشن شد کمال اول برای هر جسم طبیعی که به واسطه آلت فعل انجام می دهد، خاصیتش نفسیت است، بنابر این هر قوه جسم طبیعی که به واسطه در خدمت درآوردن قوه دیگر تحت فرمان خود، فعل انجام می دهد، نزد ما عبارت از نفس است، و این حدّ، یعنی اینکه گوییم: کمال اول برای هر جسم طبیعی آلی(که به واسطه آلت فعل انجام می دهد) جامع و فراگیر تمام نفوس است(ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۴/۱ ص ۱۲).

بر خلاف دیگر صاحب نظران صدرا ابتدا همه آرا را از نظر می گذراند و با ادله کافی نفس را گرفته شده از ماده بدن(هیولا) می داند. وی می نویسد: «نفس از جهت حدوث جسمانی و از حیث بقا روحانی است و نفس حادث با ماده است نه در ماده(ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۴/۱ ص ۳۲۲)».

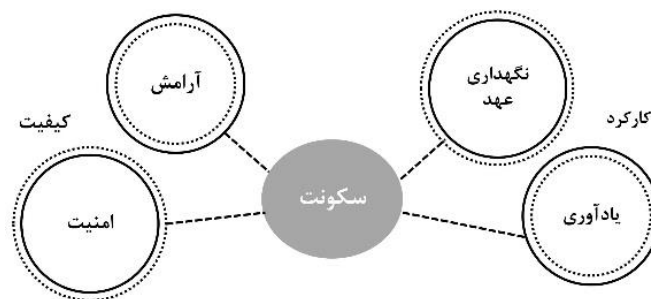


شکل ۲- مدل استکمال نفس از نگاه ملاصدرا

کوپر در این باره می نویسد: «ما همگی از وجود چیزی که آن را "نفس" یا "خود" (self) می نامیم آگاهیم- درکی باطنی و قلبی از هستی ما، روح ما و یکتایی و منحصر به فرد بودن ما - گرچه که برای بیشتر ما این توانایی وجود ندارد تا آن را تعریف یا توصیف نماییم. با این وجود باز هم میل داریم آن را توصیف کنیم» (کوپر، ۱۳۸۸: ۵۷). اولین و آگاهانه ترین صورت انتخابی برای بازنمود "خود" بدن است، چراکه بدن هم به صورت نمود بیرونی و هم نمود درونی "خود" متظاهر می شود (کوپر، ۱۳۸۸: ۵۷).

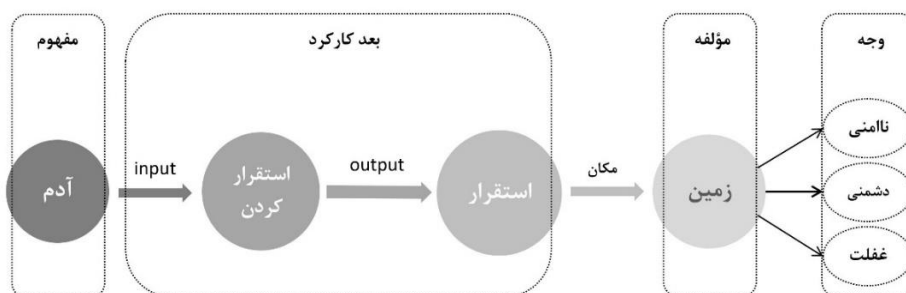
۱-۲- سکونت

مفهوم سکونت در متون مقدس و ادیان ابراهیمی نیز قابل پیگیری است؛ در کتاب عهد عتیق به آفرینش آدم از خاک زمین و استقرار آدم و حوا در باغی از جانب شرقی سرزمین عدن اشاره شده است (Holy Bible. Genesis 2/7,8). خداوند آدم را برد و در باغ گذاشت تا در آن کار کند و از آن محافظت و نگهداری نماید (ibid. 2/15). (طاهری، ۱۳۹۲: ۶). همچنین سکونت آدم و حوا در سه جای قرآن آمده است: ظاهراً پس از سکونت آدمی در جنت و نافرمانی ایشان همگی به قرارگاهی پرمشقت و نا امن برای زندگی، مرگ و خروج از آن هبوط کردند.^۲ خداوند دلیل بیرون شدن آدمی از درون سکونت^۳ را فراموشی عهد و میثاق بندگی با خود ذکر می کند^۴ (طاهری، ۱۳۹۲: ۹).



شکل ۳- کارکرد و کیفیات سکونت مستخرج از متون مقدس

دو لغت متمایز برای حضور آدمی در جنت و زمین آمده است: اول (اُسکُن) سکونت در آرامش و امنیت که مبتنی بر یادآوری و نگهداری عهد بندگی است. دوم، (مُسْتَقَرٌّ) استقرار موقت در زمین که خصلت آن نا امنی، دشمنی و غفلت است (طاهری، ۱۳۹۲: ۹). می توان گفت که ساخت خیمه مثالی در زمین، برای در سرپروراندن یاد و خیال آن سکونت آسمانی و به تعبیری، سکونت خیالی است. در واقع این ذکر و یاد، خصلت بنیادین سکونت و هدف بازآفرینی خیمه است. علاوه بر شواهد از ادیان جهان بر این مدعا، یونگ نیز با تحقیق عمیق در نواحی ناشناخته نفس نشان می دهد صوری که در رویاهای افراد بروز می کند، صور ازلی اند که در تمامی ادیان، حقیقت خود را از آن ها گرفته اند (یونگ، ۱۳۹۰: ۶۵۳). (طاهری، ۱۳۹۲: ۹).



شکل ۴- بررسی سطوح استقرار آدمی در زمین

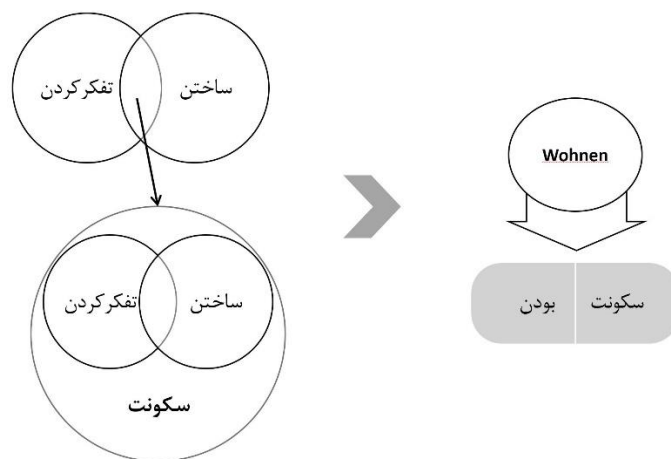
^۱ بقره: ۳۵؛ طه: ۱۱۷ و اعراف: ۱۷۲.

^۲ بقره: ۳۶.

^۳ طه: ۱۱۷.

^۴ طه: ۱۱۵.

تحولات شناختی پایان هزاره دوم و تغییر مفهوم و چگونگی حضور انسان در زمین، منجر به بازاندیشی مسئله و مفهوم عام سکونت در اندیشه و معماری مدرن شد. این تغییر گستره ای از وجوه کیفی در خصوص چگونگی حضور و سکنی گزینی انسان و ساختن محیطی مناسب با آن را پیش کشید (طاهری، ۱۳۹۲: ۶). چنین می نماید که به دلیل غلبه نگاه من فراگیر «من» اندیشیده، بازگشت به عالم انسانی نیز با وجود رهیافت های نوین در نظریه های معماری، همچنان نتوانسته توصیفی جامع از سرشت حقیقی سکونت انسان در زمین ارائه دهد (طاهری، ۱۳۹۲: ۶). در میان فلاسفه این دوران، هایدگر از منظر پدیدارشناسی خاص خود، به مفهوم سکونت روی آورد. او در خطابه ساختن سکنی اندیشیدن^۱ با بررسی معانی سکونت و بودن انسان در زمین، لغت آلمانی "wohnen" و دلالت های مختلف آن چون هستن، بودن در آرامش، سکنی، ماندن، اقامت گزیدن و ساختن را در زبانهای لاتین، بررسی کرد (Heidegger 1971). (طاهری، ۱۳۹۲: ۶). وی به مترادف بودن مفاهیم «سکونت» و «بودن» اشاره می کند و تفکر در پدیده سکونت و مسکن را امری ضروری می داند و می گوید: «تنها زمانی سکونت تحقق خواهد یافت که ساختن و تفکر کنار هم قرار گیرند و بخشی از سکونت شوند» (اخوت، ۱۳۹۰: ۹۷). هایدگر با فراخوان اندیشیدن به این مفهوم، گام بلندی در یادآوری برخی معانی مغفول سکنی گزینی انسان در زمین برداشت. او همچنین شاعرانگی را استعداد بنیادین برای سکنی انسان می دانست (Heidegger 226, 1971).



شکل ۵- مدل نظری سکونت از نگاه هایدگر

باشلار نیز با تاکید بر اهمیت خیال برای انسان، فایده ی خانه را پناهگاه و پشتیبانی برای رویاپردازی و خیال پردازی انسان در آرامش می دانست (Bachelard 6, 1994). (طاهری، ۱۳۹۲: ۷). یونگ هم چنانکه پیشتر گفته شد، از مسیر بررسی رویاها، ناخودآگاه و کهن الگوها به ارتباط درونی سکونت با انسان اشاره کرده است (یونگ ۱۹۸۰). در ادامه مشخص شد که با وجود آنکه وجوهی از مفهوم خیال چون رویا پردازی، شاعرانگی و یادآوری خاطرات گذشته برای سکونت (نفس) شرط لازمند، به هیچ روی کافی نیستند (طاهری، ۱۳۹۲: ۷).

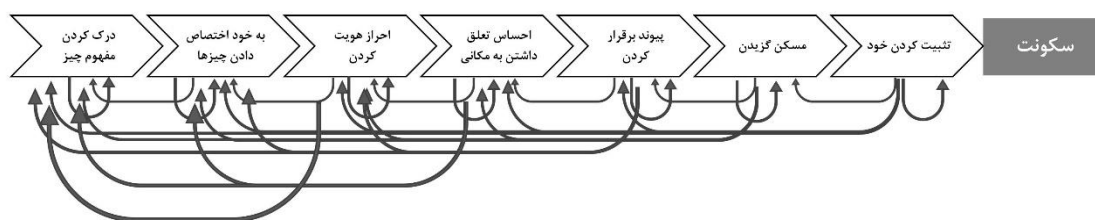
از میان اندیشمندان غرب، شولتز نیز با بررسی دیدگاه ها و خطابه های مختلف از سکونت به تشریح آن در کتاب "مفهوم سکونت" می پردازد. وی چهار شیوه سکونت (شولتز، ۱۳۹۴: ۱۹) را با نامهای سکونت طبیعی، مجتمع، عمومی و خصوصی شرح می دهد؛ که در آن خانه (بنای مسکونی) صحنه اجرای نقش سکونت خصوصی است (شولتز، ۱۳۹۴).

^۱ مقاله "Bauen Wohnen Denken" متن سخنرانی هایدگر در همایشی با موضوع «انسان و فضا» به سال ۱۹۵۱ میلادی است.

۱۹). وی این مفهوم را به صورت عام از حضور آبادی ها تا حضور آدمی در سرپناهی که خاطرات تشکیل دهنده جهان خصوصی آدمی را در خود جمع می کند، پرداخته است. وی به تبعیت از هایدگر سکونت را پیوندی پر معنا بین انسان و جهانی متشکل از چیزها می داند؛ وی این پیوند را ناشی از تلاش برای هویت یافتن و به مکانی احساس تعلق داشتن، معرفی می کند. انسان زمانی بر خود وقوف می یابد که مسکن گزیده و در نتیجه، هستی خود را در جهان تثبیت کرده باشد (شولتز، ۱۳۹۴: ۱۷). در پی کشف احراز هویت نخستین گام، درک مفهوم "چیز" در جهان است (شولتز، ۱۳۹۴: ۱۷). وی تصور کلی هایدگر را از چیز به مسئله سکونت چنین بیان می دارد:

«سکنی گزیدن در اصل عبارتست از جهانی از چیزها را به خود اختصاص دادن، امری که نه با تصورات مادی بلکه در قالب بنیه ای در خدمت تعبیر معنا و مقصود گرد آمده توسط چیزها روی می دهد. به قول هایدگر «چیزها» در معیت یک جهان به دیدار ما ناسوتیان می شتابند و زمانی که بر پیام آنها وقوف می یابیم به تحصیل جای پای هستی که همانا سکونت باشد توفیق یافته ایم» (شولتز، ۱۳۹۴: ۲۵).

در سخن هایدگر سکنانگیزی، به معنای چیزی بیش از اقدامی عقلانی و سودگرایانه است. مشارکت خلاقانه انسان در حوادث هستی است و به موجب آن، مردم، بودن خود را در جهان تأیید و تصریح می کنند (کشفی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۲). سکنانگیزی به منزله «خصلت اصلی بودن» بیانگر اشتیاق انسان به تعلق به محیط است؛ اینکه در یک مکان، حس راحتی و الفت کنیم. همان گونه که هایدگر نیز می گوید: هستی انسان بی چون و چرا و به طور انکارناپذیری، فضایی و محیطی و معمارانه است و از این رو از حس مکان، تفکیک شدنی نیست (کشفی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۲).



شکل ۶- مدل نظری خرده کارکردهای سکونت از نگاه شولتز و هایدگر

جدول ۱- وجود مؤلفه‌های مختلف در هر یک از ابعاد مفهوم سکونت

مؤلفه بعد	عامل	فاعل	منبع	کمیت	کیفیت	زمان	مکان	وسیله	روش
معنایی	+	+	+	-	+	-	+	+	+
روایی	+	+	+	+	+	-	+	+	+
نمادی	-	+	-	-	-	+	+	+	+
کارکرد	+	+	-	-	+	-	+	+	+
فرهنگی	+	-	-	-	+	-	-	+	+

۱-۲-۱- خيال

واژه خيال، که در زبان عربی با فتح حرف اول و در فارسی با کسر تلفظ می‌شود، دارای معانی و معادل‌هایی گوناگون است: گمان وهم، خواب و رویا وهم و امور موهومی و حتی پارچه‌ای که در میان مزارع و باغستان‌ها برای پیشگیری از مزاحمت پرندگان بر سر چوبی نصب می‌شده است، همگی معادل‌هایی است که با تسامح برای واژه خيال به کار می‌رود یا رفته است (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۰: ۱۲). این واژه عربی از ریشه خیل است. خیل به معنی گروه اسبان است و از لفظ خود مفرد ندارد (خلیل جر، فرهنگ لاروس، ج ۱، ص ۹۴۸) و به مجاز به معنای سواران هم استعمال می‌شود (قریشی، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۳۲۰). خیل بر وزن علم و فلس به معنای گمان است (برقی، ۱۳۹۵: ۴۰). همچنین خيال بر وزن فعال، پندار و صورتی است که در خواب دیده شود یا در بیداری تخیل شود. تصویر در آینه را نیز خيال گویند. در بیشتر کتابهای لغت، معنای تکبر نیز ذکر شده است. به ابر بی باران هم خيال می‌گویند، چون گمان می‌رود که باران دارد (لسان العرب، ج ۱۱، ص ۲۲۶-۲۳۲) (برقی، ۱۳۹۵: ۴۰).

خیال در ادبیات، روانشناسی و هنر کاربرد گسترده‌ای دارد و این علوم معانی و اقسام گوناگونی برای آن بیان شده است. در فلسفه و عرفان نیز خيال به معانی متعددی استعمال شده است، که رایج‌ترین آنها عبارت است از:

- امور واهی و عبث و باطل که ابتلای به آن نوعی مرض و وسواس است. در عرف بیشتر این معنا متداول است.
- قوه خيال، یکی از قوای باطنی انسان که حافظ صورت‌هایی است که حس مشترک از حواس گرفته است. بعد از پنهان و فاسد شدن محسوسات نیز آن صور در این قوه محفوظ می‌مانند.
- عالم خيال و مثال منفصل، در اشراق و حکمت متعالیه به عنوان مرتبه‌ای از مراتب وجود در عالم هستی مطرح است، که نقش رابط و واسطه میان عالم عقل و حس را ایفا می‌کند. این عالم در عرفان ابن عربی یکی از حضرات پنجگانه است.
- خيال مطلق یا عما، تمام عالم نزد ابن عربی خيال است. مقصود از عالم فضای وسیعی است که سه حضرت را شامل می‌شود و حقایق وجودی در آن به صورت رمز نمایان می‌شوند و آن صور رمزی نیز تغیر و تبدل می‌یابند. از این رو، همه اموری که در حس و عقل به صور گوناگون ظاهر می‌شوند و برای معرفت حقایقشان تأویل و تبدیل لازم است، خيال می‌باشد (برقی، ۱۳۹۵: ۴۲).

خیال از جمله مفاهیم عام و گسترده‌ای است که در سه حوزه معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی مورد بحث قرار گرفته است؛ گفته می‌شود هر تعریفی از خيال که به عنوان یک نیروی درونی انسانی مطرح می‌شود، دقیقاً در تعریف جهان مثال به عنوان یکی از مراتب وجود نیز باید تکرار شود. همان‌طور که انسان دارای عقلی مجرد و شفاف و ماده‌ای محدود و کدر است، جهان نیز دارای عالمی مجرد، بی‌منتها و نواری و مستوایی کدر، ظلمانی و مرزدار به نام عالم طبیعت است. در میانه این دو جهان، جهانی به تصویر کشیده می‌شود که مانند قوه خيال که نیروی درونی و باطنی در انسان است، از نظر جوهر مجرد، اما از نظر عمل و فعل، صورت‌پذیر و جهان‌مقدار بدون ماده است (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۰: ۲۲).

^۱ ريسمان و عصاهايشان بر اثر سحرشان چنان به نظر می‌رسد که به شتاب حرکت می‌کنند. طه، آیه ۶۶.

قوه خیال، یکی از قوای باطنی انسان است که حافظ صورت‌هایست که حس مشترک^۱ از حواس گرفته است و بعد از پنهان و فاسد شدن محسوسات نیز آن صور، در این قوه محفوظ می‌مانند. در تعریف خیال به عنوان قوه‌ای از قوا اختلاف نظر وجود ندارد؛ اما خیال همچنین مرتبه‌ای از وجود و علم نفس است که بین روح یا عقل و بدن قرار گرفته است و مثل را به شکل صور محسوسه ادراک می‌کند (پروین پیروانی، ۱۳۸۱، ص ۸۸).

نیروی خیال در انسان شناسی، قوه‌ای مدرکه و در واقع حافظه صور جزئی^۲ و قوه‌ای است جوهری، اما صورت پذیر که به آن مصوره نیز می‌گویند (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۰: ۲۴). خیال در معنای کمی وسیع تری، به قلمروی نفس اطلاق می‌شود، یعنی به مرتبه‌ای از وجود و ادراک، که بین روح و بدن قرار گرفته است. (چیتیک، ۱۳۸۵: ۸۹). ابن سینا می‌نویسد قوه خیال یا مصوره قوه‌ایست که تمامی صوری را که حس مشترک دریافت نموده حتی پس از غایب شدن صورت محسوس حفظ می‌کند. وی اولین کسی بود که تمایز بین خیال و متخله قائل شد (بلخاری قهی، ۱۳۸۷: ۷)

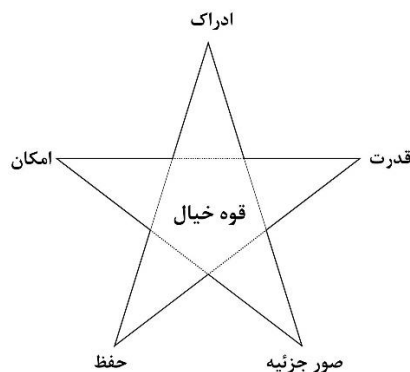
ابن عربی شهود زیر بنایی توحید یعنی اینکه همه اوصاف حقیقی چیزی جز تجلیات وجود نیستند را به **انحالی** گوناگون تعبیر می‌نماید، از جمله اینکه کل عالم «خیال» است. جهان و هرچه در آن است بین وجود محض، و عدم صرف، معلق‌اند، هم خدایند و هم غیر خدا (چیتیک، ۱۳۸۵: ۸۹). صور خیالی، هر چند از معرفتی **فاقد صورت** سرچشمه می‌گیرند، ولی، به صورت حسی، ادراک می‌شوند و یا، چنان که وی غالباً بیان می‌کند، معانی‌ای را متجلی می‌سازند که حقایقی فرا حسی هستند (چیتیک، ۱۳۸۵: ۸۹). برای خیال می‌توان سه مرتبه لحاظ کرد. اول، خود عالم هستی، دوم، عالمی واسطه در دل عالم کبیر، سوم، عالمی واسطه در دل عالم صغیر ویژگی بارز خیال، تضاد ذاتی آن است. خیال را در هر مرتبه که لحاظ کنیم، یک برزخ است که بین دو حقیقت یا دو عالم دیگر قرار دارد و لازم است که آن را با در نظر گرفتن این دو تعریف کنیم. لذا در توصیف یک صورت خیالی، هم تجربه ذهنی را باید در نظر گرفت. و هم واقعیت عینی را (چیتیک، ۱۳۸۵: ۱۱۳). بنابراین، ابن عربی آنجا که عالم را «خیال» می‌نامد، نظرش به منزلت متضاد هرآن چیزی است که غیر خداست، و نیز این واقعیت را در نظر دارد که عالم خدا را نشان می‌دهد، درست همان طور که تصویر آئینه حقیقت شخصی را نشان می‌دهد که به آئینه می‌نگرد. خیال در معنایی دوم، عالمی است که بین دو عالم اصلی که خدا خلق کرده، یعنی بین عالم روحانی و عالم جسمانی، قرار دارد. این دو عالم، با توجه به صفات متضادشان، ضد یکدیگرند؛ منظور صفاتی است چون نورانی و ظلمانی، نامرئی و مرئی، باطن و ظاهر، غیرمتجلی و متجلی، عالی و دانی، و لطیف و کثیف. در هر کدام از موارد، خیال برزخی است بین دو طرف که اوصاف هر دو را واجد است. لذا «عالم خیال» کبیر را باید «نه این / نه آن» یا هم این هم آن» توصیف کرد. نه نورانی است نه ظلمانی، یا هم نورانی است و هم ظلمانی. به عبارت دیگر، نسبت به اجسام، نورانی و نامرئی، ولی نسبت به ارواح، ظلمانی و مرئی است (چیتیک، ۱۳۸۵: ۱۱۴)

از دیدگاه صدرا «خیال» قوه‌ای است جوهری و باطنی که عالمی جدای از عالم عقل (عالم مجردات) و عالم طبیعت (مادیات) دارد و در عین حال مجرد از آن است (بلخاری قهی، ۱۳۹۰: ۳۲۶). وی جای دیگر گوید: قوه خیال که آسمان به این عظمت را

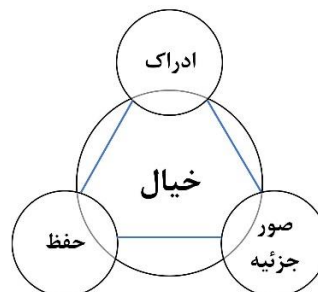
^۱ حس مشترک عبارت است از قوه‌ی مدرکه باطنی که صور جزئی را درک می‌کند؛ بنابراین، حس مشترک، قوه‌ایست که همه صور محسوسات ظاهری در آن جمع می‌شوند؛ و خیال خزانه دار آن است (کرجی، ۱۳۹۲: ۱۱۳).

^۲ منظور صورت‌هایی است که از طریق حواس پنجگانه دریافت می‌شوند.

هنگام تخیل در خود می بیند جسمانی نیست، و مانند روح از جسم بی نیاز می باشد، و پس از مرگ به همراه روح وجود دارد (حلبی، ۱۳۷۳: ۴۹۷).



شکل ۸- مدل نظری اجزای قوه خیال از دیدگاه ملاصدرا



شکل ۷- مدل نظری اجزای خیال از نگاه صدر المتأهلین

تعریف خیال در روانشناسی نیز چنین آمده است: «هرگاه اشیاء با حواس مواجه باشند، صورتی که از آن‌ها در ذهن پیدا می‌شود احساس یا ادراک حسی نامیده می‌شود. و هرگاه صورت‌های ذهنی بدون مواجه شدن با اشیاء، در ذهن پیدا شوند آن‌ها را خیال یا تصور جزئی می‌نامند (ثروتیان، ۱۳۸۳: ۵۲)».

در حوزه آفرینش هنر، هابز می‌گوید تخیل هنگامی که به وسیله سنجش مهار گردد و هدایت شود، ابزار نیرومند و مناسبی است برای انگیختن و تحت تأثیر قرار دادن ذهن و قلب انسان‌ها (برت، ۱۳۸۳: ۱۲). وردزورث می‌گوید: خیال، به همان گونه که فعال است، از قوانین خاص خود نیز پیروی می‌کند و در درونی وجود خویشی استعدادی خلاق است. این که خیال به چه شیوه ای با بلندپروازی در صدد رقابت با تخیل برمی‌آید، و تخیل فروتنانه به تعامل با مواد خیال می‌پردازد (برت، ۱۳۸۳: ۷۲).

آنچه را که باشلار خیال می‌خواند، مرموزترین قوه‌ای است که هم قوه‌ای روانی و هم نیرویی کیهانی است. وی بین دو شکل از خیال تمایز قائل شد، خیال صوری و خیال مادی، و نکته اصلی این بود که باشلار هر دوی این خیال‌ها را هم در ذهن و هم در طبیعت، در کار می‌دید. در طبیعت خیال صوری خالق همه زیبایی‌های غیرضروری است، مثل گلها؛ در مقابل، خیال مادی در پی خلق آن چیزی است که هم اولیه است و هم ازلی. در ذهن خیال صوری مشتاق تازگی، تنوع و نا منتظرگی حوادث است، در حالی که خیال مادی را عناصر پایدار موجود در اشیاء جذب می‌کند. خیال مادی در ما، همچون طبیعت، آفریننده مواد است. اما این مواد محل صورتی‌اند که عمیقاً با جوهر امتزاج دارد (باشلار، ۱۳۸۸: ۱۵). وی می‌نویسد قوه تخیل طبیعی ترین قوه است. زیرا در فراقی مجموعه در هم تنیده‌ای از تخیلات و تفکرات بهره‌مند از حقیقت وجود دارد (باشلار، ۱۳۸۸: ۳۸) و خیال‌ها فاقد ثباتند (باشلار، ۱۳۸۸: ۴۲).

۱-۲-۲- قوه

در فرهنگ معین، قوه یا قوت در لغت به معنای زور، طاقت و نیروست، در برابر ضعف و سستی. قوه به یک معنا شدت و فرونی قدرت است؛ قدرت ملکه ای نفسانی است که با توجه به خواست یا اکراه حیوان، انجام یا ترک فعل را برایش امکان پذیر می‌کند و عجز، مقابل آن است. از این رو، انفعال پذیری که لازمه قدرت است نیز در معنای قوه می‌گنجد. و قوه بر معنایی دلالت دارد که سبب می‌گردد شی به آسانی دست خوش انفعال نشود. بعدها فیلسوفان، آن را

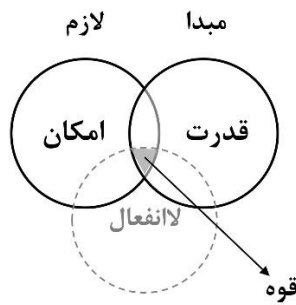
در دو معنای قدرت و صلابت به کار برده اند (طاهری، ۱۳۹۳: ۱۵۹). لفظ قوه-به اشتراک اسمی- بر معنای فراوانی گفته می شود، ولی شبیه به این است که نخست موضوع، برای معنایی باشد که در حیوان است و بدان تواند که محل صدور افعال سختی که از باب حرکات است و وجود اکثری نیست باشد، و ضد آن ضعف نامیده می شود، و گویی که آن در معنایی که عبارت از قدرت است، زیادت و شدت می باشد (ملاصدرا، ۱۳۷۸: ۳).

قوه به معنای مبدأ دگرگونی در یک چیز دیگری است، از آن جهت که دیگر است. و مبدأ دگرگونی، یا در منفعل است که به آن قوه انفعالیه گویند، یا در فاعل است که قوه فعلیه نامیده می شود. قوه به معنای چیزی است که به وسیله آن، از چیزی، فعلی یا انفعالی ممکن می شود. و نیز به معنای چیزی است که به وسیله آن چیزی مقوم چیز دیگر می شود. و نیز قوه به معنای چیزی است که به وسیله آن، ثابت و نامتغیر می شود. زیرا تغییرپذیری، لازمه ضعف است (ابن سینا، ۱۳۷۷: ۷۱). و قوه منفعل، گاهی محدود است به یک چیز، مانند قوه آب نسبت به پذیرفتن شکل، که فقط قوه پذیرش شکل را دارد و نه قوه نگهداری آن را. اما موم، هر دو قوه را با هم دارد. و در هیولای نخستین، قوه پذیرفتن همه چیز است. اما هیولی، همه صورتهای بی واسطه نمی پذیرد، بلکه با پذیرفتن یک صورت، آماده پذیرفتن صورتی دیگر می شود. و گاهی ممکن است یک چیز نسبت به دو حالت متضاد قوه انفعال داشته باشد. چنانکه در موم، قوه گرم شدن و سرد شدن، هر دو است. و قوه فاعل، گاهی محدود به یک چیز است، مانند آنکه آتش فقط قوه سوزاندن دارد. و گاهی فاعل نسبت به چیزهای بیشتری قوه دارد، مانند فاعل های مختار. و گاهی در یک چیز قوه تاثیر بر همه چیز هست، اما نه مستقیماً، بلکه با تاثیر در یک چیز، زمینه تاثیر در چیز دیگر را فراهم می آورد (ابن سینا، ۱۳۷۷: ۷۱). مصباح یزدی می نویسد: منظور از قوه، مرتبه ای از مراتب نفس است که می تواند به علت تنزل از مرتبه اصلی نفس منشأ صدور افعال نازل نفس شود (پهلوانیان، ۱۳۹۲: ۸۷).

به گفته ابن سینا هر جسمی که از آن اثری صادر شود و آن اثر، عارض و قسری نبوده باشد، این اثر، ناشی از قوه ای است که در آن جسم است. این موضوع در مورد فاعل های مختار آشکار است. و اما در مورد فاعل هایی که فعلشان با اختیار و ارادشان نیست [باز هم فعل آنها نتیجه قوه ای است در آنها] (ابن سینا، ۱۳۷۷: ۷۳).

قوه در معنی دیگری، دارای مبدأ و لازمی است، که مبدأ: همان قدرت است، و آن، حیوان زنده است، که اگرخواست فعلی را انجام می دهد و اگر نخواست نمی دهد؛ و لازم آن، این است که شی به راحتی منفعل نشود (انفعال نپذیرد)، زیرا کسی که عهده دار کارهای سخت و حرکات دشوار است، بر اثر انفعال، وی از انجام فعلش باز می ایستد، لذا «لا انفعال» دلیل بر شدت و سختی می باشد؛ در این معنی قوه مقابل عجز و ناتوانی است (ملاصدرا، ۱۳۷۸: ۳). پس به این مبدأ که قدرت است و به لازمی که لانفعال است قوه می گویند. ملاصدرا در توضیح این سخن می نویسد: قوه نسبت به آن وصف است مانند جنس نسبت به آن، و برای آن لازم است، اما آنکه مانند جنس است، صفت موثر در غیر از آن است، اما لازم عبارت از امکان است، چون قادر جایز به انجام دادن یا ندادن فعل است، صدور فعل از جانب او در محل امکان و مقام جایز بودن است، پس امکان، لازم آن است. پس به این جنس (هر صفت موثر در غیر)، و به این لازم و به آن امکان نام قوه را داده اند (ملاصدرا، ۱۳۷۸: ۴).

چنانکه بر می آید، قوه در این تعریف دارای مبدأ و لازمی است که مبدأ آن قدرت و لازم آن امکان است. چنانچه امکان حاصل نشود قوه از قوت خود خارج می شود، همچنین اگر انفعال بر آن وارد شود، ممکن است باز قوه از انجام فعلش (که به واسطه انجام آن قوه است) باز ایستد؛ لذا لا انفعالی بپاید به عنوان کیفیت، ذاتی این مبدأ و لازم باشد تا قوه به قوت خود باقی ماند.



شکل ۹- مدل نظری قوه از نگاه صدرالمتهالین

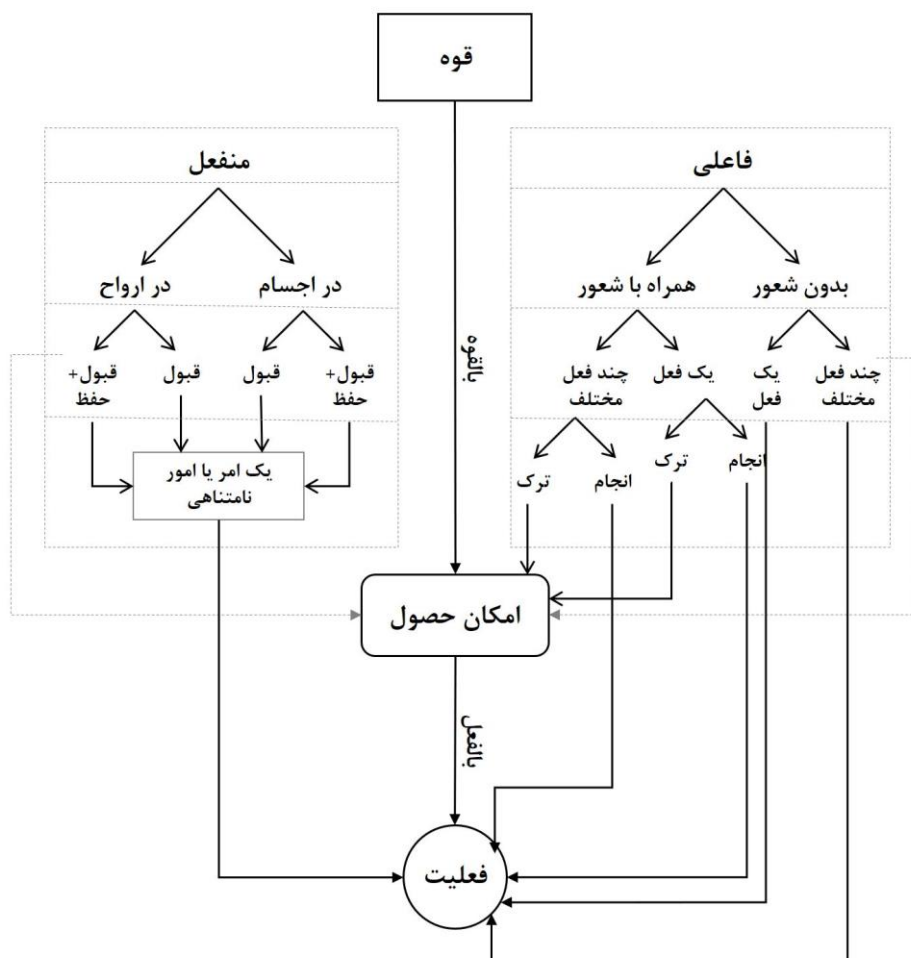
ملاصدرا می گوید که فیلسوفان گاهی به قوه معنای جنسی داده اند؛ به این معنا هرگونه صفت یا حالت موثر در غیر، از آن رو که موثر در غیر است، قوه خوانده می شود و جوهر یا عرض^۱ بودن آن و همچنین، دارا یا فاقد اراده بودن آن به این معنا آسیبی نمی رساند. با این بیان آنها اموری چون حرارت، طبیعت جوهری و نفس را قوه می دانند (طاهری، ۱۳۹۳: ۱۵۹). امام فخر رازی نیز با تکیه بر سخن ابن سینا با بیانی شبیه آن چه از ملاصدرا گذشت، معنای عام قوه را شامل جوهر و عرض، هردو می داند (طاهری، ۱۳۹۳: ۱۶۰). فخر رازی، المباحث المشرقیه، ج ۱، ص ۳۱۵

اقسام قوه، با توجه به مبدئیت آن برای فعل واحد یا افعال مختلف و نیز با توجه به مبدئیت ارادی یا قسری آن برای فعل، در چهار قسم حاصل می گردد: نخست آن است که سبب فعل واحد و غیر ارادی می شود که به نوبه خود بر دو بخش تقسیم می شود: یکی جوهر است، مانند طبیعت در اجسام بسیط و صورت در اجسام مرکب و دیگری عرض، مانند حرارت و برودت. قسم دوم، آن است که سبب افعال مختلف و غیر ارادی می گردد و آن را قوه نباتی گویند. و قسم سوم، آن است که سبب فعل واحد با نسبتی واحد می باشد و از فعل خود آگاهی دارد. این قسم نفس فلکی خوانده می شود. قسم آخر قوه ای است که آگاهانه منشأ صدور افعال مختلف می گردد و آن را قوه نفسانی ارضی، شامل نفوس انسان و حیوان می دانند (طاهری، ۱۳۹۳: ۱۶۰).

قوه و نیروی فاعل گاهی با شعور و اراده همراه است و گاهی نیست، و هر یک تقسیم به اقسامی چند می شوند، و قوه منفعل نیز گاهی در اجسام است و گاهی در ارواح، و هر یک از آن دو گاهی آماده سازند به گونه قبول نه حفظ، مانند آب که شکل می پذیرد ولی حفظ و امساک را نمی پذیرد، و گاهی بر آن دو، قوه اند، مانند شمع و مانند زمین (ملاصدرا، ۱۳۷۸: ۶). و گاهی قوه و نیروی شئی منفعل بر یک امر، مانند قوه فلک است بر حرکت وضعی و یا امور محدود-مانند قوه حیوان- و یا امور نامتناهی و بلکه تمام امور-مانند قوه هیولای نخستین- و همین طور قوه و نیروی فاعل جایز است که محدود بر یک امر باشد و گاهی نیز بر امور بسیار محدود باشد، مانند قوه صاحبان اختیار بر آنچه را اختیار می کنند، و گاهی هم بر تمام امور است، مانند قوه الهی که بر هر چیزی قادر و توانا است (ملاصدرا، ۱۳۷۸: ۶). شئی هر چه تحصیلش شدید تر باشد، فعلش بیشتر و انفعالش کمتر است؛ و تحصیلش ضعیف تر باشد انفعالش بیشتر و فعلش کمتر است (ملاصدرا، ۱۳۷۸: ۶). آنچه که مبدأ امکان و جواز فعل و ترک آن-باهم- است جایز

^۱ «جوهر» ماهیتی است که اگر بخواهد در خارج وجود پیدا کند، تحقق و وجودش در موضوعی که بی نیاز از آن ماهیت باشد، نخواهد بود؛ و «عرض» ماهیتی است که اگر بخواهد در خارج وجود پیدا کند، وجودش در موضوعی خواهد بود که آن موضوع، از آن ماهیت بی نیاز است (نهایه الحکمه، ص ۹۰). (کرجی، ۱۳۹۲: ۹۷).

نیست. پس مبدأ قوه و قدرت بر جواز و امکان چیزی، و مبدأ فعل و وجود بر قطع و وجوب، چیز دیگر است (ملاصدرا، ۱۳۷۸: ۹).



شکل ۱۰- مدل نظری انواع قوه تا حصول فعل از نگاه صدرالمتهلین

۱-۳-۳- ضمائم فضای خلوت در مسکن

۱-۳-۳-۱- خلوت

محققان با تمرکز بر نیازهای فضایی انسان در محیط زندگی، موارد متعددی را مهم دانسته‌اند که خلوت و خوانایی آن از جمله آنهاست و این نیازها جز با عرصه بندی محیط زندگی قابل تأمین نیستند (عینی‌فر و آقا لطفی، ۱۳۹۰: ۱۹). ما روزانه در تعاملاتمان در خانه گاهی می‌خواهیم که از دیگران جدا باشیم و گاهی می‌خواهیم که با دیگران پیوند داشته باشیم. تأمین خلوت، فرآیندی است که طی آن بین داشتن و نداشتن ارتباط با دیگران تعادل ایجاد می‌کنیم. در علوم رفتاری خلوت فرآیند تنظیم رابطه میان افراد است که به واسطه آن بر تعامل خود با دیگران کنترل داریم (آلتمن، ۱۳۸۲: ۲۵۴). در واقع، منظور از خلوت، امکان کنترل و در دست داشتن اختیار ما برای تنظیم میزان و نوع روابطمان با دیگران می‌باشد. بر این اساس خلوت، دامنه‌ای بهینه در طیف انزوا تا ازدحام^۱ است، چراکه خلوت بیش از اندازه، به انزوا و خلوت کمتر از حد مطلوب به احساس ازدحام می‌انجامد (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۳: ۲۳۸).

^۱ ازدحام وضعیتی اجتماعی است که پیامد ناکارایی ساز و کارهای خلوت است (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۳: ۲۶۱).

خلوت و خلوت‌گزینی تنها دور کردن دیگران از خود نیست؛ بلکه فرآیندی است که طی آن بر اساس کنترلی که بر روابط خود اعمال می‌کنیم، ارتباط با دیگران را به حد دلخواه محدود کرده یا گسترش می‌دهیم. از این روست که ممکن است در تنهایی یا در جمع سایرین، احساس خلوت مطلوب (یعنی امکان کنترل بر شرایط پیرامون نسبت به خود) را داشته باشیم. در واقع، از طریق خلوت تعیین می‌کنیم که با چه کسانی تعامل برقرار کنیم و چگونه و چه وقت این تعاملات انجام شود. بنابراین، بحث خلوت دربردارنده چند مفهوم اساسی است: کنترل، نظارت و تعادل (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۳: ۲۳۸). آلتمن می‌نویسد «خلوت» فرآیندی قراردادی است که فرد یا گروه بر پایه آن خود را در برخورد با دیگران قرار می‌دهد. منظور از قراردادی بودن فرآیند خلوت این است که خلوت مفهومی ذهنی و اکتسابی است. از این رو شکی نیست که جوامع مختلف از لحاظ میزان نیاز به خلوت بسیار متفاوتند و بنابراین برپایه قراردادهایی بین افرادی که کمابیش دارای فرهنگ مشابهی می‌باشند، شکل می‌گیرد (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۳: ۲۳۷). در تعاریف مربوط به خلوت یک ویژگی مشترک وجود دارد. نکته اصلی این تعاریف، توانایی کنترل افراد یا گروه‌ها بر تعامل دیداری، شنیداری و بویایی با دیگران است (لنگ، ۱۳۹۱: ۱۶۵).

جدول ۲- تعاریف خلوت در علوم رفتاری

نظریه پرداز	سال نشر	تعریف از خلوت
اسوارتس		چیزی غیر از گوشه‌گیری از جمع و تمایل به انزوا
فرگاس	۱۹۴۷	مفهوم نسبتاً پیچیده؛ به کارگیری در چهار معنای متفاوت: آزادی در انتخاب انزوا، آزادی در داشتن صمیمیتی بدون مزاحمت بین خود و افراد منتخب، آزادی برای بی‌نام ماندن در بین دیگران و آزادی برای محفوظ بودن از طریق مضایقه اطلاعات درباره خود
زیمل	۱۹۵۰	کنترل محرک‌های دریافت از دیگران، میزان اطلاعات و فاصله افراد از یکدیگر
چاپین	۱۹۵۱	ارزش تنها ماندن و آسودگی از فشار حضور دیگران
بیتس	۱۹۶۴	«... نتیجه احساس فرد که دیگران باید از آنچه برای او مهم است جدا و دور باشند و در ضمن اذعان به اینکه دیگران نیز حقی از آن چیز دارند ...»
ژورار	۱۹۶۶	«... نتیجه تمایل فرد به پنهان نگاه داشتن تجربیات گذشته و زمان حال خود و اهدافش برای آینده ... تمایل به معما بودن برای دیگران یا حالتی که بیشتر معمول است، تمایل به کنترل نظر و باور دیگران در مورد خود ...» و رهایی از مداخله دیگران...
شیلز	۱۹۶۶	نظارت بر انتقال اطلاعات از فرد به فرد، فرد به گروه، گروه به گروه یا گروه به فرد
شوارتز	۱۹۶۸	ابزاری برای جلوگیری از تجاوز و انتخاب آزادانه برای تعیین مرزهای پیرامون
وستین	۱۹۷۰	حق تصمیم‌گیری فرد در مورد اینکه چه نکاتی درباره شخصیتش و تحت چه شرایطی بهتر است به دیگران منتقل شود
میلگرام	۱۹۷۰	وسیله‌ای برای اجتناب از تحریک بیش از حد...
ایتلسون، پروشانسکی، ریولین،	۱۹۷۰	رسیدن و آزادی انتخاب و تعیین اهداف لازم برای نظارت بر اینکه در مورد خود چه اطلاعاتی را انتقال دهیم.
راپاپورت	۱۹۷۲	«... توانایی نظارت بر تعامل، در اختیار داشتن حق انتخاب و تمهیدات و سازوکارهای لازم برای جلوگیری از تعامل ناخواسته و دستیابی به رابطه مطلوب ...»
بکر	۱۹۷۸	خلوت به محدوده‌ای از محیط طبیعی یا مصنوع که به عنوان قلمرو تعیین شده باشد گفته می‌شود.

آلتمن	۲۰۰۱	دوری و نزدیکی فرد به دیگران و آزادی انتخاب در مورد رابطه با دیگران. نظام نظارت بر مرزها.
-------	------	--

آلتمن برای خلوت سه کارکرد را به شرح زیر بیان می کند:

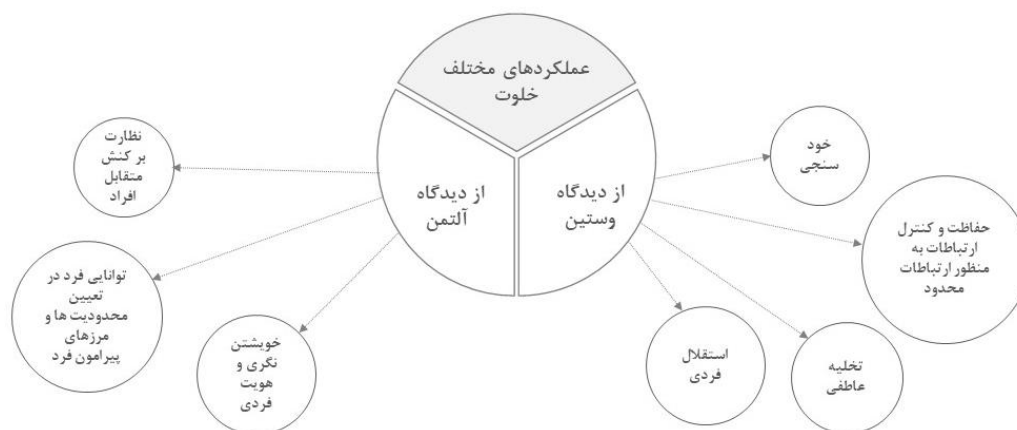
۱. کارکردهای میان فردی: این کارکرد بیشتر در خدمت تأمین هدف اساسی خلوت یعنی هویت فردی است. هویت فردی تا اندازه ای متکی است بر توانایی فرد در تعیین و تعریف محدودیتها و مرزهای پیرامون خود. توانایی یا شکست در نظارت بر مرز میان خود و دیگری از عوامل مهم رسیدن به هویت فردی است.
۲. کنش متقابل فرد با دیگران: این مقوله در تعیین راهبردها و برنامه های فرد برای رابطه با دیگران و همین طور ارزیابی فرد در مناسبت با دیگران نقشی قابل توجه و مهم دارد. یکی از نمونه های کنش متقابل فرد با دیگران در ارتباط های حرفه ای افراد متجلی می شود. مقامات بالا غالباً این حق را دارند که به خلوت دیگران تجاوز کنند، اما عکس این امر صادق نیست. سازوکارهای خلوت نه تنها به فرد کمک می کند بر کنش متقابل خود با دیگران نظارت داشته باشد، بلکه باعث گسترش روابط با دیگران و طرح برنامه و نقشه در ارتباط با دیگران می شود.
۳. هویت فردی: این کارکرد خلوت ریشه ای عمیق در نهاد فرد دارد و دست کم دو جنبه دارد: خویشتن نگری و هویت فردی. خویشتن نگری مستلزم فرصتی است که افراد یا گروه ها به خود نگاهی بیندازند و خود را توصیف و ارزیابی کنند و این کار معمولاً در حضور غیر انجام نمی گیرد. خویشتن نگری قدمی است به سوی خود ارزشی و هویت فردی. (نمودار شماره ۲) (ارژمند و خانی، ۱۳۹۱: ۳۱).



شکل ۱۲- کارکردهای خلوت و سازوکارهای نظارت بر خلوت (مأخذ: آلتمن)

وستین چهار مقصد را که با خلوت تأمین می شوند، تشخیص داده است. او می نویسد: «خلوت، استقلال فردی را تأمین می کند، هیجانات را تخفیف می دهد، به خود ارزیابی کمک می کند، و ارتباطات را محدود و از آن محافظت می کند». بنابراین، خلوت از جهت رابطه بین فرد و گروه و مابقی جامعه قابل اهمیت است (لنگ، ۱۳۹۱: ۱۶۶). بر این اساس، خلوت گزینی به ما اجازه می دهد در زندگی خود حس کنترل، خودمختاری و تشخیص بیشتری داشته باشیم (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۳: ۲۳۹). بنابراین، این فرآیند نه تنها می تواند سودمند باشد، بلکه به دلیل تأثیراتی که بر ما می گذارد و شرایطی که فراهم می کند ضروری نیز می باشد.

^۱ هویت فردی عبارت است از درک روانی و عاطفی فرد یا گروه از خود و نیز درک این که کدام یک از جنبه های دنیای مادی، بخشی از خود اوست و کدام یک بخشی از دیگران. هویت فردی، درک فرد است از توانایی ها، محدودیت ها، ضعف ها، احساس ها، عواطف و باورهای خود این درک و به فرد کمک می کند تا خود را ارزیابی نماید که آیا به حال خود و دیگران مفید است یا خیر (آلتمن، ۱۳۸۲: ۶۰ - ۵۳)



شکل ۱۳- خلوت و عملکردهای آن از نگاه وستین و آلتمن (مآخذ: آلتمن)

مفاهیم خلوت، قلمرو، حریم، فضای شخصی، تراکم و ازدحام در تحلیلی اجتماعی و روان شناختی، در نحوه تعامل رو در روی افراد و تأثیر محیط فیزیکی بر این تعامل و نیز نحوه بهره‌برداری افراد از محیط برای برقراری اجتماعی تأثیر گذارند (ارژمند و خانی، ۱۳۹۱: ۲۹) و به ارضای نیازهای دیگری چون امنیت، خودشکوفایی و عزت نفس ربط دارد (Sommer 1969, Altman 1975, Hall 1959, Goffman 1963, Lyman and Scott 1967, Skaburskis 1974). همچنین ساماندهی محیط زندگی با تعریف روشن عرصه‌های خصوصی و عمومی و ایجاد سلسله مراتب فضایی در مسکن میسر می‌شود (عینی‌فر و آقالطیفی، ۱۳۹۰: ۱۷).

در این راستا داگلاس پورتیوس سه مقیاس فضایی را در درون هم تعریف کرده است، مقیاس اول فضای شخصی است که منظور از آن محدوده ای غیر قابل رویت در اطراف فرد می‌باشد که مزاحمی به آن راه ندارد؛ مقیاس بعدی، فضای متکی به خانه است که از آن به طور فعال دفاع می‌شود و مقیاس آخر، فضای دردسترس خانه می‌باشد که مکان رفتاری زندگی فرد است (لنگ، ۱۳۸۶، ۱۷۰). به همین صورت لایمن و اسکات نیز دو نوع قلمرو، یعنی قلمرو «خانه» و «تعاملی» را معرفی کرده اند (آلتمن، ۱۳۸۲، ۱۶۰). حسین الشراکوی نیز چهارگونه قلمرو مکانی را تحت عنوان قلمرو پیوسته (حباب فضایی متعلق به فرد)، مرکزی (فضاهای به شدت شخصی مانند اتاق و خانه) حامی (فضاهای نیمه عمومی و نیمه خصوصی) و پیرامونی (فضاهای عمومی معرفی میکند لنگ، ۱۳۸۶، ۱۷۰).

چگونگی بیان نیازها و نحوه دست یافتن به آنها، در جوامع مختلف متفاوت است (لنگ، ۱۳۹۱: ۱۶۵). نیاز به خلوت به میزان زیادی به فرهنگ ربط دارد (Altman and Chemers 1980, Watson 1970). طراحی محله‌ها، ساختمانها و اتاقها براساس رفتار انسان انجام می‌شود و در نتیجه در فرهنگهای مختلف تفاوت‌های قابل توجهی دارد. راپاپورت (۱۹۷۷) معتقد است که در دید مردم نسبت به خلوت تفاوت‌های اساسی فرهنگی وجود دارد. این تفاوت‌ها در سازماندهی فضاهای داخلی و خارجی مسکن جلوه‌گر می‌شوند. برای داخل خانه‌هایی که برای مردم راحت هستند، به میزان زیادی تأثیر نگرش‌های فرهنگی به خلوت را نشان می‌دهند (لنگ، ۱۳۹۱: ۱۷۷).

برای مثال به عنوان مثال هال (۱۹۶۶) می‌نویسد که در آلمان خلوت دیداری و شنیداری بسیار مهم است و در دفاتر ایشان بر خلاف ایالات متحده به ندرت باز گذاشته می‌شود. سرک کشیدن به درون اتاق‌ها یا حتی جا به جا کردن اندک مبلمان گستاخی به حساب می‌آید. از طرف دیگر در فرهنگ‌های مدیترانه‌ای، در شرایط عمومی حداقل خلوت دیداری یا شنیداری وجود دارد (مکاندرو ۱۳۸۷: ۱۷۹-۱۸۰). به عبارت دیگر می‌توان گفت استفاده از نمادها و تدابیر محیطی برای نگهداشت خلوت با فرهنگ جوامع نزدیکی زیادی دارد. در همه فرهنگ‌های بشری، سازوکارهای رفتاری خاصی برای تعامل اجتماعی افراد وجود دارد. آنچه در میان این فرهنگ‌ها متفاوت است، شیوهی آنها در نظارت بر تعامل اجتماعی است (آلتمن، ۱۳۸۲: ۱۵). (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۳: ۲۴۲).

جدول ۳- عوامل تأثیرگذار بر خلوت ساکنین

نظریه پرداز	عوامل تأثیرگذار بر خلوت	توضیحات
لنگ	الگوی جاری فعالیت زمینه فرهنگی شخصیت انتظارات فردی	خلوت به میزان زیادی به عوامل نامبرده وابسته است و طراحان محیط از روش هایی مانند نشانه گذاری، پرده دیوار و... برای تأمین خلوت استفاده می کنند (لنگ، ۱۳۹۱: ۱۶۶).
هال ۱۹۶۶	فاصله فرهنگ کیفیت های حسی مربوط به پوست	هال (۱۹۶۶) می نویسد که در آلمان خلوت دیداری و شنیداری بسیار مهم است و در دفاتر ایشان بر خلاف ایالات متحده به ندرت باز گذاشته می شود. حرارت نقش بسیار زیادی با کیفیت تجربه اشخاص از شلوغی و ازدحام دارد. ^۱ به نظر می رسد افراد نسبت به الگوهای دمایی که با آن آشنایی ندارند واکنش منفی نشان می دهند (حال، ۱۳۸۷: ۷۸).
آلتمن	فاصله میزان به اشتراک گذاشتن متعلقات فرهنگ پوشاک و زیورآلات فضای شخصی قلمرو	ما در شرایط مختلف فواصل مختلفی میان خود و دیگران رعایت می کنیم. وجود این فواصل به ما کمک می کند که احساس کنیم ارتباط با دیگران را تحت کنترل داریم و در فاصله میان خود و دیگری امکان انجام رفتارهای دلخواه را داریم (آلتمن، ۱۳۸۲: ۱۱). ما فضایی که متعلق به خود می دانیم را با کسانی که آشنا و صمیمی می دانیم تقسیم می کنیم و آنها را به محدوده متعلقات خود راه می دهیم ^۲ (آلتمن، ۱۳۸۲: ۱۱). افراد با لباسهایی که به تن دارند نشان می دهند که ارتباط با آنها تا چه اندازه مشکل یا آسان است (آلتمن، ۱۳۸۲: ۴۳).
مارشال ۱۹۷۰ دانیل کاپل ۱۹۷۰ میکلیدز ۱۹۸۰	تفاوت های شخصیتی افراد	تحقیقات نشان می دهد که در افراد برونگرا نسبت به افراد درونگرا نیاز به خلوت بیشتر است (Mikellides ۱۹۸۰). افراد برونگرا تماس با محیط را دوست دارند، افراد درونگرا خانه های حیاط دار را ترجیح می دهند، افراد انسان گریز ساختمانهای با روابط درونی پیچیده و قلمرو بیرونی روشن را

^۱ زمانی که فضای کافی برای کاهش دمای حاصله از طبیعت وجود نداشته باشد، گرما شروع به افزایش می کند، یک نوع واکنش زنجیری به کار می افتد. برای حفظ همان مقدار از راحتی و عدم گرفتاری، یک محیط پر ازدحام و گرما، به فضای بیشتر نیاز دارد تا فضای خنک تر (حال، ۱۳۸۷: ۷۸). موقعی که حوزه حرارتی افراد بر روی هم بیفتد و مردم بتوانند بوی همدیگر را احساس کنند، نه تنها شرایط پیچیده تر می شود، بلکه در صورتی که پدیده اثر بروس در مورد انسان مصادق داشته باشد، آنها حتی ممکن است تحت تأثیر اثرات شیمیایی عواطف و احساسات همدیگر قرار بگیرند (حال، ۱۳۸۷: ۷۸).

^۲ هر یک از این عوامل و میزان به کارگیری آنها بسته به شرایط و فرهنگ ما می باشد و این به معنای آن نیست که بعضی از جوامع نسبت به مقوله خلوت بی تفاوتند، بلکه تنها سازوکارهای آنها در برقراری خلوت با یکدیگر متفاوت است (آلتمن، ۱۳۸۲: ۵۰).

ترجیح می‌دهند، و افراد اهل معاشرت به خانه‌ای با نقشهٔ مرکزی قوی علاقه‌مند هستند (کاپل، ۱۹۷۰). ^۱		
افراد در زمانی که تحت فشار عصبی اند، نسبت به زمانی که چنین فشاری بر آنها وجود ندارد نیاز بیشتری به خلوت نشان می‌دهند (Klopfer ۱۹۶۹).	وضعیت روحی افراد	کلوفر ۱۹۶۹
مادرانی که رفتار کودکان را محدود می‌کنند نسبت به آنها که چنین محدودیتی را ایجاد نمی‌کنند بر خلوت کودکان کنترل بیشتری دارند (Parike and Sawin ۱۹۷۹). این گونه کودکان در مکان خواب خود خلوت و کنترل قلمرو کمتری را می‌پذیرند (لنگ، ۱۳۹۱: ۱۷۶).	تربیت فرزند	Parike ۱۹۷۹ (and Sawin)

بین توانایی مالکیت بر یک مکان، احساس آسایش در آن و تمایل به محافظت از آن همبستگی وجود دارد (لنگ، ۱۳۹۱: ۱۷۸). هر آنچه این احساس را در ما ایجاد نماید که اختیار برقراری یا قطع ارتباط با دیگران را داریم، می‌تواند به تأمین احساس خلوت کمک کند (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۳: ۲۴۰). با سازوکار رفتار متفاوت در فضا می‌توان به درجات گوناگون خلوت دست یافت. برخی از این سازوکارها عبارتند از:

الف) رفتار کلامی (محتوای سخن مانند: "بیا داخل" یا "می‌خواهم تنها باشم")

ب) رفتار غیرکلامی (مانند: زبان بدن)

ج) رفتار محیطی (مانند: فضای شخصی^۲ و قلمرو^۳) (آلتمن، ۱۳۸۲: ۳۷)؛

د) کنش‌های فرهنگی (ارژمند و خانی، ۱۳۹۱: ۲۸).

استفاده از دیوار، پرده و نشانه گذاری‌های نمادین و واقعی برای تعیین قلمرو مکانی و فاصله‌ها، همگی روش‌هایی برای تأمین خلوت هستند که تا حدودی تحت کنترل طراحان محیط می‌باشند (لنگ، ۱۳۹۱: ۱۶۶). سطوح (مات، شفاف، جاذب صدا) کمابیش جریان اطلاعات را از فضایی به فضای دیگر قطع می‌کنند. یکی از دلایل اصلی ناراضی‌ت از محیط ساخته شده، عدم تأمین سطح مطلوبی از خلوت است (لنگ، ۱۳۹۱: ۱۶۶). محل قرارگیری آستانه ورودی در خانه‌ها، به طرز نمادین، بیانگر نحوه ارتباط مردم با سایر افراد جامعه است (کوپر، ۱۳۸۸: ۵۱). راه‌ها، دیوارها، عایق

^۱ تحقیقاتی نیز وجود دارد که این نتایج را تأیید نمی‌کند (Evans and Howard 1973 issue). این تفاوت می‌تواند به دلیل وضعیت روحی و شخصی افراد در زمان مطالعه باشد (Klopfer ۱۹۶۹).

^۲ فضای شخصی حبابی فرضی در پیرامون فرد است که تعدی دیگران به آن باعث تنش و ناراحتی او می‌شود (آلتمن، ۱۳۸۲: ۴۴). این حباب بسته به موقعیت بزرگ یا کوچک می‌شود. فضای شخصی سازوکاری است که از آن برای نظارت بر تعامل میان فردی و دستیابی به خلوت مطلوب استفاده می‌شود. این فضا را غالباً به فاصله فیزیکی فرد با دیگران تعبیر می‌کنند. درواقع فضای شخصی محیطی است که در آن درجات و شکل‌های گوناگون تماس اجتماعی امکان پیدا می‌کند (ارژمند و خانی، ۱۳۹۱: ۳۱).

^۳ رفتار قلمرو پای سازوکاری است برای تنظیم حریم بین خود و دیگران که با شخصی سازی یا نشانه گذاری یک مکان یا یک شیء و تعلق آن به یک فرد یا یک گروه بیان می‌شود. اسکار نیومن (۱۹۷۲، ۱۹۷۹) معتقد است که سلسله مراتب قلمرو مکانی یا زمینه‌های به وجود آورنده خلوت، برای احساس بهزیستی مهم هستند و به احساس امنیت انسان کمک می‌کنند (لنگ، ۱۳۹۱: ۱۷۱). بر خلاف عقیده عموم، رفتار مربوط به مالکیت و تعیین قلمرو در هر سطحی از حیات حالتی گاه‌استوار و ثابت دارد. قلمرو به معنی کامل کلمه بخش تعمیم یافته‌ای از موجود زنده به شمار می‌رود، که به علائم بصری، آوایی و یا بویایی مشخص می‌گردد. بشر ابعاد تعمیم یافته مادی از مالکیت را به صورت نشانه‌های زمینی مرئی و نامرئی خلق کرده است (حال، ۱۳۸۷: ۱۲۵).

صدا، مسیرها(رابرتز و گریکور، ۱۹۷۱)، همچنین پنجره‌ها، پرده‌های اتاق خواب(هیل، ۱۹۶۹)، نرده و حتی تابلوها(شولتز، ۱۹۶۸) می‌توانند به میزان زیادی از مزاحمت‌ها جلوگیری کنند. لازم به ذکر است که درختان(پوشش گیاهی)، ساختن ایوان، حصار و دیوارهای بلند(گیتز، ۱۹۷۰ و کنتز، ۱۹۷۱) در فضای بیرون نیز از ابزار کنترل سازوکارهایبست که در فضای خانه خلوت کردن مورد استفاده قرار می‌گیرد(آلتمن، ۱۳۸۲).

و اما خلوت در عرفان و تصوف...

در عرفان خلوت‌گزینی یکی از راه‌های تهذیب نفس سالک است، گاهی در حالت است و آن کناره‌گیری سالک از همه صفات ناپسندیده و هر پدیده پست و زشت است که مانع از سیر او به سوی خداوند می‌شود و گاهی در دل؛ یعنی ترک علاقه به هر پدیده‌ای از پدیده‌های آفرینش که حائل بین او و یاد خدا در قلبش شود؛ که در این صورت حتی خواطر را نیز در بر می‌گیرد. بدین معنی که سالک باید به جایی برسد که هیچ غایتی جز خدا نداشته باشد. گاهی خلوت‌گزینی و عزلت در حواس است که سالک باید از مکان‌های پرسروصدا و حتی صداهایی که احتمال تشویش در حالت او را دارند، بپرهیزد؛ در خلوت، گاه صاحب خلوت از محسوسات غایب می‌شود و در این حالت بعضی از حقایق او بر او کشف می‌گردد(فتاحی و پازوکی، ۱۳۹۳: ۲۴۱).

خلوت همچنین یکی از مراحل سیر و سلوک در عرفان عملی می‌باشد که دارای دو جنبه ظاهری و باطنی است. جنبه ظاهری آن انقطاع از غیر با شروط خاص با هدف تزکیه نفس است؛ اما جنبه باطنی و حقیقت آن، جمعیت خاطر، تداوم مراقبت، استمرار ذکر، ترک علایق و درنهایت، بندگی خداوند است(فتاحی و پازوکی، ۱۳۹۳: ۲۴۱).

جدول ۴- تعاریف خلوت از نظر عرفا

عارف	تعریف
عزالدین محمود کاشانی (قرن ۷ و ۸)	خلوت مجموعه ای است از چند گونه مخالفت نفس و ریاضات تالیف یافته، یکی از آن تقلیل طعام، دوم قلت منام، سوم قلت کلام، چهارم ترک مخالطت انام، پنجم مداومت بر ذکر، ششم نفی خواطر، هفتم مراقبه، تا به هر یک از این اجزا جزوی از کثافت و کدورت و ظلمت از وی به تحلیل برود و خفیف و لطیف و صافی گردد.
شیخ علاء الدوله سمنانی	غیبت ناکردن، به غیر ذکر لب ناجنبیدن، آزار از خلق باز داشتن، به روز روزه بودن، شب پهلوی بر زمین نهادن، خود را تسلیم لحد و گور کردن، به قضاء خدا را ضی بودن، بی احتیاج سخن نا گفتن، نماز به جماعت گزاردن، در انتظار نماز جماعت نشستن و وضو بر وضو نگاه داشتن، ترک شهوات گفتن، صبر جمیل در پیش گرفتن جوع و بر جوع افزودن، با نفس. شیطان محاربه کردن، دل را با خدای تعالی را ست دادن، اخلاق مذمومه را محو کردن، نفس خود را به ناکس شناختن، بر گناهان خود گریستن، ترک ادخار گرفتن، توکل بر خدای تعالی کردن، خود را بدین آیت که «و خَلَقَ الْجَنَّ وَالْإِنْسَ لِيَعْبُدُون» مخصوص گردانیدن(فیجان، سلمان، ۱۳۸۸: ۳).

ملا حسین کاشفی	بدان که خلوت، عبارت است از اجتناب و احتراز از مخالطت خلق و منقطع شدن از اغیار و اصل عزلت، معزول گردانیدن حواس است از تصرف در محسوسات که هر محنت که به روح می رسد، به واسطه ی آثار صفت نفس است که از روزنه ی حواس در می آید و روح پاک را تیره و مکدر می سازد و آدمی را از اعلاعلیین قرب به اسفل السافلین طبیعت می اندازد. پس سالک را از خلوت و عزلت چاره ای نباشد تا بدان سبب معزول گرداند حواس را از ادراک محسوسات که او را معزول گردانیده اند از مشاهده ی غیبتات و این به مثابه ی پرهیز است بیماران را که «پرهیز به از دواست بیماران را» (فیضان، سلمان، ۱۳۸۸: ۴).
----------------	--

تفسیر صوفیان از خلوت متفاوت است. برخی خلوت را معادل عزلت دانسته و برخی بین آن دو فرق نهاده‌اند. به عقیده آن‌ها، عزلت به معنی تنها گزینی از اغیار و گوشه گیری از نفس است و آنچه که به سوی خود می‌طلبند و صوفی از آنچه که انسان را به غیر خدا می‌خواند، خلوت می‌گزیند. صوفیان اغلب عزلت را مرحله آمادگی برای خلوت دانسته‌اند؛ سالک با انجام ریاضیات سخت مستعد عروج می‌شود و نفسش از کدورات پاک و لایق خلوت می‌گردد. در آثار صوفیه مفهوم خلوت گاه با اصطلاح خلوت و گاه با اصطلاح عزلت و نیز چله‌نشینی همپوشانی دارد و حتی در برخی موارد مترادف شده است، اما اغلب صوفیه برای مفهوم خلوت از واژه عزلت استفاده و خلوت را به طور عمده به معنای یک رسم و ادب تلقی کرده‌اند (فتاحی و پازوکی، ۱۳۹۳: ۲۵۱). لذا در تصوف، برای ورود به خلوت شرایطی لازم است که گروهی از عرفا آن‌ها را مقدمه خلوت‌نشینی دانسته‌اند. پس به طور کلی خلوت بدین منظور صورت می‌گیرد که نخست زمینه آرامش روحی فراهم گردد، سپس سالک از کثرت‌ها بریده شود و به وحدت حقیقی نائل آید؛ وحدتی که خلق نیز جزء آن است (فتاحی و پازوکی، ۱۳۹۳: ۲۵۹).

سالک می‌تواند به هنگام خلوت، از انبوه دریافت‌های بیرونی حواس پنج‌گانه و به‌ویژه از دیدن، شنیدن و نیز گفتن زائد خلاصی یابد و بدین‌وسیله، امکان تمرکز خیال خاطر بهتر فراهم آید. (عبادی مروزی ۱۳۴۷: ۱۰۸ - ۱۰۹) بسته شدن حواس پنج‌گانه سالک را برای آغاز دریافت‌های عالی روحانی آماده می‌سازد. در خلوت، حواس آدمی از دریافت محرکاتی که موجب تهییج قلب می‌شوند، مصون می‌ماند و در نتیجه، ناچار به انجام اعمالی که این تحریکات موجب آن‌ها هستند، نمی‌گردد. (اموی، بی‌تا: ۹۸) وقتی حواس ظاهر از عمل و فعالیت خود معزول می‌شوند، مجالی برای فعالیت بهتر حواس باطن پدید می‌آید. (اسفراینی ۱۳۵۸: ۱۳۱) از آنجا که هر حجابی که به روح آدمی می‌رسد و او را از مشاهده جمال حق محجوب می‌دارد، به طور کامل از روزنه حواس وارد می‌شود، به واسطه خلوت از مساعدت نفسانی که از آن ناحیه به هواها و شیاطین می‌رسد، کاسته می‌شود. (لاهیجی ۱۳۷۴: ۵۲۸ - ۵۲۹) و احتمال اینکه درهای غیب به روی سالک گشوده شود، بیشتر خواهد شد. (اسفراینی ۱۳۵۸: ۱۳۱) (فتاحی و پازوکی، ۱۳۹۳: ۲۵۱).

همراه با کم رنگ شدن جلوه‌های تصوف پس از عهد صفویه، در میان صوفیان هم اعمال سخت نظیر عزلت‌ها و خلوت‌ها کم رنگ‌تر شد. تا به امروز که عده‌ای حتی اعتکاف را مصداق رهبانیت مذموم می‌پندارند. امروزه شرایط اجتماعی باعث شده است که در بسیاری از فرقه‌های تصوف، خلوت‌ها تقریباً منسوخ شود. البته این بدان معنا نیست که به کلی خلوت‌گزینی از تصوف محو شده باشد؛ چراکه خلوت رکن سلوک صوفیانه است، بلکه این سخن به این معنی است که اولاً از شکل و شمایل اصیل اولیه خود فاصله گرفته است، ثانیاً دستورات خلوت به صورت پنهانی و نه

آشکار به مریدان داده می‌شود یا به سحرخیزی توصیه می‌شود؛ بنابراین، بارزترین تحول در آداب صوفیان در چگونگی خلوت‌گزینی مریدان است (فتاحی و پازوکی، ۱۳۹۳: ۲۶۹).

چنانچه در تعاریف خلوت از منظر علوم رفتاری نیز دیده شد خلوت‌گزینی در تصوف نیز نه تنها منافاتی با تلاش در کسب و کار و دخالت در سیاست و اجتماع ندارد، بلکه دستوری برای تذکیه نفس و نوعی مراقبت از اعمال و احوال است که بستگی به حال و شرایط سالک دارد که خلوت در انجمن را در اختیار نماید یا خلوت ظاهری را (فتاحی و پازوکی، ۱۳۹۳: ۲۷۳) به عبارتی انزوا را ترجیح می‌دهد یا قرابت را.

۱-۳-۲- مفهوم فضا

فضا که با واژه ثواش، ثواس در متن‌های باستانی ایران آمده، فراگیر تمامی آنچه است که، «میان آسمان و زمین» وجود داشته؛ فضا به معنای جو آورده شده و به معنای جو و هوا نیز آمده است. همچنین به عنوان چیزی بس پرمعنا و ژرف نیز آورده شده که با دو وجود دیگر- که کم و بیش به همین میزان حیاتی اند و فراگیر- همراه آمده که عبارتند از: «زروان» یا زمان بی کران و «وات» یا باد (فلامکی، ۱۳۹۰: ۱۰).

هایدگر در یکی از مقاله‌هایش به نام "هنر و فضا" اشاره می‌کند که کلمه آلمانی Raun (فضا) از raumen ریشه می‌گیرد که به معنی "آزاد کردن مکان‌ها برای باشیدن انسان" است. "مکان در گرد هم آوردن چیزهایی که در اینجا متعلق به یکدیگرند، قلمروی را می‌گشاید" (شیرازی، ۱۳۹۵: ۳۳). فضا (Raun)، در اصل به معنای محلی برای منزل کردن است. فضا برحد و مرزی که به آن جایی داده شده دلالت دارد، اما "حد و مرز آن نیست که انتهای چیزی را مشخص کند، بل چنانکه یونانیان واقف بودند، حد و مرز چیزی است که از آن، چیزی آشکارگی گوهرینش را می‌آغازد (شیرازی، ۱۳۹۵: ۳۱). در زیر برخی از معانی فضا در فرهنگ لغات آمده است:

جدول ۵- معنی لغوی فضا در فرهنگ لغت فارسی و انگلیسی

فرهنگ لغت فارسی	دهخدا	میدان و عرصه؛ گشادی و فراخی؛ زمین فراخ، آنچه گشاده بود از زمین.
	معین	مکان فراخ، زمین وسیع. کیهان، آن سوی جو
	عمید	[فلسفه، فیزیک] جهان سه بعدی بی کران که اجسام و رویدادها در آن هستند یا اتفاق می‌افتند. ناحیه آن سوی منظومه شمسی. محیط؛ ساحت.
فرهنگ لغت انگلیسی	Oxford	پهنه‌ای پیوسته یا گسترده که آزاد و اشغال نشده باشد و در آن همه ابعاد طول، عرض و ارتفاع است.

ابعاد ارتفاع، عمق و عرض که در آن تمام چیزها وجود دارند و حرکت می کنند.		
مساحت خالی که قابل استفاده است.	Cambridge	
پهنه اطراف هر چیزی که وجود دارد و در تمام جهات ادامه دارد.		

فیلسوفان یونانی فضا را به موضوعی برای اندیشه بدل ساختند پارمنیدس زمانی که گفت فضا به معنای دقیق کلمه را نمی توان در ذهن تصور کرد و به همین رو وجودی ندارد، لذا موقعیتی ناپایدار را برای آن معرفی کرد. اما لوسیپوس فضا را اگرچه وجود عینی ندارد، واقعی دانست (شولتز، ۱۳۹۳: ۸). افلاطون هندسه را به عنوان علم الفضا^۱ معرفی کرد و برای ارسطو فضا مجموع تمامی مکان ها و زمینه ای پویا، دارای جهات و اعراض کیفی است. بعدها نظریه های فضا بر هندسه اقلیدسی تا اندیشه های ارسطو اتکای بیشتری کردند و فضا چون چیزی لایتناهی و همگن به عنوان یکی از ابعاد اساسی جهان، مطرح شد. از این رو لوکتیوس گفت: «تمامی طبیعت بر دو چیز مبتنی است: اجسام و خلاء؛ که در آن اجسام از مکان خاص خود برخوردارند و در آن در حرکتند». هجده قرن بعد کانت هنوز هم فضا را مقوله ای پیشاتجربی و مقدم بر شناخت انسان و متفاوت و مستقل از ماده می داند (شولتز، ۱۳۹۳: ۸).

کانت معتقد است که فضا به عنوان پایه و درجه ای بالاتر از درک انسانی، متمایز و مستقل از ماده، مورد توجه قرار دارد (سیدصدر، ۱۳۷۷: ۱۳). نظر وی بر این است که فضای ذهنی سوپژکتیو است؛ وجهی پیشینی (a priori) از شهود و ادراک ما و نه وجهی از واقعیت فیزیکی مستقل از ذهن. فضا وضعیتی است که تحت آن می توانیم تجربه منسجم و روشنی از چیزها را بیرون از خود داشته باشیم. کانت بیان می کند که "تنها از منظری انسانی است که می توانیم از فضا و از چیزهای امتداد یافته و از این دست سخن بگوییم... اگر ما از وضعیت ذهنی ای که تنها تحت آن می توانیم شهودی بیرونی داشته باشیم جدا شویم باز نمود فضا اصلا معنایی نخواهد داشت" (شیرازی، ۱۳۹۵: ۲۲).

نظریه فضای هایدگر بدیلی را برای سه نظریه سنتی یعنی نظریه تجریدی^۲، نظریه نسبی^۳ و نظریه کانت ارائه می دهد. هایدگر نظریه تجریدی را تمام و کمال رد می کند؛ اما با دو نظریه دیگر شباهت هایی را دارا است (شیرازی، ۱۳۹۵: ۲۱). به اعتقاد وی همه این نظریه ها بر مبنای دوپارگی متافیزیکی ذهن / سوژه و عین / ابژه است. هایدگر با رد این فرض در پی وضعیتی است که تحت آن بتوان هر دو فضای ذهنی و عینی را ادراک نمود و این امر موجب به وجود آمدن دیدگاه چهارم می گردد (شیرازی، ۱۳۹۵: ۲۲).

^۱Science of space.

^۲ نظریه تجریدی بر این باور است که فضا ساختاری همگن برای خود داشته و مستقل از اشیا است. فضای مجرد به صورت چهارچوبی نهایی برای موقعیت ها و حرکات اشیا و فضای مربوط به آن عمل می کند. استعاره متناسب با چنین فضایی "طرف" یا "صحنه" است. اشیا و رویدادها "در" فضا رخ می دهند. اما فضا خود مستقل از آنهاست (شیرازی، ۱۳۹۵: ۲۱).

^۳ نسبی گرایی فضای مستقل از اشیا را نفی می کند. در نظریه نسبی، فضا چیزی بیش از روابط میان اشیا یا خصوصیتی از اشیا نیست. نیازی نیست تا موجودیتی مطلق برای فضا را بر روی یا فراسوی ظواهر متعدد اجزای ماده فرض نماییم. به دیگر سخن، اگر اشیا نباشند، فضایی هم وجود ندارد (شیرازی، ۱۳۹۵: ۲۱).

هایدگر به تبع کانت خصوصیت انسانی فضا را دریافته و بر نقش آن به عنوان وضعیتی از تجربه به صحنه می‌گذارد، اما برعکس کانت که فضا را وجهی پیشینی از ذهن ما می‌داند، آن را به هستی و وجود فعال ما و نیز شرکت و دخالت عملی ما در جهان منتسب می‌سازد. وی در جست و جوی بررسی فعالیت های فضایی معمول ما است بدون آنکه چارچوب سوژه-ابژه را به آن تحمیل نماید (شیرازی، ۱۳۹۵: ۲۲). هایدگر سه نوع فضا را از هم تمییز می‌دهد: (۱) جهان-فضا (۲) قلمرو (Gegend) (۳) فضا‌مندی جاستی که به فاصله زدایی/عزیمت (Ent-Fernung) و جهت‌مندی (Ausrichtung) تقسیم می‌شود (شیرازی، ۱۳۹۵: ۲۲). جهان-فضا دریافت حسی مشترک ما از فضا است که عموماً به عنوان ظرفی برای اشیا فهم می‌شود (شیرازی، ۱۳۹۵: ۲۲). این ایده منعکس‌کننده فرضاتی از نظریه تجربی است: موجودیت‌هایی که "در" جهان-فضا هستند، به نظر مستقل از فضایی هستند که آن‌ها را در بر می‌گیرد. با این حال، هایدگر معتقد است که این گونه فضای عینی شده با گوهر فضا سازگار نیست و جهان - فضا از نظر هایدگر فضایی است به صورت فرا - دست (handpresent-at) دریافت می‌شود (شیرازی، ۱۳۹۵: ۲۲).

تاثیر کانت بر این ادعای هایدگر که فضا موردی عینی/ابژکتیو نیست، بلکه اساساً شامل ارجاع به خود (self) است مشهود می‌باشد. کانت گفته است که تصور "چپ" و "راست" را نمی‌توان از هم تشخیص داد مگر این که ما "خود"ی را مفروض داریم که با احساسی از کالبد و تن سمت و سو گرفته است. سمت و سو‌گیری نیز وجهی اساسی از فضا‌مندی در-جهان-هستن است. با این حال برای هایدگر سمت و سو‌گیری مربوط به احساس نیست بلکه به کنش های عملی وابسته است؛ بنابراین نظریات هایدگر بعد کاملاً اصیل و نوینی به نظریه های سنتی می‌بخشد، چراکه فضا را ذهنی/سوژکتیو یا عینی/ابژکتیو نمی‌شمارد و کنش های ما را جزو عناصر و عوامل اساسی آن می‌داند (شیرازی، ۱۳۹۵: ۲۵).

آندو یکی دیگر از اندیشمندان فضا در حوزه معماری است. وی به فضا به گونه ای عقلانی نمی‌نگرد، بلکه فضا برای او با احساس افراد و بیان آن احساس همبسته است. معماری با تعاملی که میان مصرف‌کننده و او شکل می‌گیرد؛ مخاطب فضا، از نظر وی، درون انسان‌ها است. در این راستا است که به دنبال خلق و ایجاد سرنمون‌ها، الگوها و سرمشق‌هایی فضایی است. آندو ساختن مکان را بالاتر از ساختن فضا می‌شمارد و معتقد است که معماری همانا شناختن مکان به عنوان شالوده فضا است. او نیز چون هایدگر معتقد است که «فضاهای هستی‌گوهرین خود را از مکان‌ها می‌گیرند، نه از فضا». بنابراین برای ساختن فضا، می‌باید در صدد مهیا ساختن «مکان» بود (شیرازی، ۱۳۹۵: ۱۱). او برای سویه‌مندی فضا از واژه شینتای^۱ کمک می‌گیرد. شینتای که معمولاً به کالبد برگردانده می‌شود، صرف‌تن و کالبد فیزیکی نیست. شینتای به ذهن و کالبد در یگانگی آنها متعلق است. شینتای، روان و تن، هر دو را در خود دارد (شیرازی، ۱۳۹۵: ۱۳). از آنجا که انسان جهان را به واسطه کالبد خود می‌فهمد و کالبد فیزیکی انسان دارای چپ و راست، بالا و پایین و عقب و جلو است، پس انسجام فضا نیز به تبع آن سویه‌مند و ناهمگون است. شینتای در حرکت خود فضا‌مندی را به وجود می‌آورد و فضا را فهم می‌کند و تصویر بیرون را در درون خود باز می‌آفریند و بدین گونه در مقابل فضای همگن معماری مدرن می‌ایستد. (شیرازی، ۱۳۹۵: ۱۳). برای مثال فضای نیوتونی که فضایی یکپارچه

^۱Shintai

و همگن است، مورد انتقاد آندو قرار می گیرد. برای وی، انسان قابل تقلیل و تن نیست، بلکه روان و ذهن او نیز اهمیت دارد (شیرازی، ۱۳۹۵: ۴۲).

آندو می نویسد: "من به مفهومی از فضا می رسم که... همه بر پایه جسمانیت و کالبد انسانی است" چراکه کالبد هر فردی، بسته به اینکه متعلق به کجاست متفاوت است. کالبد ارتباط ویژه مربوط به مکان را بیان می دارد و زبان کالبد هر فرد که متأثر از تاریخ، سنت، وضعیت منطقه ای و نوع فضاهایی است که به آن خو گرفته است، خود نشان می دهد که از کجا آمده است (شیرازی، ۱۳۹۵: ۳۵).

نتیجه هستی فضاها از مکان های آن ها سرچشمه می گیرد نه از خود فضاء رابطه ی بشر با مکان ها و از طریق مکان ها با فضاها در امر سکونت نهفته است (سیدصدر، ۱۳۷۷: ۳۶). ما فقط زمانی که قادر به سکونت شدیم می توانیم بسازیم، سکونت خصوصیت اصلی و اساسی موجودیت و هستی می باشد و فضای استوار بشر پیشرفته بایستی در حکمت و تمامیت آن که رویدادهای مهم تجربه شده در آن شامل می گردد، در نظر آید. برای اینکه کیفیت ویژه این فضا ع ترتیب و تنظیم آن نمایشگاه مبین موضوعی است که آن را آزموده و در آن سکنی می گزینند (سیدصدر، ۱۳۷۷: ۳۷). در زیر به برخی تعاریف از فضا پرداخته می شود:

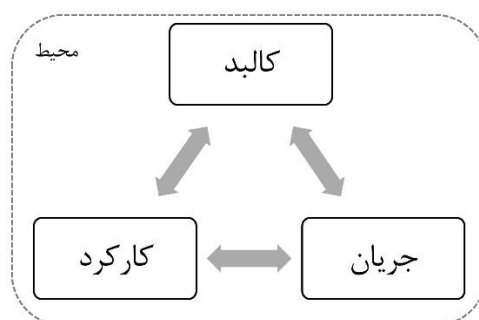
جدول ۶- تعاریف مختلف فضا

نام	تعاریف
افلاطون	آنچه فضا را بوجود می آورد، روابط بین اشیایی است که در یک مکان مستقر گردیده اند.
ارسطو	فضا ظرف تمام اشیا است؛ فضا مجموعه ای از مکان ها و زمینه ای پویا، با اعراض کیفی متفاوت است.
فرهنگ آکسفورد	گستره ای پیوسته که اشیا در آن وجود دارند و حرکت می کنند. مقداری از یک منطقی که چیز خاصی آن را اشغال می کند یا برای هدف خاصی در اختیار گرفته شده است. فاصله میان نقاط و اشیا
دایره المعارف بریتانیکا	فضا حجم هوایی یا جوی است که به وسیله ی عناصر فیزیکی و تخیل و تصور بصری انسان تعریف می شود...؛ فضا به وسیله زمین یا سطوح کف و موانعی که دید را از جهت افقی سد می کنند یا به آن، در افق خاتمه می دهند و آسمان بالای سر، تعریف می شود.
فرهنگ معارف اسلامی	اصطلاحی فلسفی که عبارتست از امری و چیزی که چیزی دیگر در آن نهاده و یا بر آن تکیه کند.
دایره المعارف هنر (پاکباز)	فضا حوزه ای گسترش یابنده و در عین حال فراگیرنده است. جایگاه و محیطی را در ابعاد فیزیکی و روان شناختی تعریف می کند. از کل روابط شکل، رنگ و حرکت شکل می گیرد. گاه خالی (منفی) است، و گاه فاصله ی میان عناصر را می نمایاند. خواه این فاصله در سطح باشد، خواه در عمق واقعی و خواه در عمق توهمی که به مدد قواعد ژرف نمایی مجسم می شود (پاکباز، ۱۳۷۸: ۳۷۳)
واتسوجی تتسورو	فضا یا اقلیم آن چیزی است که به انسان امکان می دهد تا "خود" را از طریق حضور دیگران و توسط آنان بفهمد- در شکلی نو از «هستی در عالم»، که شامل وابستگی انسان به اقلیم خاص و فضاهای فرهنگی و اجتماعات است (مستغنی، ۱۳۸۳: ۹۱)

لاپینیتز	فضا صرفاً نوعی سیستم است که از روابط میان چیزهای بدون حجم و ذهنی تشکیل می‌شود. (یعنی: نظام اشیای همزیست با نظام وجود، برای تمام اشیایی که همزمان هستند).
هایدگر	فضا در گوهر خود چیززیست که برایش جایی باز شده، امریست که در محدوده اش رها شده و همواره به اعتبار یک مکان، همچون یک پل، پذیرفته شده، پیوند داده شده و گرد هم آمده است. بدین‌سان فضاها هستی خود را از مکان‌ها بدست می‌آورند، نه از فضا.
کانت	فضای ذهنی سوپراکتیو است، وجهی پیشینی (a priori) از شهود و ادراک ما و نه وجهی از واقعیت فیزیکی مستقل از ذهن. فضا وضعیتی است که تحت آن می‌توانیم تجربه منسجم و روشنی از چیزها را بیرون از خود داشته باشیم. کانت بیان می‌کند که "تنها از منظری انسانی است که می‌توانیم از فضا و از چیزهای امتداد یافته و از این دست سخن بگوییم... اگر ما از وضعیت ذهنی ای که تنها تحت آن می‌توانیم شهودی بیرونی داشته باشیم جدا شویم... باز نمود فضا اصلاً معنایی نخواهد داشت".
ادوارد رودولف	فضا نه در ذهن است نه در جهان؛ بلکه بخشی از تجربه روزمره ما در جهان است. از دیدگاه او، هستی انسان، اساساً فضایی است و این فضایی بودن، ویژگی‌هایی چون نزدیکی، جدایی، فاصله و جهت را به منزله‌ی روش‌های هستی دربر می‌گیرد.
نیوتون	فضا و زمان اشیایی واقعی و ظرف‌هایی به گسترش نامتناهی هستند.
لویی کان	فضا، فضا نیست مگر اینکه به روشنی قابل تشخیص باشد که چگونه به وجود آمده است و ذات فضا چیزی را باز می‌نماید که فضا می‌خواهد باشد.
یورگ گروتز	فضا را خلأیی در نظر بگیریم که می‌تواند شی را در خود جای دهد و یا از چیزی آکنده شود، فضا موجودیتی نیست که تعریف دقیق و مشخصی داشته باشد، با این حال قابل اندازه‌گیری است.
عیسی حجت	فضا کیفیتی است که انسان تحت تأثیر کالبد معماری در می‌یابد؛ و تصور فضای عینی و خارج از ذهن و در آینه دل و ذهن انسان است.
مهدی حجت	تعبیر فضا به امری مدرک و مدرک، به معنی آن است که کیفیت آن تحت تأثیر دست کم دو عامل اساسی قرار دارد: انسانی که فضا را درک می‌کند و کالبدی که در فضا فضا وجود دارد یا آن را تحدید می‌کند.
منصور فلامکی	گستره‌ای است فراگیر چونی‌های گونه‌گون که همزاد و هم‌رته با اندیشه‌ها و پندارهای آدمیان، در هر مکانی، رنگ و حالی خاص پیدا می‌کند و دارای توان ارزشی متفاوت می‌شود. فضا وجودیست مکانی، که بر ماهیتی مقداری استوار بوده، و در همه حال تحدید پذیر است.
نظریه تجربیدی (آندو)	که فضا ساختاری همگن برای خود داشته و مستقل از اشیا است. فضای مجرد به صورت چهارچوبی نهایی برای موقعیت‌ها و حرکات اشیاء و فضای مربوط به آن عمل می‌کند. استعاره متناسب با چنین فضایی "ظرف" یا "صحنه" است. اشیاء و رویدادها "در" فضا رخ می‌دهند. اما فضا خود مستقل از آنهاست (شیرازی، ۱۳۹۵: ۲۱).
نظریه نسبی گرایی (آندو)	نسبی گرایی فضای مستقل از اشیاء را نفی می‌کند. در نظریه نسبی، فضا چیزی بیش از روابط میان اشیاء یا خصوصیتی از اشیاء نیست. نیازی نیست تا موجودیتی مطلق برای فضا را بر روی یا فراسوی ظواهر متعدد اجزای ماده فرض نماییم. به دیگر سخن، اگر اشیاء نباشند، فضایی هم وجود ندارد. نظریه نسبی و تجربیدی به رغم تفاوت هایشان، هر دو بر این فرض استوارند که فضا به نوعی واجد واقعیت عینی فیزیکی است (شیرازی، ۱۳۹۵: ۲۱).
تادائو آندو	فضای اصیل فضایی است که شینتای آن را دریافت می‌کند. شینتای فقط به کالبد اشاره ندارد، بلکه روان و کالبد هر دو را شامل می‌شود. ما فضا را همچون شینتای دریافت می‌کنیم و در نتیجه می‌توانیم صدای زمین را بشنویم و خواست آن‌ها را پاسخ گوئیم (شیرازی، ۱۳۹۵: ۴۱).

شیرازی	فضا (Raun)، در اصل به معنای محلی برای منزل کردن است. فضا برحد و مرزی که به آن جایی داده شده دلالت دارد، اما "حد و مرز آن نیست که انتهای چیزی را مشخص کند، بل چنانکه یونانیان واقف بودند، حد و مرز چیزی است که از آن، چیزی آشکارگی گوه‌رینش را می‌آغازد." فضا، آنی است که برایش جایی باز شده و به اعتبار یک مکان قابل اطلاق است (شیرازی، ۱۳۹۵: ۳۱).
برنارد چومی	جوهر فضا بعد توصیفی فضا و موضوعی برای مباحث فلسفی، ریاضی و فیزیک است. فضا جوهر معماری و شهرسازی است (Madanipour, 1996).
حبیبی	فضا در مفهوم موجود خویش به تنهایی هیچ ویژگی خاصی را مطرح نمی‌کند ولی به محض آن که یک گروه انسانی فعلیتی را در مکانی مطرح کند، معنای نمادین فضا پدیدار می‌شود. از این پس فضا بستری برای بیان فعالیت و رفتارهای انسانی می‌گردد؛ محلی برای تخیل و واقعیت. «(حبیبی، ۱۳۸۲)
کستلز	فضا بازتاب جامعه نیست بلکه خود فضا بعد مادی جامعه است و اگر آن را مستقل از جامعه و روابط اجتماعی در نظر بگیریم، مانند آن است که ماهیت را از جسم آن جدا سازیم و اولین اصل هر علم اجتماعی را نادیده بگیریم. روح و جسم با هم ارتباط متقابل دارند. بنابراین اشکال فضایی کره خاکی ما، همانند سایر چیزها توسط عمل انسانی شکل می‌گیرد. (Castelles, 1977)
کنزو تانگه	فضا میدانی برای فعالیت های فیزیکی انسان و میدانی برای برقراری ارتباطات به شیوه های نمادگرایانه است. اما مهم ترین جنبه فضا، ایجاد میدانی برای شکل بخشیدن به انسان است. (حمیدی و دیگران، ۱۳۷۶)

در نهایت آنچه که به عنوان فضا برای این تحقیق مبنا قرار می‌گیرد، فضاییست که از ارتباط سه جزء کالبد، کارکرد و جریان در محیط شکل می‌گیرد. کالبد کارکرد و جریانهای آن را در بر می‌گیرد. جریانهایی که از روابط مختلف در محیط حاصل می‌شود. هر فضا در دل خود دارای کارکردهاییست که بخش دیگری از آن را شکل می‌دهد.



شکل ۱۴- مدل نظری فضا

۱-۳-۳- مسکن

مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را در برمی‌گیرد که شامل کلیه خدمات و تسهیلات ضروری مورد نیاز برای بهتر زیستن خانواده و طرح های اشتغال، آموزش و بهداشت افراد است. در واقع تعریف و مفهوم عام مسکن یک واحد مسکونی نیست بلکه کل محیط مسکونی را شامل می‌گردد. به عبارت دیگر مسکن چیزی بیش از یک سرپناه صرفا فیزیکی است و کلیه خدمات و تسهیلات عمومی لازم برای بهزیستن انسان را شامل می‌شود با حق تصرف نسبتا طولانی و مطمئن برای استفاده کننده آن فراهم باشد (پورمحمدی، ۱۳۹۴: ۳).

در دهه‌ی ۴۰ و ۵۰ مسکن، عبارت بود از تعدادی واحد مسکونی در یک مجتمع، و هر واحد مسکونی شامل تعدادی اتاق مجزا و مرتبط می‌باشد (حائری، ۱۳۸۸: ۳۱). در دومین اجلاس اسکان بشر (۱۹۹۶) که در استانبول برگزار

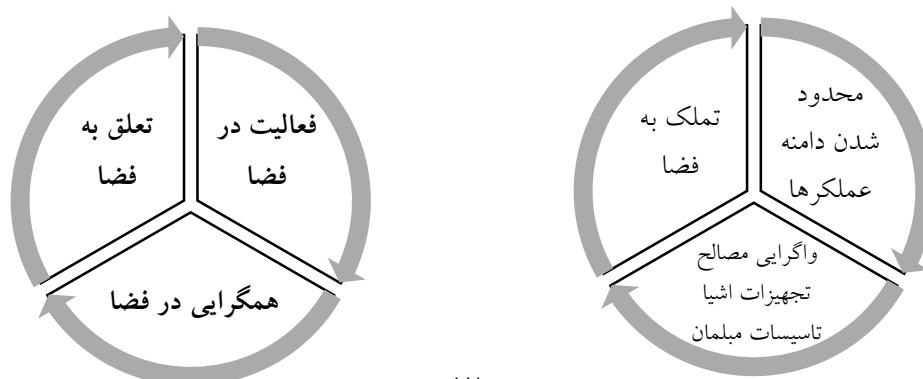
شد مسکن مناسب چنین تعریف شد: «سرپناه مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست؛ سرپناه مناسب یعنب آسایش مناسب، فضای مناسب، دسترسی فیزیکی و امنیت مناسب، امنیت مالگیت، پایداری و دوام سازه ای، روشنایی، تهویه و سیستم گرمایی مناسب، زیرساختهای اولیه مناسب از قبیل آبرسانی، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست محیطی، عوامل بهداشتی مناسب، مکان مناسب و قابل دسترسی از نظر کار و تسهیلات اولیه است، که همه این موارد باید با توجه به استطاعت مردم تامین شود» (پورمحمدی، ۱۳۹۴: ۳).

ذیل مدخل «خانه» در لغت نامه دهخدا آمده: «خانه آن جایی که در آن آدمی سکنی می کند (ناظم الاطباء)، سرا منزل مستقر». بررسی واژه های ترکیبی دارای کلمه ی خانه را مکانی از جنس خامه می دانند، این مکان را آنچنان که در تعریف از خانه در لغت نامه آمده است آنجائیست که آدمی در آن مستقر می شود و در اینجا آدمی نه به معنای صرف فرد انسانی، بلکه استقرار جوانب زندگی فردی و اجتماعی انسان است (حائری، ۱۳۸۸: ۵۹). خانه به منزله ی یکی از ارکان فضایی حیات جامعه ایرانی و جلوه های فرهنگی آن مورد بررسی محدودی از پژوهشگران و معماران ایرانی قرار گرفته است (حائری، ۱۳۸۸: ۵۵).

محمد کریم پیرنیا (۱۳۷۱) معتقد است: خانه یکی از مباحث مهم در معماری ما می باشد که کمتر بدان پرداخته شده است. او کل خانه را معادل اتاق می داند و معتقد است که اساس آنچه به خانه اطلاق می شود در گذشته به اتاق اطلاع می شده است. یکی از علایق ایرانیان در ساخت خانه ها ایجاد ارتباط بعدی بین اتاق و فضای بیرون آن است. گشادگی، خارجی و دید آزاد داشتن، جز طبیعت ایرانی است حتی در حال حاضر نیز همین طور است (حائری، ۱۳۸۸: ۵۵). پیرنیا معتقد است خانه جایی است که ساکنان آن احساس ناراحتی نکنند و اندرون خانه باید تنوع زیادی داشته باشد تا احساس خستگی نشود (حائری، ۱۳۸۸: ۵۶).

ویژگی های خانه ایرانی بر اساس ادبیات خانه در ایران (حائری، ۱۳۸۸: ۶۱):

۱. حضور هم زمان سه گونه فضای باز، بسته و پوشیده در خانه
 ۲. وجود نسبت های مشخص در هر بنای برای سه گونه ی فضایی باز، بسته و پوشیده؛
 ۳. وجود طیف متنوع فا از قلمرو کاملاً خصوصی تا عمومی در خانه؛
 ۴. امکان تحقق زندگی خصوصی خانواده در هر سه گونه فضایی باز، بسته و پوشیده؛
 ۵. انعطاف پذیری فضا در مقابل پویایی شیوه زندگی، رفتارها و حالا انسان و عدم اختصاص فضا به عملکرد خاص
 ۶. فقدان غلبه اشیا بر سازمان فضایی خانه؛
 ۷. ارتباط با آب و گیاه و ددار تماشا از طریق ایجاد چشم انداز اتاق ها به فضای باز خانه تا مشاهده و لمس از نزدیک.
- مبانی نظری و تئوریک تولید مسکن عمدتاً بر پایه دو اصل اقتصادی عرضه و تقاضا استوار گردیده است (شکرگزار، ۱۳۸۵: ۴۰). مهمترین نیروهای فعال در بازار مسکن عبارتند از: ۱- مصرف کنندگان یا متقاضیان مسکن ۲- عرضه کنندگان یا تولید کنندگان مسکن ۳- تامین کنندگان منابع مالی ۴- دولت ها (شکرگزار، ۱۳۸۵: ۴۰).



شکل ۱۵- دیاگرام عوامل شکل دهنده به معماری خانه در دوره‌ی پیش از ۱۳۰۰ و پس از ۱۳۴۰

در همه انواع بناهای ایرانی، حیاط هسته اصلی محسوب می شود؛ مکانی برای رجوع، مسجد، مدرسه، کاروانسرا، و خانه همه متشکل از فضاهای بسته ای است در پیرامون حیاط؛ حیاطی که مقدار درستی از آسمان را که برای زندگی در اندرون لازم است از آن بر می گیرد. در این وضع، وحدت و پیوستگی و نظم معماری‌های به دست می آید. ترکیب‌بندی از درون حیاط به سمت بیرون رشد و گسترش می‌یابد. در خانه، ایوان راه بین اتاق و آسمان را سمت و سو می دهد. نامیدن اتاق‌هایی خاص به نامهای پنج دری یا سه دری، که بر اساس تعداد درهایی است که به سمت حیاط باز می شود، آشکارا گویای این حقیقت است که حیاط مکان مرجع است (عالمی و یزدی، ۱۳۸۷: ۱۰۹).

مفهوم فضای سبز در خانه پس از اسلام مشابه با ایده‌ی خانه در ایران قبل از اسلام می باشد، بدین معنا که خانه دارای بخش زمستان‌نشین می باشد، که اتاقی سه یا پنج دری است؛ با پنجره ای سرتاسری که تا نزدیکی کف امتداد دارد و تنها یک پاخور ۱۰ تا ۱۵ سانتی متری حدفصل آن تا کف اتاق است. این طراحی حداکثر بهره گیری از نور آفتاب و دید مناسب را ایجاد می نماید. در مقابل این بخش، ایوانی است که طاق نداشته تا در زمستان عملکرد مناسب داشته باشد. همچنین خانه دارای بخشی تابستان‌نشین است، که ایوانی سایه‌دار دارد و معمولا با ستون‌هایی برپا نگاه داشته می شود. پشت این ایوان، اتاقی است که به حیاط دید مناسبی دارد. در وسط حیاط هم شاهد منظرهای مینیاتوریزه شده می باشیم. مرکز حیاط را عموماً آب نما با گل و گیاه پوشانده است. این حیاط چندین پله پایین تر از اتاقها و ایوانهاست تا بهترین دید و زاویه نسبت به منظره وسط فراهم گردد. چنین طرح پردازی که در طی اعصار مختلف تکوین می یابد منجر به شکل گیری اسلوب بنیادین معماری و منظره پردازی در خانه ایرانی می‌گردد، که جریان آن نیز در معماری قرون بعدی مشاهده می گردد (بقایی و دیگران، ۱۳۸۷: ۹۰).

۲- ضمائم فصل سوم: پژوهش

۲-۱- سوالات پرسشنامه برای خانه باغ های شهر یزد



شکل ۱۶- نقشه مکان خانه باغهای ثبت شده در شهرداری در سال ۸۶

طبق آزمون فرض آماری اگر $sig < 0/05$ باشد، مقدار متوسط پاسخ‌دهندگان نزدیک به ۲ است و میزان رابطه متوسط می‌شود. ولی اگر $sig > 0/05$ باشد، نشان‌دهنده این است که متوسط پاسخ‌دهندگان با ۲ برابر نیست و با توجه به میانگین آنها- که از ۲ بیشتر است- میزان رابطه زیاد در نظر گرفته می‌شود.

Mean	.sig	سوالات و تفسیر نتایج
3.0435	.000	(۲) میزان آرامش ساکنین در فضای خلوت چقدر است؟ با توجه به مقدار sig که کمتر از $0,05$ است و میانگین پاسخ‌ها بیشتر از ۲ است بنابراین به نظر پاسخ‌دهندگان میزان آرامش ساکنین زیاد است.
2.7083	.001	(۳) تاثیر فضای باغ روی آرامش ساکنین چقدر است؟ با توجه به مقدار sig که کمتر از $0,05$ است و میانگین پاسخ‌ها بیشتر از ۲ است بنابراین به نظر پاسخ‌دهندگان میزان تاثیر فضای باغ روی آرامش ساکنین زیاد است.
2.5417	.020	(۷) میزان رابطه ایمان آوردن با درک کردن در فضای خلوت چقدر است؟ با توجه به مقدار sig که کمتر از $0,05$ است و میانگین پاسخ‌ها بیشتر از ۲ است بنابراین به نظر پاسخ‌دهندگان میزان رابطه ایمان آوردن با درک کردن در فضای خلوت زیاد است.
2.5833	.020	(۸) میزان رابطه یقین آوردن با درک کردن در فضای خلوت چقدر است؟ با توجه به مقدار sig که کمتر از $0,05$ است و میانگین بیشتر از ۲ است بنابراین میزان میزان رابطه یقین آوردن با درک کردن در فضای خلوت زیاد است.
2.2727	.208	(۹) میزان رابطه اطمینان داشتن با درک کردن در فضای خلوت چقدر است؟ با توجه به مقدار sig که بیشتر از $0,05$ است و میانگین پاسخ‌ها تقریباً نزدیک به ۲ است بنابراین به نظر پاسخ‌دهندگان میزان رابطه اطمینان داشتن با درک کردن در فضای خلوت متوسط است.
2.1364	.525	(۱۰) میزان رابطه ایمان آوردن و حفظ کردن در فضای خلوت چقدر است؟ با توجه به مقدار sig که بیشتر از $0,05$ است و میانگین پاسخ‌ها تقریباً ۲ در نظر گرفته می‌شود، بنابراین به نظر پاسخ‌دهندگان میزان رابطه ایمان آوردن و حفظ کردن در فضای خلوت متوسط است.
2.4091	.071	(۱۱) میزان رابطه یقین و حفظ در فضای خلوت چه قدر است؟ با توجه به مقدار sig که بیشتر از $0,05$ است و میانگین پاسخ‌ها تقریباً ۲ در نظر گرفته می‌شود، بنابراین به نظر پاسخ‌دهندگان میزان رابطه یقین و حفظ در فضای خلوت متوسط است.
2.4545	.038	(۱۲) میزان رابطه اطمینان و حفظ کردن در فضای خلوت چقدر است؟ با توجه به مقدار sig که کمتر از $0,05$ است و میانگین پاسخ‌ها بیشتر از ۲ است بنابراین به نظر پاسخ‌دهندگان میزان میزان رابطه اطمینان و حفظ کردن در فضای خلوت زیاد است.
2.4545	.057	(۱۳) میزان رابطه ایمان و تخیل در فضای خلوت چقدر است؟ با توجه به مقدار sig که بیشتر از $0,05$ است و میانگین پاسخ‌ها تقریباً ۲ در نظر گرفته می‌شود، بنابراین به نظر پاسخ‌دهندگان میزان رابطه ایمان و تخیل در فضای خلوت متوسط است.
2.4091	.107	(۱۴) میزان رابطه یقین و تخیل کردن در فضای خلوت چقدر است؟ با توجه به مقدار sig که بیشتر از $0,05$ است و میانگین پاسخ‌ها تقریباً ۲ در نظر گرفته می‌شود، بنابراین به نظر پاسخ‌دهندگان میزان رابطه یقین و تخیل کردن در فضای خلوت متوسط است.
2.2609	.228	(۱۵) میزان رابطه اطمینان با تخیل در فضای خلوت چقدر است؟

		با توجه به مقدار <i>sig</i> که بیشتر از ۰,۰۵ است و میانگین پاسخ ها تقریبا ۲ در نظر گرفته می شود، بنابراین به نظر پاسخ دهندگان میزان رابطه اطمینان با تخیل در فضای خلوت متوسط است.
2.5217	.062	۱۷) ساکنان چه میزان از فضای خلوت خود راضی هستند؟ با توجه به مقدار <i>sig</i> که بیشتر از ۰,۰۵ است و میانگین پاسخ ها تقریبا ۲ در نظر گرفته می شود، بنابراین به نظر پاسخ دهندگان ساکنان از فضای خلوت خود به طور متوسط راضی هستند.

۲-۲-۱- پایایی

آلفای کرونباخ معیاری کلاسیک برای سنجش و سنجه‌ای مناسب برای ارزیابی پایداری درونی پرسشنامه محسوب می گردد. مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷، نشانگر پایایی قابل قبول است (cronbach, 1951). آلفای کرونباخ پرسشنامه با توجه به نتایج بدست آمده در جدول زیر ۰,۷۱۶ است که نشانه پایایی قابل قبول است.

Reliability Statistics

Cronbach's Alpha	N of Items
.716	13

۲-۲-۲- محاسبه میزان رابطه سازه مستقل و وابسته در کارکردهای نقش قوه خیال در سکونت نفس ساکن:

One-Sample Test

	Test Value = 2					
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
سوال2	5.700	22	.000	1.04348	.6638	1.4231
سوال3	3.822	23	.001	.70833	.3250	1.0917
سوال7	2.498	23	.020	.54167	.0931	.9903
سوال8	2.509	23	.020	.58333	.1024	1.0643
سوال9	1.299	21	.208	.27273	-.1639	.7093
سوال10	.646	21	.525	.13636	-.3027	.5754
سوال11	1.904	21	.071	.40909	-.0376	.8558
سوال12	2.215	21	.038	.45455	.0278	.8813
سوال13	2.017	21	.057	.45455	-.0140	.9231
سوال14	1.682	21	.107	.40909	-.0966	.9148
سوال15	1.239	22	.228	.26087	-.1758	.6976
سوال17	1.963	22	.062	.52174	-.0294	1.0729
سوال18	-1.449	21	.162	-.09091	-.2214	.0396

One-Sample Statistics

	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
سوال 2	23	3.0435	.87792	.18306
سوال 3	24	2.7083	.90790	.18532
سوال 7	24	2.5417	1.06237	.21685
سوال 8	24	2.5833	1.13890	.23248
سوال 9	22	2.2727	.98473	.20995
سوال 10	22	2.1364	.99021	.21111
سوال 11	22	2.4091	1.00755	.21481
سوال 12	22	2.4545	.96250	.20521
سوال 13	22	2.4545	1.05683	.22532
سوال 14	22	2.4091	1.14056	.24317
سوال 15	23	2.2609	1.00983	.21056
سوال 17	23	2.5217	1.27456	.26576
سوال 18	22	1.9091	.29424	.06273

۲-۲-۳- همبستگی سوالات (پژوهش و مداخله)

سوال ۱۷	سوال ۱۵	سوال ۱۴	سوال ۱۳	سوال ۱۲	سوال ۱۱	سوال ۱۰	سوال ۹	سوال ۸	سوال ۷	سوال ۶	
0.287	0.3	0.234	0.306	0.107	0.343	0.067	-0.14	0.064	0.021	1	Pearson Correlation
0.196	0.175	0.306	0.177	0.645	0.128	0.772	0.545	0.772	0.925		Sig. (2-tailed)
22	22	21	21	21	21	21	21	23	23	23	N
0.206	0.005	.625**	.450*	.539**	.708**	.633**	0.307	.841**	1	0.021	Pearson Correlation
0.345	0.98	0.002	0.036	0.01	0	0.002	0.164	0		0.925	Sig. (2-tailed)
23	23	22	22	22	22	22	22	24	24	23	N
0.256	0.103	.435*	0.369	.489*	.653**	.576**	0.362	1	.841**	0.064	Pearson Correlation
0.239	0.64	0.043	0.091	0.021	0.001	0.005	0.098		0	0.772	Sig. (2-tailed)
23	23	22	22	22	22	22	22	24	24	23	N
0.047	0.336	-.528*	0.399	0.238	0.166	0.009	1	0.362	0.307	-0.14	Pearson Correlation
											سوال ۹

0.834	0.126	0.012	0.066	0.287	0.461	0.969		0.098	0.164	0.545	Sig. (2-tailed)
22	22	22	22	22	22	22	22	22	22	21	N
0.162	0.002	0.37	0.347	.481*	.610**	1	0.009	.576**	.633**	-	Pearson Correlation
0.473	0.992	0.09	0.113	0.023	0.003		0.969	0.005	0.002	0.067	Sig. (2-tailed)
22	22	22	22	22	22	22	22	22	22	21	N
0.04	0.006	0.386	0.264	.585**	1	.610**	-	.653**	.708**	0.343	Pearson Correlation
0.861	0.977	0.076	0.235	0.004		0.003	0.166	0.001	0	0.128	Sig. (2-tailed)
22	22	22	22	22	22	22	22	22	22	21	N
-	0.19	.517*	0.302	1	.585**	.481*	-	.489*	.539**	-	Pearson Correlation
0.017	0.397	0.014	0.172		0.004	0.023	0.238	0.021	0.01	0.107	Sig. (2-tailed)
0.939	22	22	22	22	22	22	22	22	22	21	N
-	0.309	.747**	1	0.302	0.264	0.347	-	0.369	.450*	-	Pearson Correlation
0.189	0.162	0		0.172	0.235	0.113	0.399	0.091	0.036	0.306	Sig. (2-tailed)
0.399	22	22	22	22	22	22	22	22	22	21	N
-	0.342	1	.747**	.517*	0.386	0.37	-	.435*	.625**	-	Pearson Correlation
0.158	0.12		0	0.014	0.076	0.09	.528*	0.012	0.043	0.234	Sig. (2-tailed)
0.483	22	22	22	22	22	22	22	22	22	0.306	N
0.278	1	0.342	0.309	0.19	0.006	0.002	-	-	-	0.3	Pearson Correlation
0.199		0.12	0.162	0.397	0.977	0.992	0.336	0.103	0.005	0.175	Sig. (2-tailed)
23	23	22	22	22	22	22	22	23	23	22	N
1	0.278	-	-	-	0.04	0.162	-	-	-	0.287	Pearson Correlation
	0.199	0.158	0.189	0.017	0.861	0.473	0.047	0.256	0.206	0.196	Sig. (2-tailed)
23	23	22	22	22	22	22	22	23	23	22	N

خانه هایی که sig آنها از ۰,۰۵ کمتر باشد و ضریب همبستگی از ۰,۴ بیشتر باشد بین آنها ارتباط برقرار است.

۴-۲-۲- تحلیل عاملی:

Component Matrix^a

	Component				
	1	2	3	4	5
سوال2	-.023	.834	.146	.001	.253
سوال3	.074	.672	.160	-.598	.129
سوال7	.917	.010	.294	-.138	.063
سوال8	.821	-.040	.380	-.082	.014
سوال9	-.459	-.102	.610	.031	.037
سوال10	.788	.036	.255	.186	-.289
سوال11	.765	.339	.351	.098	.000
سوال12	.704	-.033	-.012	.369	-.081
سوال13	.634	-.353	-.453	.022	.279
سوال14	.788	-.218	-.405	-.177	.214
سوال15	.180	.507	-.734	-.066	.098
سوال17	.006	.640	-.276	.508	-.409
سوال18	-.174	.095	.185	.547	.759

Extraction Method: Principal Component Analysis.

a. 5 components extracted.

سوالات ۷- ۸- ۱۴- ۱۳- ۱۲- ۱۱- ۱۰ با هم تناظر دارند.
 سوالات ۲- ۱۷- ۱۵- ۳ با هم تناظر دارند. و سوال ۹ با هیچ کدام متناظر نیست. سوال ۱۸ هم با هیچ کدام متناظر نیست.

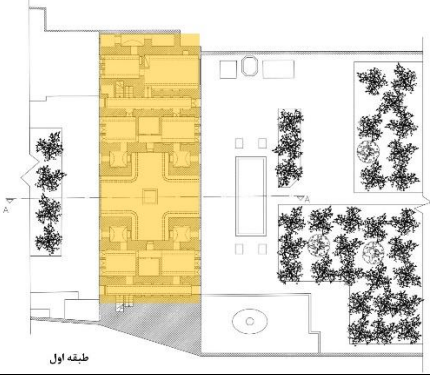
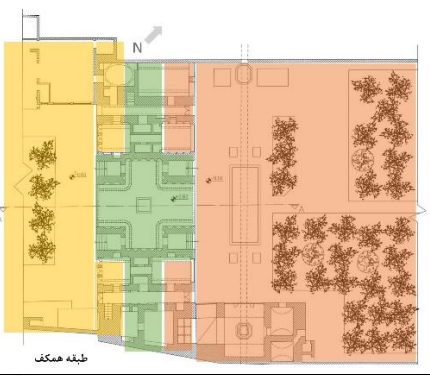
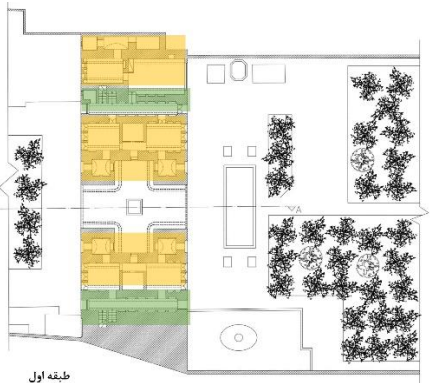
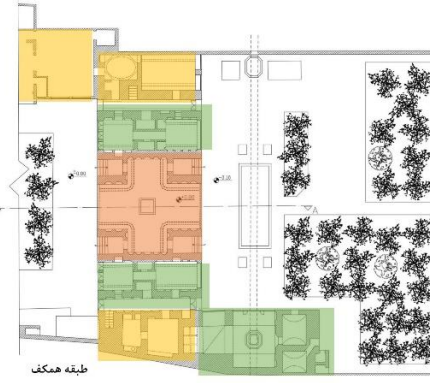
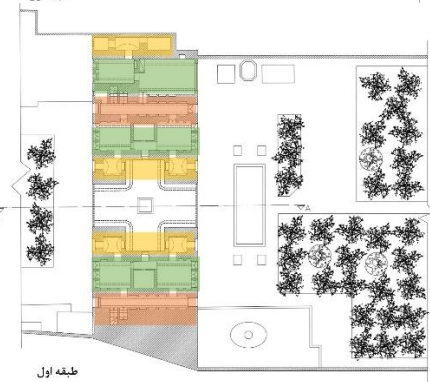
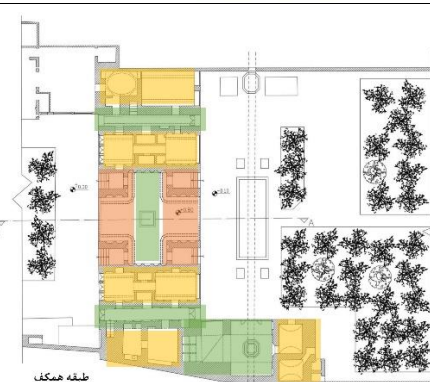
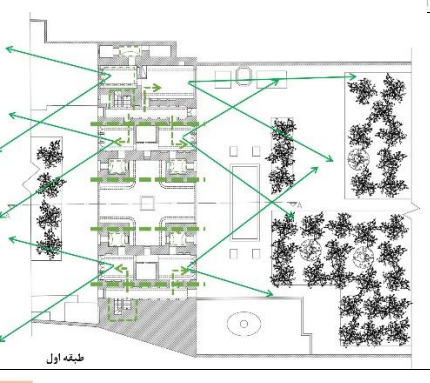
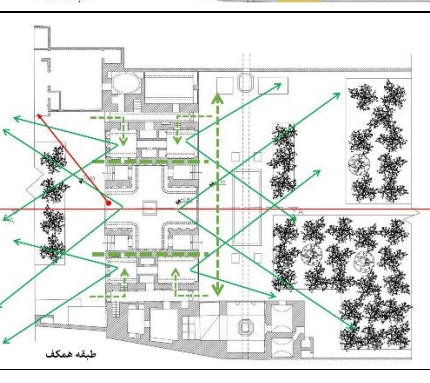
۳-۲- نمونه‌خانه باغهای شهر یزد (قاجار، پهلوی، جدید):

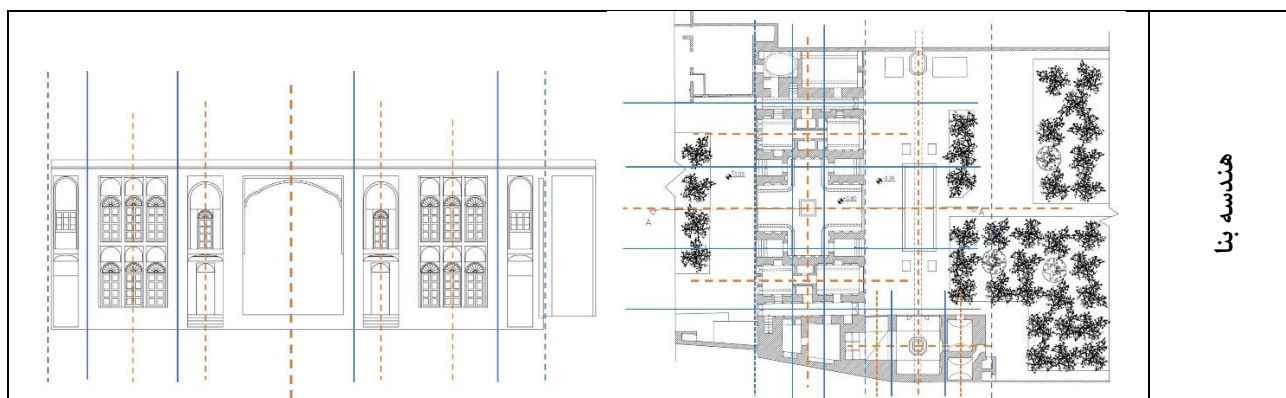
۳-۲-۱- خانه‌باغ دکتر اولیا^۱



شماره	نام خانه	موقعیت	قدمت
۱	دکتر اولیا	محله نعیم آباد	اواخر قاجار
اسناد تصویری خانه‌باغ دکتر اولیا			
مقطع و نما	پلان طبقه همکف	تصاویر	

^۱ یکی از معدود خانه‌باغهای باقیمانده در سطح شهر، خانه باغ دکتر اولیا می باشد که با همت مالک اثر همچنان پابرجا باقی مانده است.

موارد تحلیل		نقشه‌ها
عرضه بندی	مرتبه اول	 طبقه اول  طبقه همکف
	مرتبه دوم	 طبقه اول  طبقه همکف
	مرتبه سوم	 طبقه اول  طبقه همکف
	تدابیر کالبدی و دید	 طبقه اول  طبقه همکف
		عرضه عمومی نیمه عمومی-خصوصی عرضه خصوصی دید مطلوب دید نا مطلوب تدابیر کالبدی خلوت جویی محورهای قربنگی تقسیم بندی پلان هندسی محدوده بنا



هندسه بنا

۲-۳-۳- خانه باغ ناجی^۱

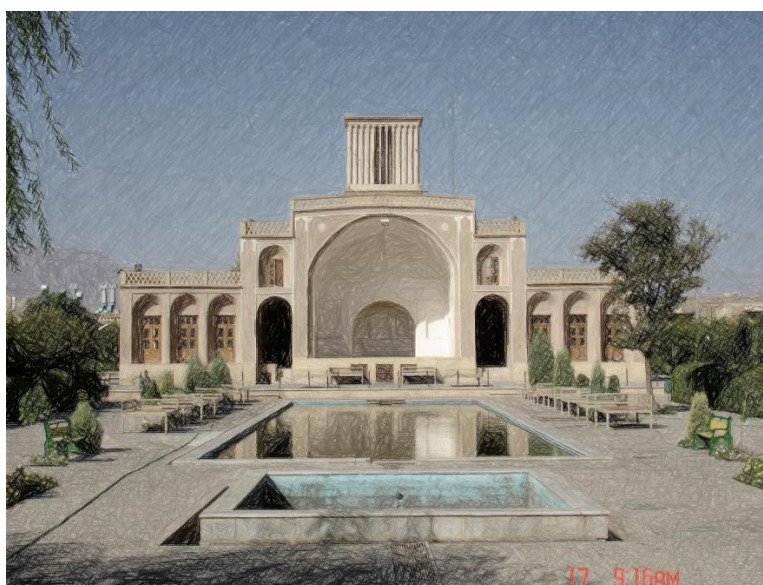
شماره	نام خانه باغ	موقعیت	قدمت
۳	بوستان ناجی	بلوار شهید دشتی	دوره قاجار
اسناد تصویری خانه باغ ناجی			
مقطع و نما	سایت پلان و پلان همکف	تصاویر	

^۱ این باغ که دارای یک کوشک مرکزی می باشد به عنوان تفرجگاه یکی از تجار یزد مورد استفاده قرار می گرفته؛ و برای ثبت در فهرست آثار ملی پیشنهاد گردیده است.

	تدابیر کالبدی و دید
	هندسه بنا

ور نه با سعی و عمل باغ جنان این همه نیست^۱

دولت آن است که بی خون دل آید به کنار



^۱ غزلیات حافظ.

۲-۳-۲- خانه باغ مرتاض^۱

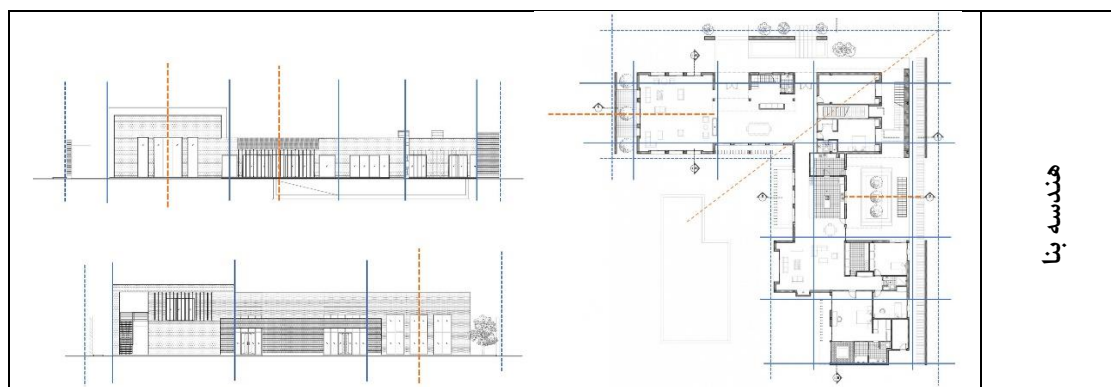


هر کو نکند فهمی زین کلک خیال انگیز نقشش به حرام ار خود صورتگر چین باشد^۲

شماره	نام خانه	موقعیت	قدمت
۳	مرتاض	محله مهدی آباد	۴۴ سال
اسناد تصویری خانه مرتاض			
پرسپکتیو ایزومتریک و برش عمودی	پلان طبقه همکف	تصاویر	

^۱ یکی از جدیدترین خانه باغهای یزد که رتبه دوم گروه مسکونی تک واحدی جایزه معمار سال ۱۳۹۳ را به خود اختصاص داد، خانه باغ مرتاض است. این خانه به مساحت تقریبی ۹۵۰ مترمربع، در بخشی از یک مجموعه خانه باغ خانوادگی قدیمی برجای مانده در این منطقه بنا شده است که ۵۰۰۰ مترمربع از زمین آن باغ، به یکی از فرزندان، برای ساخت این خانه اختصاص یافته است.

^۲ غزلیات حافظ.



جدول ۱۱- نتایج تحلیل نمونه موردی

ابزار تأمین خلوت در مراتب مختلف	
مرتبه اول	حصارها، ایجاد سلسله مراتب، ایجاد راهرو و مسیرها، محل قرارگیری آستانه در ورودی، دیوار خارجی. ایجاد پوشش گیاهی در مسیر.
مرتبه دوم	دیوارها، چیدمان فضاها، باز شوها (در و پنجره‌ها)، پرده، موقعیت مکانی فضا، جهتگیری فضا، عایق صدا (دیوارهای حجیم)، چیدمان فضاها، راهروها، تغییر مسیر، جهتگیری و موقعیت آستانه در ورودی، ایجاد فضای پخش، وجود ایوان و هندسه مناسب.
مرتبه سوم	جهت گیری فضا و موقعیت نسبت به باغ، پنجره‌ها، دیوارها، ارتفاع از سطح زمین، موقعیت مکانی اتاق، دیوار، وجود کنج، موقعیت مکانی سرویس بهداشتی، دیوار، قفل در، محاصره شدن با فضاهای خصوصی، شکستگی در دسترسی به فضا، ارتباط با ورودی بنا، فاصله ورودی فضا با ورودی فضاهای دیگر.

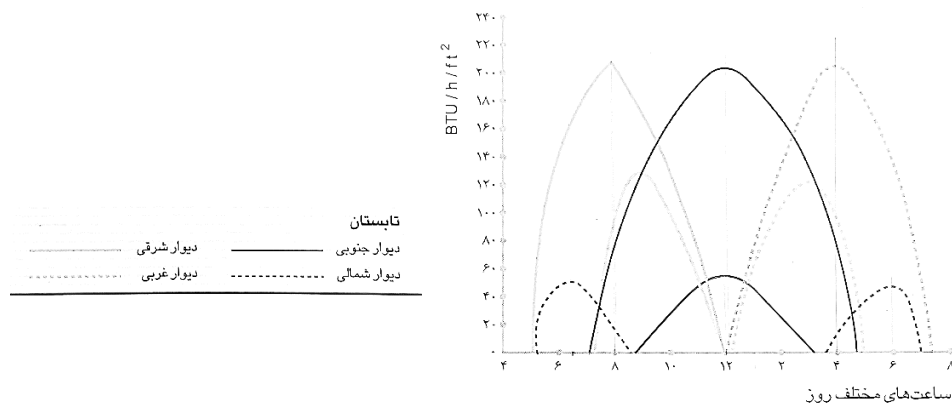
است. بدیهی است در طراحی منظر با هدف خلق فضاهای متنوع در بستر بیرونی، توجه به چشم اندازها بسیار حائز اهمیت است. هدف از معماری منظر انسانی کردن محیط تبلور ذهنیت و سامان دادن به محیط (تبلور عینیت) است. به بیانی دیگر هدف اصلی معماری منظر طراحی فضاهای بیرونی است که در آن مفاهیم کلان در قیاس با توده‌ی ساختمانی نمودی بیشتر دارد (بقایی و دیگران، ۱۳۸۷: ۸۳).

باغ ایرانی از ترکیب ساده و موزون، رابطه صحیح و استوار سلسله مراتب حساب شده، منطق عقلانی، نظام هندسی مشخص، آسه بندی های منظم، خطوط عمود بر هم، تخت، کرتهای چهارگوش، تقسیمات متعادل، گذرگاههای مستقیم با هدف که به گاه نیاز با گشادگی فضایی میامیزند. شبکه مترنم جهت دار آب که در فضاهای باز و پوشیده وسعت یافته تشکیل شده است. کرتهها براساس نظم منطقی، وسعت و گستردگی هماهنگ، رعایت جهات جغرافیایی و مشخصات محیطی استفاده بهینه از آفتاب، پایداری در برابر باد، رویارویی با پیشینه و کمینه حرارت، راحتی داشت و فراوانی برداشت، تأمین محیط آرام و مصفا، ایجاد تنوع مطبوع، و برقراری زیبایی پویا، افزاز می شوند. چنین ویژگیهای بیان شده نیز در مقیاسی محدود در فضای خانه ایرانی در قبل و بعد از اسلام استفاده می شده است. خرد اقلیمی که با تمامی شرایط سخت زیستی در منطقه گرم و خشک باغی مصفا را همسان بهشت برین وعده داده شده قرآن کریم در دل کویر پدید می آورده است(بقایی و دیگران، ۱۳۸۷: ۹۱).

۳-۳- نمودارهای مطالعاتی

جدول ۱۲- میانگین دمای ماهانه یزد طی ۵ سال اخیر (www.irimo.ir)

اطلاعات میانگین دمای ماهانه												
سال	ژانویه	فوریه	مارس	آوریل	مه	ژوئن	ژوئیه	اگوست	سپتامبر	اکتبر	نوامبر	دسامبر
2013	8.9	11.5	16.6	20	25.1	32	35.2	31.9	28.5	20.9	13.5	7.7
2014	6	6.7	15.4	21.9	26.4	32.5	34.1	32.1	29.3	21.2	12	8.8
2015	9.3	12.6	14.4	22.9	27.9	34.1	32.6	31.4	26.1	23	12.8	7.7
2016	9.9	11.8	17.3	20.7	28.3	31.3	34.7	29.9	29.6	21.4	12.5	10.7
2017	8.2	8.9	15.4	22.6	28.1	33.1	32.7	30.2	27.1	22.1	14.4	10



شکل ۱۸- انرژی خورشید تابش یافته بر سطوح قائم در ساختمانهای عمود بر شمال و جنوب (کسمایی، ۱۳۸۱: ۱۹۹)

منابع و مآخذ

کتب:

- ابن سینا (۱۳۷۷)، "الهیات نجات"، ترجمه: سید یحیی یثربی، فکر روز، تهران.
- اروین، آلتمن (۱۳۸۲)، "محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام"، مترجم: علی نمازیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- باشلار، گاستون (۱۳۸۸)، "دیالکتیک برون و درون: پدیدار شناسی خیال"، مترجم: مازیار، امیر، فرهنگستان هنر، تهران.
- برت، آر.ال (۱۳۷۹)، "تخیل"، مترجم: جعفری، مسعود، مرکز، تهران.
- بلخاری قهی، حسن (۱۳۹۰)، "مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی"، سوره مهر، تهران.
- پاکزاد، جهانشاه و بزرگ، حمیده (۱۳۹۳)، "الفبای روانشناسی محیط برای طراحان"، آرمانشهر، تهران.
- پالومبو، ماریالوئیزا (۱۳۸۶)، "زهدان‌های معماری"، مترجم: محمدرضا جودت، گنج هنر، تهران.
- پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۹۴)، "برنامه ریزی مسکن"، سمت، تهران.
- ثروتیان، بهروز (۱۳۸۳)، "فن بیان در آفرینش خیال"، امیرکبیر، تهران.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲)، "شرح حکمت متعالیه اسفار اربعه"، بخش چهارم از ج ۶، انتشارات الزهراء (س)، تهران.
- چیتیک، ویلیام (۱۳۸۵)، "عوامل خیال: ابن عربی و مسئله ی اختلاف ادیان"، مترجم: کاکایی، قاسم، هرمس، تهران.
- حائری مازندرانی، محمدرضا (۱۳۸۸)، "خانه، فرهنگ، طبیعت"، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
- حسن زاده آملی، حسن (۱۳۹۲)، "شرح فارسی اسفار اربعه صدرالمأهلین شیرازی"، ج ۱، بوستان کتاب، قم.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۷۳)، "تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلام"، اساطیر، تهران.
- سرای، محمدحسن (۱۳۹۱)، "تطور سکونت شهری از مجموعه‌های فامیلی تا بلوک‌های آپارتمانی (تفاوت‌های اساسی خانه و مسکن در شهر یزد)"، شماره ۱۰ مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، مردودشت.



سید صدر، ابولقاسم (۱۳۷۷)، "فلسفه‌ی فضای معماری"، بیابانی، تهران.

شکرگذار، اصغر (۱۳۸۵)، "توسعه مسکن شهری در ایران"، حق شناس، رشت.

شیخ الاسلامی، علی (۱۳۸۳)، "خیال، مثال و جمال"، فرهنگستان هنر، تهران.

شیرازی، صدرالمتهلین (۱۳۸۱)، "مبدا و معاد"، ترجمه: احمد ابن محمد الحسینی اردکانی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.

شیرازی، صدرالمتهلین (۱۳۸۳)، "حکمت متعالیه در اسفار عقلی اربعه"، جلد ۱ از سفر چهارم، ترجمه: محمد خواجوی، انتشارات مولی، تهران.

شیرازی، محمدرضا (۱۳۹۵)، "شعر فضا: تادادائو آندو"، کتاب فکرنو، تهران.

طاهری، اسحاق (۱۳۹۳)، "نفس و قوای آن از دیدگاه ارسطو، ابن سینا و صدرالدین شیرازی"، بوستان کتاب، قم.

غزالی، ابوحامد (۱۳۸۶)، "احیا علوم الدین ۳: ربع مهلکات"، مترجم: مویدالدین محمد خوارزمی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

فلامکی، منصور (۱۳۹۰)، "ریشه‌ها و گرایش‌های نظری در معماری"، نشر فضا، تهران.

کرجی، علی (۱۳۹۲)، "اصطلاحات فلسفی و تفاوت آن‌ها با یکدیگر"، بوستان کتاب، قم.

کوپر، کلیر (۱۳۸۸)، "مبانی فلسفی و روانشناختی ادراک فضا"، مترجم: آرش ارباب جلفایی، نشر خاک، تهران.

گات، بریس و لوپس، دومینیک (۱۳۹۳)، "دانشنامه‌ی زیبایی‌شناسی"، مترجمین: صناعی دره بیدی، منوچهر و دیگران، فرهنگستان هنر، تهران.

لنگ، جان (۱۳۹۱)، "آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط"، مترجم: علیرضا عیینی فر، دانشگاه تهران، تهران.

ملاصدرا (۱۳۷۸)، "اسفار اربعه: سفر اول، از خلق به حق"، ترجمه: محمد خواجوی، نشر مولی، تهران.

نوربرگ-شولتر، کریستیان (۱۳۹۳)، "وجود، فضا و معماری"، ترجمه: ویدا نوروز برازجانی، پرهام نقش، تهران.

نوربری، شولتز (۱۳۹۴)، "مفوک سکونت به سوی معماری تمثیلی"، مترجم: محمود امیریاری احمدی، نشر آگه، تهران.

هال، ادوارد. تی. (۱۳۸۷)، "بعد پنهان"، مترجم: منوچهر طبیبیان، دانشگاه تهران، تهران.

مقالات:

ارژمند، محمود و خانی، سمیه (۱۳۹۱)، "نقش خلوت در معماری خانه ایرانی"، شماره ۷ مطالعات شهر ایرانی اسلامی، تهران.

اکبریان، رضا و گلستانه، فهیمه (۱۳۹۱)، "حقیقت ایمان از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی"، دوفصلنامه حکمت صدرایی، تهران.

اکبریان، رضا(۱۳۸۸)، "قوه خیال و عالم صور خیالی"، شماره ۸ آموزه های فلسفی اسلامی، نشریه علمی-پژوهشی، مشهد.

بقایی، پرهام و امیرخانی، آرین و دیگران(۱۳۸۷)، "رهیافتی بر هنر منظره پردازی و باغ سازی ایرانی در دوران ساسانیان"، شماره ۱۲۵ کتاب ماه و هنر، تهران.

بلخاری قهی، حسن(۱۳۸۷)، "بررسی تطبیقی آرای ابن سینا و ساموئل کالریج در مورد تمایز میان خیال و تخیل"، شماره ۲۷ فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز.

پهلوانیان، احمد و معلمی، حسن(۱۳۹۲)، "بررسی تطبیقی خیال در اندیشه ی ابن عربی و ملاصدرا"، شماره ۵۴ ذهن، نشریه علمی-پژوهشی، تهران.

تورانی، اعلی، و رهبری، معصومه(۱۳۹۳)، "نقش قوه خیال در پدیده وحی از دیدگاه فارابی و ملاصدرا"، شماره ۳۱ انسان پژوهی دینی، نشریه علمی-پژوهشی، قم.

جهانبخش، سعید و اسمعیل پور، نجما(۱۳۸۳)، "مبانی طراحی اقلیمی واحدهای مسکونی شهر یزد(مبانی حرارتی و نورگیری)"، شماره ۲ فصلنامه جغرافیایی سرزمین، تهران.

چیتیک، ویلیام(۱۳۸۵)، "عوامل خیال: ابن عربی و مسئله ی اختلاف ادیان"، مترجم: کاکایی، قاسم، هرمس، تهران.

خوش نظر، رحیم(۱۳۸۷)، "نقد محتوایی عالم خیال"، شماره ۱۲۵ کتاب ماه هنر، تهران.

خوش نظر، رحیم(۱۳۸۷)، "نقد محتوایی عالم خیال"، شماره ۱۲۵ کتاب ماه هنر، تهران.

دلخمش، محمدتقی(۱۳۸۹)، "مهلکات روان شناسی صوفی(قسمت دوم): صفتهای دل"، شماره ۲۳ فصلنامه روانشناسی تحولی، تهران.

رنجبر، ابراهیم(۱۳۹۲)، "بررسی و تحلیل رمان نفرین زمین بر اساس الگوهای تبیین در علوم اجتماعی لیتل"، شماره ۱۸۰ جستارهای ادبی، مشهد.

سالم، مریم(۱۳۹۲)، "علیت ارسطویی یا تبیین ارسطویی"، شماره اول، معرفت فلسفی، تهران.

شاهپسندزاده، بابک(۱۳۹۲)، "تابش و آسایش(تحلیل اثرات انرژی تابشی بر معماری مسکن سنتی یزد)"، هشتمین سمپوزیوم پیشرفت در علم و تکنولوژی، مشهد.

شفیعی، فاطمه و بلخاری قهی، حسن(۱۳۹۰)، "تخیل هنری در حکمت اشراقی سهروردی"، شماره های ۹ و ۱۰ متافیزیک، نشریه علمی-پژوهشی، اصفهان.

شیخ الاسلامی، علی(۱۳۸۳)، "خیال، مثال و جمال"، فرهنگستان هنر، تهران.

صادقی علی آبادی، مسعود(۱۳۸۴)، "ماهیت و موضوع تبیین"، شماره ۱۷، اندیشه دینی، شیراز.

صادقی، مجتبی و رهنما، محمد رحیم(۱۳۹۲)، "تبیین ساختاری-کارکردی مدیریت مشارکتی شهری- مطالعه موردی: شهر مشهد-"، شماره ۸۳، پژوهش های جغرافیای انسانی، تهران.

صادقی، مسعود(۱۳۸۵)، "انواع تبیین و نظریه های تبیین علمی"، شماره ۸، نامه حکمت، تهران.

ضرغامی، سعید (۱۳۹۰)، "فلسفه ی پژوهش تربیتی بررسی بنیادهای فلسفی رویکردهای تبیین، فهم و انتقاد و تحلیل نقش و جایگاه هر یک در پژوهش تربیتی"، شماره ۱، پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، مشهد.

ضیاء شهابی، پرویز و کوششی، پریش (۱۳۹۰)، "تفسیر هایدگر از شمایتم و خیال در فلسفه استعلایی کانت"، شماره ۴ تاریخ فلسفه، نشریه علمی-پژوهشی، تهران.

طاهری، جعفر (۱۳۹۲)، "باز اندیشی مفهوم سکونت در معماری"، شماره ۴ مطالعات معماری، تهران.

عالمی، مهوش و یزدی، میثم (۱۳۸۷)، "باغ‌ها و حیاطهای ایرانی (رویکردی به طراحی معماری معاصر)"، شماره ۱۱ نشریه گلستان هنر، تهران.

عامری، وحیده (۱۳۸۴)، "بررسی مسأله بقای نفس و معاد نزد سه فیلسوف مسلمان ابن سینا، شیخ اشراق و ملاصدرا"، شماره ۳۰-۳۱ فلسفه و کلام اسلامی، تهران.

عینی‌فر، علیرضا و آقا لطیفی، آزاده (۱۳۹۰)، "مفهوم قلمرو در مجموعه‌های مسکونی: مطالعه مقایسه‌ای دو مجموعه مسکونی در سطح و در ارتفاع در تهران"، شماره ۴۷ نشریه هنرهای زیبا، تهران.

فتاحی، ذکیه و پازوکی، شهرام (۱۳۹۳)، "بررسی خلوت و تحول آن در تصوف"، شماره ۳۴ فصلنامه ی عرفانی و اسطوره شناختی، تهران.

فعالی، محمدتقی (۱۳۹۱)، "آرامش؛ رهیافت‌ها و راهکارها با تاکید بر آموزه های اسلامی"، شماره ۱۸ پژوهشنامه اخلاق، قم.

کاکایی، قاسم و حقیقت، لاله (۱۳۸۷)، "ماهیت ایمان از دیدگاه محمد غزالی"، شماره ۱۴ فصلنامه فلسفه و کلام آینه معرفت، تهران.

کشفی، محمد حسین، جواهرپور، حسام و کشفی، محمد علی (۱۳۹۳)، "بررسی مبانی فلسفی «سکنی‌گزینی» از دیدگاه پدیدار شناسی، با تکیه بر ارزش‌های اسلامی ایرانی"، شماره ۲ فصلنامه اندیشه دینی، شیراز.

متدین، حشمت‌اله (۱۳۸۹)، "علل پیدایش باغ‌های تاریخی ایران"، شماره ۱۵ باغ نظر، تهران.

مجیدی بیدگلی، کبری (۱۳۸۶)، "معنا و مفهوم ایمان از دیدگاه علامه طباطبایی (ره)"، شماره ۲۲ فصلنامه اندیشه دینی، شیراز.

محمدزاده، رحمت (۱۳۹۰)، "بررسی کیفیت عوامل فضایی و کالبدی فضاها با مجتمعات مسکونی شهر جدید سهند"، شماره ۴۷ نشریه هنرهای زیبا، تهران.

مفتونی، نادیا (۱۳۸۸)، "خیال‌مشایی، اشراقی و خلاقیت"، شماره ۵۵ خردنامه صدرا، نشریه علمی-پژوهشی، تهران.

مفتونی، نادیا (۱۳۹۰)، "صور خیال در ترازی نقد از نگاه فارابی"، شماره ۳۲ معرفت فلسفی، نشریه علمی-پژوهشی، تهران.

پایان‌نامه‌ها:

Sites:

<https://www.google.com/earth/>

<https://www.irimo.ir/far/index.php>

<https://www.pinterest.com/>

<http://pro-marefat.ir/>

<https://www.noormags.ir/>

<http://www.magiran.com/>